روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
یکشنبه ۰۹ شهریور ۱۴۰۴
۰۷ ربیع الاول ۱۴۴۷ | ۳۱ آگوست ۲۰۲۵
شماره ۷۴۹
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

راز عطش خریداران سایپا

صفحه ۰۸

اتوبوسرانی در حال ورشکستگی

۳

بورس در کف ۹ ماهه

۵

پایان تب و تاب ادغام‌های نفتی

۷

ورزش جایگاه مهمی در سیاست خارجی ما دارد

معمای آب و الماس

بحران آب همچنان یک مانع کلیدی در مسیر توسعه این بخش است....

صفحه ۲

آب طبقاتی در خشکسالی

قطعی‌های چندساعته آب در شهر تهران، زندگی عادی شهروندان را با اختلال جدی مواجه کرده است...

صفحه ۴

غایب تجارت دیجیتال

تحولات اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری اهمیت نقش....

صفحه ۶

رویکرد اقتصادی به «شعام»

امیر ثامنی
کارشناس اقتصادی

در پارادایم قبل که مربوط به عصر جهانی‌سازی و یکپارچگی اقتصادی (از دوران پساجنگ سرد تا اوایل قرن جدید میلادی) است، مقوله امنیت ملی بیشتر در رده موضوعات دفاعی-نظامی طبقه‌بندی می‌شد و لذا عمدتا با الگوها، نظریه‌ها و رویکردهای این‌چنینی درباره آن سیاســتگذاری و تصمیم‌ســازی صورت می‌گرفت. با وجود این در ســال‌های اخیــر و به‌ویژه با فعال شدن گســل‌های ژئوپلیتیک جهان (اوکراین، غزه، تایوان و...) و آغاز تغییر ســاختاری از نظم تک‌قطبی به نظم چندمرکزی، ظهور منطقه‌گرایی و تکه‌تکه‌شدن جهان در قالب نظم نوین در حال شکل‌گیری، مقوله «امنیت ملی» دستخوش دگرگونی‌های قابل‌توجهی شده و «هم‌بست اقتصادی، سیاست و امنیت» به یک دکترین جدید در سیاستگذاری توسعه ملی تبدیل شده است. با وجود این در کشور ما این فراگرد همانند بسیاری از فراگردهای جهان‌گستر دیگر با تاخیر (چندساله و چند دهه‌ای) دریافت و پردازش شده و پربی‌راه نیست اگر بگوییم در مورد خاص «امنیت ملی» هنوز هم این پارادایم‌شیفت و الزامات مترتب بر آن، آن‌چنان که شایسته و بایسته بوده مورد پذیرش و فهم قرار نگرفته است.

این در حالی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در قالب اصل ۱۷۶، در ذیل تعیین وظایف «شورای عالی امنیت ملی» مقوله «هماهنگ کردن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور» به‌منظور تامین منافع ملی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است؛ ولی تفسیر مضیق و قلیل از امنیت ملی به حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدهای نظامی بیگانگان، ســبب شده نقش و جایگاه حساس و تعیین کننده «شورای عالی امنیت ملی» برخلاف تجربه نهادهای مشابه در سایر کشورها، مورد غفلت قرار گیرد.

از یک‌سو درس‌آموخته‌های پنج دهه حکمرانی در کشور که حاکی از کندی و ناکارآمدی در سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرا به سبب فقدان انسجام، نداشتن الگو و نظریه، غفلت از مدیریت تعارض منافع میان بازیگران و تعریف و ملاک عمل نبودن منافع ملی است و از سوی دیگر بررسی تجارب موفقیت‌آمیز کشورهای پیشــرو در کاهش، ادغام و حذف ساختارهای متعدد و متفرق به‌ویژه در شــرایط اضطراری به‌منظور بهبود حکمرانی است، نشان از آن دارد که می‌توان از ظرفیت اصل ۱۷۶ قانون اساسی و بازتعریف نقش، جایگاه و ماموریت «شورای عالی امنیت ملی» مسیر جدیدی برای افق‌گشایی در حکمرانی کشور و برون‌رفت از تله بوروکراســی فرسایشی و تعارض منافع میان بازیگران و کنشگران متکثر و دارای انگیزه‌های ناهمگون یافت؛ چرا که: اولا این شورای نسبتا چابک به درستی آیینه تمام‌نمای توزیع قدرت در دستگاه حکمرانی کشور (از جمله حضور همه وجوه قدرت اعم از نمایندگان معتمد رهبری، روسای قوای سه‌گانه، نیروهای مســلح کشور، مسوول برنامه و بودجه کشور و سایر افراد) بوده و ثانیا به ســبب سازوکار تصویب و ابلاغ پیش‌بینی‌شده، کمتر درگیر سیاســت‌زدگی و پســتی و بلندی‌های مربوط به سایر شوراها می‌شود و توانایی اجماع‌سازی بالاتری به سبب مستظهر بودن به تایید رهبری (عدم نیاز به مصوبه مجلس یا تایید شورای نگهبان) دارد. از همین رو پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران به‌منظور طرح‌ریزی و اجرای تحول بنیادین در حکمرانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشور (هماهنگ‌سازی و انسجام میان ساحت امنیت، سیاست و اقتصاد) و میان‌بر زدن بر انبوهی از ساختارها، نهادها و فرآیندهای متراکم نظم موجود، نسبت به نگرشی تحولی به ساختار و جایگاه «شورای عالی امنیت ملی» و تعیین نسبت آن با سایر نهادها و شوراهای مشابه (مجلس، سران قوا، مجمع تشخیص، شورای اقتصاد، شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) در چارچوب ظرفیت اصل ۱۷۶ قانون اساسی (و نه فراتر از آن) اقدام کند. به‌عنوان نمونه، «جانمایی جدید ایران در اقتصاد منطقه و جهان» و چگونگی ساخت فرصت‌هایی نو از درون تهدیدهای فرارو از جمله تشدید تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر، تضعیف محور مقاومت، تشدید خشکسالی در سطح کل منطقه غرب آسیا، تحولات اخیر مربوط به زنگزور و... از جمله پرونده‌هایی است که بهتر است با راهبری شعام و دبیرخانه آن تعیین تکلیف شده و کلیه نهادها، دستگاه‌ها و شوراها مکلف به رعایت جدی الزامات و اقتضائات مترتب بر آن باشند.

عــلاوه بر ایــن به‌منظور رفــع یکی از حلقه‌هــای مفقود سیاستگذاری توسعه ملی در کشور به زعم بسیاری از کارشناسان و نیز بر اساس تجارب بسیاری از کشور (ایالات متحده، چین، روســیه، ژاپن، اتحادیه اروپا و...)، «سند امنیت ملی جمهوری اســلامی ایــران» را تدوین و تصویب کند. ســندی که بتواند دورنمای تامین امنیت ملی در کشور را با بررسی و هم‌پیوندی میان ساحت سیاست، اقتصاد و امنیت و مبتنی بر فهم و ارائه یک تعریف مورداجماع و موسع از «منافع ملی» را به‌دست دهد و مرجعی دیدگاه‌ساز برای شکل‌دهی به دکترین اقتصادی، دکترین سیاسی و دکترین امنیتی کشور باشد. این سند با تعریف دقیق منافع ملی (از بقای نظام و تمامیت ارضی گرفته تا رفاه اقتصادی و سیاست داخلی)، نسبت به شناسایی و اولویت‌بندی تهدیدها اعم از نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی و تعیین اهداف قابل دستیابی، به مثابه یک «قرارداد اجتماعی» نانوشته میان حاکمیت، دولت و ملت عمل کرده و مسیر حرکت کشور را برای سال‌های آتی مشخص می‌کند.

علاوه بر این، سند مزبور می‌تواند همانند نمونه ایالات متحده، چین یا ژاپن در سطح افکار عمومی بین‌الملل با کاربست صراحت و کاهش ابهام در رویکردها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور، پیام‌های روشــنی از نگرش نوین جمهوری اسلامی به موضوعات مناقشــه‌برانگیز و حل سوءتفاهم‌ها مخابره کند تا با کاهش ســطح حساسیت‌ها و تنش‌ها، فرصتی طلایی برای پوست‌اندازی بینشی، روشی و کنشی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاســت خارجی در راســتای منفعت ملی و مصالح نظام فراهم شود.

اتوبوسرانی در حال ورشکستگی

کریم حسن پور – اتوبوسرانی پایتخت یک مُد حمل‌ونقلی در حال احتضار است. این گزاره یک توصیف احساسی نیست؛ بلکه دست‌کم سه داده آماری آن را اثبات می‌کند.

واقعیت‌هایی که در یک نگاه کلان، در مورد اتوبوسرانی برون‌شهری هم صدق می‌کند و به عنوان عوامل ناکارآمدی اقتصاد حمل‌ونقل عمومی درون و برون‌شــهری با این ناوگان قابل طرح است. در حال حاضر تنها ۱۶درصد از هزینه واقعی سفرهای اتوبوسی از طریق بلیت‌فروشی تامین می‌شود و بار مالی تامین مابه‌التفاوت مربوطه در غیاب دولت، صرفا روی دوش شهرداری تهران است. اما آیا تلاش‌ها برای افزایش تعداد ناوگان، می‌تواند این مُد محتضر را نجات دهد؟ این گزارش با بررسی مشکلات اقتصاد اتوبوسرانی، راهکار خروج از وضعیت فعلی را ارائه کرده است.

به گزارش «دنیای اقتصاد»، نسخه فعلی اتوبوسرانی در ایران، مندرس و ناکارآمد است. اولین داده اثبات کننده ناکارآمدی اقتصاد اتوبوسرانی، مربوط به شاخص «نسبت درآمد بلیت به هزینه بهره‌برداری (Farebox Ratio)» است. آن‌گونه که احمد قیومی، مدیرعامل شرکت اتوبوسرانی شــهر تهران به «دنیای اقتصاد» می‌گوید، هزینه تمام شده هر سفر با اتوبوس در پایتخت، امســال به ۳۹هزار تومان رســیده و این در حالی است که میانگین بلیت پرداختی مسافران بابت هر سفر اتوبوسی فقط ۶۳۰۰تومان اســت. هرچند قیمت تمام‌شده سفر اتوبوسی با توجه به هزینه‌های متفاوت بهره‌برداری توسط شهرداری و بخش خصوصی، در مورد اتوبوس‌های ملکی و خصوصی قدری متفاوت است، اما در نهایت با توجه به سهم بالای ناوگان ملکی (متعلق به شهرداری تهران) از کل ناوگان در حال تردد و سرپای اتوبوسرانی، این عدد قابل اتکاست.

درحال‌حاضر میانگین سن ناوگان ملکی اتوبوسرانی در تهران به مراتب پایین‌تر (حدود هشت سال) و معادل نصف سن ناوگان بخش خصوصی است. این گزاره نشان می‌دهد که سال‌هاست سرمایه‌گذاری جدیدی از سوی بخش خصوصی در بخش اتوبوسرانی شکل نگرفته یا در یک سطح حداقلی باقی مانده است. به عبارت دیگر، فعالان بخش خصوصی در حوزه اتوبوســرانی، عمدتا کسانی هستند که در دوره اوج بازدهی حمل‌ونقل عمومی یعنی اوایل دهه ۹۰ سرمایه خود را صرف خرید ناوگان اتوبوس کرده و فعالیت‌شان را آغاز کردند. آنها به نوعی دچارمشکلات متعددی هســتند و چاره‌ای به جز ماندن و بهره‌برداری از سرمایه‌ای که به دلیل سالخوردگی، قابلیت تبدیل ندارد، برای‌شان باقی نمانده است.

بررســی «دنیای اقتصاد» نشــان می‌دهد نســبت درآمد حاصل از بلیت‌فروشــی به هزینه بهره‌برداری از ناوگان اتوبوسرانی در حال حاضر ۱۶درصد اســت. این نسبت در اوایل دهه ۹۰ که مدل نسبتا موفقی از حضور بخش خصوصی در اتوبوسرانی شهر تهران پیاده شد، حول و حوش ۲۵ درصد بود. این در حالی است که سهم درآمد مستقیم فروش بلیت در پوشش هزینه‌های بهره‌برداری حمل‌ونقل عمومی کشورها بین ۲۵ تا نزدیک ۵۰درصد متغیر است.

همچنین میانگین این نســبت در اروپا طی سال‌های اخیر حول و حوش ۴۸درصد بوده است. افول سهم درآمد بلیت‌فروشی از هزینه‌های واقعی سفر با ناوگان اتوبوسرانی، اولین و شاید مهم‌ترین علامت اقتصاد ناکارآمد این حوزه اســت که اگر به‌فوریت اصلاح نشود، دیری نمی‌پاید که اتوبوسرانی در تهران، به نوستالژی تبدیل می‌شود؛ کمااینکه همین حالا هم برای اکثر پایتخت‌نشین‌ها به خاطره‌ای دور می‌ماند. از نیمه دهه ۹۰ به بعد به دنبال شکل‌گیری روند کاهش تعداد اتوبوس‌های سرپا و آماده به کار، روزبه روز از عده کسانی که برای سفرهای درون‌شهری روی اتوبوس حساب می‌کردند، کاسته شد.

بخشــی از تقاضای ســفر به تاکسی (اعم از تاکســی‌های رسمی، مسافربرهای شخصی و تاکسی‌های اینترنتی)، بخشی به خودروی شخصی و موتورسیکلت و بخشــی به شبکه مترو که طی یک دهه گذشته هر چند با سرعت اندک، اما همواره در حال توسعه بوده است، منتقل شد. به این ترتیب گروهی از شهروندان که اواسط دهه ۹۰ متقاضی سفر با اتوبوس در برخی مسیرها بودند، به تدریج به دنبال مواجهه با سرفاصله طولانی حرکت اتوبوس در ایســتگاه‌ها و اتلاف زمان، سال‌هاست با این مُد خداحافظی کرده‌اند.

یارانه صفر اتوبوسرانی

علامت آماری دوم از حال احتضار اتوبوســرانی تهران، ناظر بر سهم صفر دولت از پرداخت یارانه بلیت و تحمیل شدن تمام هزینه پرداخت مابه‌التفاوت قیمت بلیت نسبت به هزینه واقعی سفرهای روزانه شهروندان با اتوبوس است. دولت به واسطه هزینه‌هایی که بابت استقرار در تهران به پایتخت‌نشینان تحمیل می‌کند، باید در پرداخت بخشی از هزینه‌های اداره تهران در جایی که منفعت عمومی حکم می‌کند، مشــارکت کند. این حمایت دولتی اما در سال‌های اخیر به صفر رسیده است. در برنامه چهارم توسعه مقرر شد دولت، شهرداری و مسافران، هر کدام یک‌سوم از هزینه تمام شده بلیت حمل‌ونقل عمومی را پرداخت کنند. این ضابطه قانونی البته هیچ‌گاه اجرا نشد و در بهترین حالت، باز هم فاصله پنج تا ۱۰درصدی بین پرداختی مســافران و سهمی که در قانون پیش‌بینی شده بود، وجود داشت.

با وجود اینکه ضابطه مذکور در برنامه‌های توسعه بعدی تکرار نشد؛ اما به اســتناد همین معیار، دولت‌ها هر ســال ردیفی را به عنوان یارانه بلیت مترو و اتوبوس در بودجه کل کشور پیش‌بینی می‌کنند که باید به شهرداری‌ها پرداخت شود. اما قیومی، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران در این رابطه به «دنیای اقتصاد» می‌گوید: بودجه کمکی دولت به حمل‌ونقل عمومی در سال جاری، تحت عنوان جبران هزینه دریافتی از دولت با رقمی برابر ۱۷۵میلیارد تومان پیش‌بینی شــده است. با این حال از این رقم تاکنون فقط ۴۸میلیارد تومان بابت هزینه‌های پشتیبانی اتوبوسرانی تهران از سفرهای اربعین به شهرداری پرداخت شده است.

وی ادامــه داد: در واقع دولت تاکنون بابــت هزینه‌های جابه‌جایی شهروندان در شهر تهران، مبلغی برای کمک به حمل‌ونقل عمومی شهر تهران پرداخت نکرده است. به نظر می‌رسد مدیران اتوبوسرانی امیدی هم به وصولی‌های آتی از دولت ندارند؛ چراکه ســال گذشته هم اعتبار دولتی اتوبوسرانی تهران معادل ۶۷۰میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که فقط حدود ۳۹میلیارد تومان، آن‌هم بابت جبران هزینه‌های اربعین پرداخت شد.

به گزارش «دنیای اقتصاد»، سومین نشانه آماری از فاصله یک قدمی مُد اتوبوس تا مرگ در شــبکه حمل‌ونقل عمومی پایتخت، ناترازی در تامین مابه‌التفاوت بهای بلیت اســت. تازه‌ترین آمار سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شــهر تهران مربوط به یکســال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد، روزانه حدود ۲۱میلیون (به طور دقیق ۲۰میلیون و ۹۵۸هزار و ۶۱۰) سفر در پایتخت انجام می‌شود که تقریبا ۱۰درصد به‌وسیله مترو، ۹درصد به‌وسیله اتوبوس و بقیه با تاکسی انجام می‌شود. تاکسی البته در شهرهای بزرگ، جزء مُدهای حمل‌ونقل عمومی محسوب نمی‌شود اما در ایران به دلیل دسترسی به سوخت بسیار ارزان، کرایه تاکسی‌ها پایین و در استطاعت عموم اقشار جامعه است.

بنابراین اگرچه ناوگان تاکسی، انبوه‌بر نیست، اما به دلیل این ویژگی قیمتی، با اغماض در آمارهای حمل‌ونقل عمومی منظور می‌شــود. با این حال اگر بخواهیم تعریف اســتاندارد حمل‌ونقل عمومی را مدنظر قرار دهیم، تاکسی در آن جایی ندارد. در تهران همچنین، هفت درصد از سفرهای روزانه نیز با موتورسیکلت و بقیه با انواع وسایل نقلیه سواری اعم از خودروی شخصی، مسافربرهای غیررسمی و سرویس‌های دربستی آنلاین انجام می‌شود.

در حال حاضر میانگین سن ناوگان ملکی اتوبوسرانی در تهران به مراتب پایین‌تر (حدود هشت سال) و معادل نصف سن ناوگان بخش خصوصی است. این گزاره نشان می‌دهد.

بازگشت از مسیر نادرست

با احتساب حدود ۱۰۰ روز تعطیلات رسمی سالانه در کشور و تعطیلات ناگهانی به دلایلی مثل آلودگی هوا، کنترل مصرف انرژی و... هزینه ســالانه تامین مابه‌التفاوت بهای بلیت اتوبوس و هزینه واقعی سفر با این ناوگان، حدود ۱۶.۵هزار میلیارد تومان (همت) برآورد می‌شود. این در حالی است که امسال در بودجه شهرداری تهران فقط ۱۳همت اعتبار بابت این موضوع پیش‌بینی شده است. به این ترتیب شهرداری که اکنون به‌تنهایی، پرداخت‌کننده ۸۴درصد از هزینه واقعی سفرهای اتوبوسی شهروندان است، برای تامین این یارانه در سال جاری، با کسری حدود سه‌هزار و ۵۰۰میلیارد تومانی مواجه اســت. این برآورد البته ممکن اســت با در نظر گرفتن نسبت دقیق سهم بخش خصوصی از اتوبوسرانی درون‌شهری تهران و تفکیک هزینه واقعی سفر با اتوبوس‌های ملکی و غیرملکی، قدری تغییر کند؛ اما وجود کسری اعتباری برای تامین هزینه‌های بار شده روی دوش شهرداری تهران در بخش اتوبوسرانی قطعی و مسجل است.

نظام جبرانی هزینه بهره‌برداری از ناوگان اتوبوسرانی در حال حاضر، به شکلی است که تقریبا همه بار به طور مســتقیم روی دوش مدیریت شهری است؛ سهم مسافران در یک سیر نزولی پیوسته تا ۱۶درصد کاهش پیدا کرده و سهم دولت نیز به صفر رسیده است. از طرفی شهرداری بدون تامین ناوگان تازه‌نفس در حد کفایت، امکان افزایش قیمت بلیت اتوبوس را ندارد؛ چراکه هرگونه افزایش قیمت در حال حاضر، می‌تواند به کاهش تقاضای سفر با این مُد حمل‌ونقلی بینجامد. مقصود از حد کفایت نیز، تعدادی است که در آن متقاضیان سفرهای روزانه شهری با انگیزه‌های مختلف شغلی، تحصیلی، خرید، تفریح و تفرج و... اطمینان داشته باشند که می‌توانند در طول ساعات فعالیت سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی، با سرفاصله حداقلی به اتوبوس دسترسی داشته باشند و کیفیت ظاهری ناوگان نیز قابل قبول باشد. این حد کفایت در برآوردهایی که اوایل دهه ۹۰ انجام شده بود، حدود ۱۲هزار دســتگاه اعلام می‌شــد؛ اما اکنون با تغییراتی که به دنبال ظهور تاکسی‌های اینترنتی و رایج شدن موتورسیکلت سواری در بخشی از طبقه متوسط درآمدی برای فرار از ترافیک کمرشکن پایتخت، در الگوی سفر و تمایلات شهروندان رخ داده است، ۱۱هزار دستگاه است.

در واقع اگر تهران به این تعداد اتوبوس تجهیز شود، می‌توان روی نظم حرکت این ناوگان حساب جدی کرد. اما صورت مساله اتوبوسرانی تهران به همین سادگی نیست. در واقع صرف تزریق ناوگان نمی‌تواند این مُد محتضر را احیا کند. یک دهه بی‌توجهی به این مُد حمل‌ونقلی در تهران و کشور، موجب شــده هم تعداد ناوگان آماده به خدمت افت کند و هم کیفیت ناوگان باقی‌مانده با توجه به افزایش سن، به طور محسوس کاهش پیدا کند. تبعات این دو، کاهش شمار کاربران اتوبوس است. هرچند آمار سفرهای اتوبوسی از زیر یک‌میلیون در سال ۱۴۰۱ به بیش از یک‌میلیون و ۸۰۰هزار سفر روزانه در حال حاضر ارتقا پیدا کرده است، اما همچنان نسبت سفرهای اتوبوسی به کل سفرهای روزانه شهروندان بسیار کمتر از هدفگذاری در سند بالادست برنامه‌ریزی حمل‌ونقل است. بر اساس برنامه چهارم اداره تهران، تعداد ناوگان اتوبوس در پایان امسال باید ۷۵۰۰ دستگاه و سهم اتوبوسرانی از سفرهای روزانه شهروندان دست‌کم ۲۵درصد باشد.

هدفگذاری این برنامه البته کامل اغراق‌آمیز و دست‌نایافتنی است؛ کمااینکه پیش‌بینی کرده مجموع سهم سفرهای شهروندان با مترو، اتوبوس و تاکسی در پایان سال ۱۴۰۴ به ۷۵درصد برسد. مانع اصلی تحقق این هدف حتی با وجود جبران یکباره کمبود ناوگان، تغییر الگوی سفر شهروندان و تغییر الگوی سرمایه‌گذاری فعالان صنعت حمل‌ونقل است. اتوبوسرانی هم در بخش درون و هم برون‌شهری، در سال‌های اخیر تحت‌تاثیر دخالت مستقیم متولیان دولتی (وزارتخانه‌های کشور و راه‌وشهرسازی) در قیمت‌گذاری بلیت، به صنعتی محتضر می‌ماند که دیگر نه مثل گذشته، گروه قابل‌توجهی از شهروندان برای سفرهای روزانه روی آن حساب می‌کنند و نه صاحبان سرمایه، تمایلی به خرید ناوگان و فعالیت زیر چتر قیمت‌گذاری دستوری در این صنعت نشان می‌هد. سرویس‌دهندگان فعلی نیز، بازماندگانی از نسل قبلی سرمایه‌گذاران در صنعت حمل‌ونقل هستند که چاره‌ای جز ماندن تا زمان استهلاک سرمایه و رسیدن به خط پایان ندارند.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹

سیاستگذاری در زمین فین‌تک

فناوری‌های نوین مالی(فین‌تک‌ها) در سطح جهانی به‌عنوان مکملی برای بانکداری خرد مطرح شده‌اند و می‌توانند با تسریع و تسهیل فرآیند وام‌دهی، نقش موثری در بهبود دسترسی به خدمات مالی ایفا کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم اعتبارات پرداختی از طریق این ابزارها به‌طور میانگین در جهان حدود ۱۵ درصد است، درحالی‌که در ایران بر اساس آخرین آمار، این سهم تنها بین ۱ تا ۱.۵ درصد قرار دارد. به عقیده کارشناسان از ظرفیت‌های بالقوه فین‌تک‌ها، به‌ویژه در حوزه وام‌دهی و اعتبارات خرد، به‌خوبی بهره‌برداری نشده است. در همین راستا، بانک مرکزی به‌تازگی پیش‌نویس راهبرد توسعه و تنظیم‌گری فناوری‌های نوین مالی را منتشر کرده است. تقویت محیط قانونی، فراهم‌سازی بستر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و همچنین سازماندهی و یکپارچه‌سازی فعالیت فین‌تک‌ها از جمله اولویت‌هایی است که این نهاد برای ارتقای زیست‌بوم مالی کشور مورد تاکید قرار داده است.

با تغییر الگوهای رفتاری مشتریان و افزایش انتظارات کاربران از خدمات مالی دیجیتال، صنعت پرداخت و نظام‌های مالی در سطح جهانی وارد مرحله‌ای از تحولات بنیادین شده است. گسترش به‌کارگیری فناوری‌های نوین چارچوب‌های سنتی ارائه خدمات مالی را دگرگون کرده و مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌ها) را به یکی از مهم‌ترین روندهای نوظهور در اقتصاد جهانی بدل ساخته است. ایران نیز به دلیل ضریب بالای نفوذ اینترنت و گسترش استفاده از تلفن‌های هوشمند، از ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه خدمات مالی دیجیتال برخوردار است. وجود جمعیت جوان و آشنا با فناوری، بازار بزرگی را برای ارائه خدمات مالی نوآورانه در کشور فراهم کرده و بستری مناسب برای رشد فناوری‌های نوین مالی ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، ساختار سنتی نظام بانکی در حوزه تامین مالی و ارائه تسهیلات، با محدودیت‌ها و پیچیدگی‌هایی همراه است. فرآیند دریافت وام در بانک‌ها غالبا نیازمند بلوکه کردن مبلغی در حساب‌بانکی و ارائه مدارک متعدد است؛ شرایطی که برای بسیاری از افراد به‌ویژه اقشار کم‌درآمد دشوار یا حتی غیرممکن است و در نتیجه دسترسی آنها به منابع مالی محدود می‌شود. در مقابل، فین‌تک‌ها با حذف بخشی از این موانع و ارائه راهکارهای انعطاف‌پذیرتر، توانسته‌اند توجه کاربران را به خود جلب کنند و به گزینه‌ای کارآمد برای تامین مالی خرد و ارائه خدمات اعتباری بدل شوند.

راهبرد بانک‌مرکزی در رابطه با فین‌تک‌ها

به تازگی، بانک مرکزی با توجه به پتانسیل رو به رشد فناوری‌های مالی در نظام پولی و بانکی کشور، راهبردی جامع را در زمینه تنظیم‌گری و گسترش فین‌تک‌ها تدوین کرده است. هدف اصلی این رویکرد، ایجاد تعادل میان حمایت از نوآوری و تضمین ثبات مالی است. بر این اساس، بانک مرکزی در گام نخست به دنبال تقویت محیط قانونی و نظارتی است تا از یکسو فضای مطمئن و شفافی برای فعالیت شرکت‌های نوآور فراهم شود و از سوی دیگر، امکان بروز رقابت سالم در بازارهای مالی به وجود آید. همزمان با این اقدام، توسعه ابزارهای نوین نظارتی در دستور کار قرار گرفته تا با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، ریسک نکول کاهش و سطح شفافیت و اثربخشی نظارت در حوزه پولی و بانکی ارتقا یابد.

در کنار بعد نظارتی، فراهم‌سازی زمینه سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی نیز بخش مهمی از این راهبرد را تشکیل می‌دهد. بانک مرکزی با حمایت از حضور فعال فین‌تک‌ها در رویدادهای ملی و جهانی و تسهیل دسترسی آنها به منابع مالی، تلاش دارد امکان رشد و توسعه پایدار این صنعت را فراهم آورد. در همین راستا، ایجاد بستر همکاری و هم‌افزایی میان بازیگران اصلی زیست‌بوم فین‌تک کشور، به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی دنبال می‌شود. در این راستا شکل‌گیری رگولاتور واحد صنعت فین‌تک در کشور به منظور هماهنگ‌سازی بین‌نهادی و تدوین سیاست‌های یکپارچه از اولویت بالایی برخوردار است.

در نهایت، این راهبرد بر شکل‌گیری ساختارهایی برای اشتراک‌گذاری دانش و تبادل ایده‌ها و محصولات نوآورانه تاکید دارد؛ ساختارهایی که می‌توانند به ارتقای کیفیت خدمات مالی، گسترش دسترسی مردم به ابزارهای نوین و تقویت جایگاه فین‌تک‌ها منجر شوند. به این ترتیب، سیاست بانک مرکزی در قبال فین‌تک‌ها نه صرفا رویکردی نظارتی، بلکه حرکتی هماهنگ برای حمایت، ساماندهی و هدایت این صنعت نوظهور در جهت منافع کلان اقتصاد کشور است.

حذف صفر از پول ملی؛ اقدامی اصلاحی یا سیاستی نمادین؟

با تصویب لایحه حذف چهار صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی مجلس، بار دیگر بحث بر سر کارآمدی این سیاست در دستور کار فضای عمومی و تخصصی کشور قرار گرفته است. طبق اعلام مقامات، این لایحه پس از بررسی کارشناسی در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و رفع ایرادات قبلی، به زودی در صحن علنی مجلس مطرح خواهد شد.

اما پرسش کلیدی این است: آیا حذف صفر از پول ملی در شرایط فعلی اقتصاد ایران، می‌تواند گامی موثر در جهت بهبود نظام پولی و مالی کشور باشد یا صرفا تغییری نمادین و فاقد اثرگذاری اقتصادی خواهد بود؟ در شرایط اقتصادی کنونی ایران، حذف صفرها چه دستاوردی خواهد داشت؟ و آیا می‌توان آن را گامی موثر در راستای بهبود عملکرد اقتصادی دانست یا صرفا اقدامی نمادین در ظاهر مساله است؟

معمای آب و الماس

مریم لطفی –در شرایطی که صنعت ایران با چالش‌هایی همچون تحریم‌های بین‌المللی، ناترازی انرژی و بحران کمبود آب دست‌وپنجه نرم می‌کند، بخش معدن یکی از امیدهای اصلی برای تقویت اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت به شمار می‌رود.

با این حال، بحران آب همچنان یک مانع کلیدی در مسیر توسعه این بخش است. اگر قرار است معدن به پیشران اقتصاد ایران تبدیل شود، مدیریت منابع آب در کنار اصلاح روابط بین‌المللی و حل مشکلات انرژی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. داده‌های جهانی و تجربه داخلی نشان می‌دهد که معدن، در مقایسه با کشاورزی، مصرف آب بسیار کمتری دارد.

سهم بخش صنعت و معدن از کل مصرف آب کشور تنها حدود ۲درصد است، در حالی‌که کشاورزی عمده منابع آبی ایران را به خود اختصاص داده است. به همین دلیل، اگرچه توسعه معدنی بدون راهکارهای پایدار آبی ممکن نیست، اما فشار ملی آن بر منابع آبی در قیاس با کشاورزی بسیار کمتر است. به بیان دیگر، در شرایط تنش آبی کنونی، تمرکز بر اصلاح الگوی مصرف در کشاورزی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در معادن می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار معدن باشد. بدین‌ترتیب، بخش معدن با وجود وابستگی کمتر به آب، ظرفیت بالاتری برای رشد اقتصادی در چارچوب محدودیت‌های آبی کشور دارد و می‌تواند جایگزینی اقتصادی‌تر نسبت به کشاورزی باشد.

تهدیدی چندوجهی برای توسعه

در حال حاضر کشور، با یکی از شدیدترین بحران‌های آب در سال‌های گذشته مواجه است. خشک شدن دریاچه ارومیه، کاهش شدید حجم آب در تالاب‌ها و رودخانه‌ها و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی از طریق چاه‌های غیرمجاز منابع آبی کشور را در وضعیتی بحرانی قرار داده‌است. این وضعیت نه‌تنها بخش کشاورزی و مصرف خانگی را تحت تاثیر قرار داده، بلکه بخش معدن را نیز با چالش‌های جدی مواجه کرده است. کمبود آب در ایران اثرات متعددی از جمله، کاهش تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی، افت کیفیت آب موردنیاز برای فرآیندهای معدنی و کاهش فرصت‌های شغلی در بخش معدن دارد.

ردپای آبی بخش معدن

بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و موسسه منابع جهانی (WRI)، بخش معدن در مقیاس جهانی تنها چند درصد از کل برداشت آب را به خود اختصاص داده‌است. با این حال، در مناطق خشک و معدنی، این بخش می‌تواند اصلی‌ترین مصرف‌کننده آب باشد.

برای مثال، در کشورهایی مانند استرالیا، شیلی و آفریقای جنوبی که اقتصاد آنها به شدت به معدن وابسته است و همزمان با شرایط خشک اقلیمی مواجه‌اند، سهم بخش معدن از کل برداشت‌های ملی آب بین ۲ تا ۴.۵درصد است. اما از آنجا که معادن اغلب در مناطق کم‌آب متمرکز هستند، فشار زیادی بر منابع آبی محلی وارد می‌کنند و رقابت مستقیمی با کشاورزی و مصارف شهری ایجاد می‌شود.

مطالعات جهانی، نشان می‌دهد که برداشت سالانه آب توسط بخش صنایع معدنی در مقایسه با برداشت جهانی آب شیرین کوچک به نظر می‌رسد، اما از نظر مطلق، حجم عظیمی را به به خود اختصاص داده‌است و با افزایش تقاضا برای مواد معدنی می‌توان انتظار داشت این روند افزایشی باشد. بخش معدن در تمامی مراحل فعالیت خود به آب وابسته است.

گزارش‌های بین‌المللی تاکید دارند که، آب یک منبع حیاتی برای عملیات معدنی است و بخش معدن به‌سرعت به یکی از مصرف‌کنندگان اصلی صنعتی آب در جهان تبدیل می‌شود. در مناطق خشک مانند کمربند مس در شیلی مرکزی یا شمال استرالیا، سهم معادن از منابع آبی موجود گاهی بیش از نیمی از کل منابع آبی منطقه است.

مصرف آب براساس نوع ماده معدنی

میزان مصرف آب در بخش معدن به نوع ماده معدنی بستگی دارد و تفاوت‌های قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. مواد معدنی غیرفلزی مرتبط با کشاورزی، به‌ویژه فسفات و پتاس که در تولید کود شیمیایی استفاده می‌شوند، بیشترین سهم را در مصرف آب دارند. فسفات به‌تنهایی سالانه بیش از ۳میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کند، که تقریبا نیمی از کل برداشت آب بخش معدن را تشکیل می‌دهد. در میان فلزات، مس با مصرف سالانه ۱.۲تا ۱.۳میلیارد مترمکعب و طلا با حدود ۱میلیارد مترمکعب از آب‌برترین مواد معدنی هستند.

سنگ‌آهن نیز سالانه بین ۰.۵۵ تا ۰.۸۸ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد. سایر فلزات مانند نیکل، روی و اورانیوم هر کدام به‌طور جداگانه ده‌هامیلیون مترمکعب آب در سال مصرف می‌کنند. این داده‌ها نشان می‌دهد که مواد معدنی غیرفلزی، به‌ویژه فسفات و پتاس (کاربرد اصلی آنها در بخش کشاورزی است)، در مجموع چند برابر بیشتر از فلزات دیگر آب مصرف می‌کنند. این الگو برای ایران، با پتانسیل بالای معدنی و محدودیت‌های آبی، اهمیت ویژه‌ای دارد و باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

سهم بخش صنعت و معدن از کل مصرف آب کشور تنها حدود ۲درصد است، در حالی‌که کشاورزی عمده منابع آبی ایران را به خود اختصاص داده است.

ضرورت مدیریت هوشمند آب

تفاوت محسوس میان مصرف آب بخش معدن و کشاورزی نشان می‌دهد که فشار ملی معدن بر منابع آب بسیار کمتر از کشاورزی است و در صورت مدیریت هوشمندانه می‌تواند ظرفیت بیشتری برای توسعه پایدار داشته باشد.

بااین‌حال، باید توجه داشت که بیشتر معادن ایران در مناطق خشک و نیمه‌خشک واقع شده‌اند؛ جایی که حتی برداشت‌های محدود نیز می‌تواند اثرات محلی قابل‌توجهی بر سفره‌های زیرزمینی و منابع آب داشته باشد. فعالیت‌هایی مانند استخراج، فرآوری، خنک‌سازی تجهیزات و کنترل گردوغبار همگی به آب وابسته‌اند و در نبود مدیریت صحیح می‌توانند منجر به کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، آلودگی منابع و تخریب محیط‌زیست شوند.

علاوه بر بحران آب، بخش معدن با مشکلات دیگری نظیر قوانین ناپایدار، کمبود فناوری‌های نوین و محدودیت‌های زیست‌محیطی مواجه است. ایران با دارا بودن ذخایر عظیم معدنی از جمله مس، سنگ‌آهن، طلا و مواد غیرفلزی، این ظرفیت را دارد که معدن را به یکی از ارکان اصلی اقتصاد ملی تبدیل کند؛ مشروط بر آنکه مدیریت پایدار منابع آب در اولویت سیاستگذاری قرار گیرد.

مزیت فناوری‌های نوین

فناوری‌های نوین می‌توانند مصرف آب در بخش معدن را به‌طور چشم‌گیری کاهش دهند. روش‌هایی مانند پیش تغلیظ سنگ، استفاده از باطله‌های خشک و توجه به اقتصاد چرخشی در معادن بزرگ جهان موفقیت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند. برای مثال، نتایج یک پژوهش علمی نشان می‌دهد که یک معدن مس فرضی با به‌کارگیری این دو فناوری می‌تواند مصرف آب خود را از ۰.۷۶مترمکعب به ازای هر تن سنگ به ۰.۲مترمکعب کاهش دهد؛ رقمی که به معنای صرفه‌جویی حدود ۷۴درصدی در مصرف آب است. در کشورهایی مانند شیلی، بیش از ۸۰درصد آب مورد استفاده در فرآیند معادن مس بازیافت می‌شود و حتی از آب دریا پس از شیرین‌سازی استفاده می‌شود.

در ایران، تلاش‌هایی مانند طرح انتقال آب از خلیج فارس به مناطق معدنی مرکزی و استفاده از سیستم‌های بازچرخانی پیشرفته آغاز شده است، اما این اقدامات هنوز در مراحل اولیه قرار دارند. به‌روزرسانی تجهیزات و استفاده از فناوری‌های مدرن می‌تواند مصرف آب را بین ۷۰ تا ۹۰درصد کاهش دهد. برای مثال، جایگزینی سدهای باطله مرطوب با باطله‌های خشک و استفاده از سیستم‌های بازیافت آب، نه‌تنها مصرف آب را کاهش می‌دهد، بلکه از آلودگی محیط‌زیست نیز جلوگیری می‌کند.

تهدیدی جهانی با تاثیرات محلی

طبق ارزیابی‌های موسسه منابع جهانی (WRI)، حدود ۱۶درصد از معادن استراتژیک جهان در مناطق با تنش آبی شدید قرار دارند. انتظار می‌رود تغییرات اقلیمی و رشد جمعیت این بحران را تشدید کند. در چنین مناطقی، فعالیت‌های معدنی نه‌تنها فشار زیادی بر منابع آب وارد می‌کنند، بلکه با نیازهای کشاورزی، شهری و زیست‌محیطی رقابت می‌کنند. برای مثال، در شیلی (بزرگ‌ترین تولیدکننده مس و لیتیوم جهان) بیش از نیمی از منابع آب محدود منطقه به بخش معدن اختصاص دارد.

در ایران، وضعیت مشابهی وجود دارد. مناطق معدنی مانند یزد و کرمان با کمبود شدید آب مواجه‌اند و بدون مدیریت هوشمند تخصیص آب، طرح‌های توسعه معدنی عملا غیرقابل اجرا خواهند بود. علاوه بر این، آلودگی ناشی از فعالیت‌های معدنی، مانند نشت مواد شیمیایی به منابع آب زیرزمینی، چالش‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند.

کلید توسعه پایدار بخش معدن

برای تبدیل بخش معدن به پیشران اقتصاد ایران، حل بحران آب در کنار رفع موانع روابط بین‌المللی و ناترازی انرژی ضروری است. بدون مدیریت هوشمند منابع آب، بهره‌برداری از پتانسیل عظیم معدنی ایران غیرممکن خواهد بود. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، استفاده از منابع جایگزین مانند آب دریا و اصلاح الگوهای مصرف آب در بخش کشاورزی می‌تواند راه را برای توسعه پایدار این بخش هموار کند. در غیر این صورت، نه‌تنها اهداف اقتصادی محقق نخواهد شد، بلکه تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، آینده توسعه کشور را تهدید خواهد کرد.

ممنوعیت فعالیت غیرتجاری با سرمایه مضاربه

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، این بانک در ابلاغیه‌ای خطاب به تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی، با اشاره به بازخوردهای دریافتی مبنی بر وجود رویه‌های متفاوت در فرآیند پرداخت تسهیلات مضاربه در شبکه بانکی کشور، به منظور حصول اطمینان از تبیین صحیح مقررات مربوط و وجود وحدت رویه در این خصوص بر اجرای صحیح مفاد بخشنامه شماره ۹۰.۹۷۰۳ مورخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۰ بانک مرکزی، موارد زیر را در مورد پرداخت تسهیلات مضاربه مجدد تاکید کرد:

۱. با توجه به ماده ۱۰ «دستورالعمل اجرایی عقد مضاربه» مصوب شورای پول و اعتبار، بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی مکلف به نظارت لازم و کافی بر مصرف سرمایه نقدی(منابع)، برگشت آن و همچنین عملیات اجرایی مضاربه است.

۲. پرداخت سرمایه مضاربه در بازرگانی داخلی جهت خرید کالا باید در مقابل پیش فاکتور معتبر یا حواله یا نامه سهمیه کالا یا قرارداد خرید معتبر یا هر نوع اسناد مثبته دیگر در وجه فروشنده کالا صورت گیرد. در این حالت عامل موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ استفاده از سرمایه، فاکتور اصلی معامله یا قبض انبار یا بارنامه حمل یا هر نوع سند دیگری را که حاکی از خرید و تحویل کالا باشد به بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی ارائه کند.

نوسان در نمودار قیمت مس

این فلز پایه که نقش کلیدی در صنایع برق، الکترونیک و خودروهای برقی دارد، همچنان به عنوان شاخص سلامت صنعتی جهان عمل می‌کند و تحولات آن مورد توجه تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان است.

فلز راهبردی

مس از دیرباز در صنایع معدنی و صنعتی اهمیت بالایی داشته است، زیرا رسانایی بالای الکتریکی، دوام و انعطاف‌پذیری آن، استفاده در سیم‌ها، کابل‌ها و موتورهای الکتریکی را تضمین کرده است. روند جهانی الکتریکی‌سازی، خودروهای برقی و انرژی‌های تجدیدپذیر باعث افزایش تقاضای این فلز شده و اهمیت آن را به شاخص سلامت اقتصاد جهانی تبدیل کرده است.

با وجود نوسانات کوتاه‌مدت، تحلیلگران بر این باورند که تقاضای مس در بلندمدت افزایشی خواهد بود، زیرا برنامه‌های توسعه زیرساخت‌های انرژی و رشد فناوری‌های سبز، نیاز به مس را به شکل قابل‌توجهی بالا برده است. به ویژه در خودروهای برقی، هر دستگاه نیازمند کابل‌ها، موتورها و باتری‌هایی است که همگی با مس در تماس مستقیم هستند و این باعث می‌شود رشد فروش خودروهای الکتریکی مستقیما تقاضای جهانی مس را تقویت کند.

علاوه بر این، مس به عنوان یک فلز استراتژیک در صنایع الکترونیک و ساختمان نیز نقش مهمی دارد؛ کابل‌کشی ساختمان‌ها، سیستم‌های انتقال برق و صنایع پتروشیمی همگی وابسته به مس هستند. از سوی دیگر، تقاضای مس در چین، که بیش از نیمی از مصرف جهانی را تشکیل می‌دهد، عامل تعیین‌کننده در روند قیمت و تعادل بازار جهانی به شمار می‌رود. در نتیجه، مس نه تنها یک کالای صنعتی است، بلکه شاخصی برای تحلیل سلامت اقتصادی جهان نیز محسوب می‌شود و نوسانات آن بازتاب مستقیم تغییرات در تولید صنعتی، سیاست‌های انرژی و سرمایه‌گذاری‌های سبز است.

فشار بر قیمت مس

در هفته اخیر، بازار مس شاهد نوسانات قابل‌توجهی بود که ترکیبی از رشد کوتاه‌مدت و عقب‌نشینی قیمت‌ها را به همراه داشت. قیمت مس در بورس لندن به ۹۷۷۲دلار رسید و نسبت به بالاترین رقم هفته یعنی ۹۸۶۲دلار کاهش جزئی نشان داد، موضوعی که نشان‌دهنده حساسیت بالای این بازار به عوامل کلان اقتصادی است.

رشد کوتاه‌مدت قیمت‌ها ناشی از افزایش تقاضای کوتاه‌مدت و انتظارات سرمایه‌گذاران بود، اما با تقویت دلار آمریکا، فشار زیادی بر بازار وارد شد؛ زیرا کالاهای دلاری برای خریداران خارجی گران‌تر می‌شوند و این خود باعث کاهش قدرت خرید و عقب‌نشینی از بازار شد. علاوه بر این، افزایش سریع موجودی‌ها در بورس‌های LME و Comex نشان داد که عرضه هنوز از تقاضای واقعی پیشی گرفته است و این موضوع مانع از ادامه رشد قیمت‌ها شد.

تحلیلگران بازار معتقدند که این وضعیت به ویژه در کوتاه‌مدت باعث تثبیت قیمت‌ها و ایجاد نوسانات لحظه‌ای خواهد شد، زیرا معامله‌گران با دقت بالایی اخبار اقتصادی و داده‌های تولید صنعتی چین را دنبال می‌کنند. چین، به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده مس جهان، بیش از نیمی از تقاضای جهانی را تشکیل می‌دهد و کاهش سود صنعتی این کشور و در عین حال افزایش نسبی سود تولیدی، تصویری ترکیبی از اقتصاد چین ارائه می‌کند که معامله‌گران را محتاط کرده است. این وضعیت باعث شده که مقاومت ۹۹۰۰ دلار برای مس همچنان پابرجا باشد و عبور از این سطح به شکل موقت، نیازمند تقویت تقاضای واقعی در بازار و تعدیل موجودی‌ها خواهد بود.

تحلیلگران هشدار می‌دهند که در صورت ادامه افزایش موجودی‌ها یا تقویت دلار، قیمت‌ها ممکن است تا حمایت‌های ۹۵۰۰ و کف عمیق‌تر در ۹۲۰۰ دلار کاهش یابد. در مجموع، هفته گذشته نشان داد که بازار مس همواره تحت تاثیر همزمانی عوامل کلان، نوسانات ارزی و عرضه و تقاضای واقعی قرار دارد و معامله‌گران برای مدیریت ریسک باید این عناصر را به دقت زیر نظر داشته باشند.

ذخایر و عرضه جهانی

بازار مس در سطح جهانی تا حد زیادی توسط تولیدکنندگان اصلی و موجودی‌های انبارهای بورس‌های بزرگ تعیین می‌شود و هفته گذشته نیز این واقعیت بیش از پیش مشهود بود. شیلی و پرو همچنان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مس جهان شناخته می‌شوند و بیش از نیمی از عرضه جهانی را تامین می‌کنند. معادن بزرگ شیلی مانند ال‌تمبو و چیلورا و پروژه‌های پرویی در مناطق آنتافوکا و کوریکو، با تولید پایدار، نقش اصلی در توازن بازار دارند.

چین، استرالیا و ایالات متحده نیز تولید قابل‌توجهی دارند، اما سهم آنها نسبت به آمریکای جنوبی کمتر است و عمدتا برای تامین مصرف داخلی و صنعتی استفاده می‌شود. از سوی دیگر، افزایش سریع موجودی‌ها در بورس‌های LME و Comex، که به ترتیب ۷۲درصد و تقریبا سه برابر از ابتدای سال رشد کرده‌اند، نشان می‌دهد که عرضه در کوتاه‌مدت از تقاضا پیشی گرفته است. این موجودی‌ها به عنوان یک ضربه گیر امنیتی برای معامله‌گران عمل می‌کنند، اما در عین حال مانع از رشد سریع قیمت‌ها می‌شوند، زیرا نشان‌دهنده این است که بازار هنوز با کمبود عرضه مواجه نشده است.

تحلیلگران معتقدند تا زمانی که تقاضای چین تقویت نشود و موجودی‌ها کاهش نیابد، فشار نزولی بر قیمت‌ها ادامه خواهد داشت. علاوه بر این، جریان مداوم تولید از معادن آمریکای جنوبی و آفریقا، همراه با پروژه‌های جدید توسعه‌ای، موجب شده است که بازار مس نسبت به شوک‌های کوتاه‌مدت مقاوم باقی بماند و معامله‌گران باید همزمان عرضه، تقاضا و تغییرات موجودی‌ها را به دقت زیر نظر داشته باشند.

صنعت مس در آسیا و خاورمیانه

فعالیت صنعتی در آسیا و خاورمیانه نقش تعیین‌کننده‌ای در تعادل بازار جهانی مس دارد و هفته گذشته نیز این موضوع به وضوح مشاهده شد. در چین، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده مس جهان، کاهش سود صنعتی در ماه ژوئیه و آرامش نسبی در بخش تولید باعث شد شرکت‌های سیم و کابل نرخ بهره‌برداری خود را کاهش دهند و موجودی محصول نهایی افزایش یابد. با این حال، برخی شرکت‌ها به دلیل نگرش مثبت نسبت به آینده بازار و انتظار افزایش قیمت‌ها، اقدام به سفارش‌های پیش‌دست کرده‌اند، ولی این اقدام نتوانست کاهش تقاضای کل را جبران کند.

در ژاپن و کره‌جنوبی، مصرف مس بیشتر به صنایع الکترونیک و تولید قطعات تخصصی محدود است و رشد تقاضا نسبت به چین کمتر بوده است، اما ثبات نسبی بازار در این کشورها به کاهش نوسانات کمک کرده است. در خاورمیانه، صنایع مس عمدتا وابسته به واردات هستند و نوسانات قیمت جهانی و تقویت دلار باعث افزایش هزینه‌های واردات شده است. این موضوع انگیزه خرید شرکت‌ها را کاهش داده و در برخی موارد موجب تعویق سفارش‌ها شده است.

با وجود این محدودیت‌ها، پروژه‌های توسعه شبکه برق و صنایع معدنی در کشورهای خلیج فارس محدود ولی پایدار بوده‌اند و نقش مهمی در حفظ ثبات نسبی بازار منطقه داشته‌اند. تحلیلگران بر این باورند که هرگونه تغییر در شرایط اقتصادی چین یا نوسانات دلار می‌تواند به سرعت بر تقاضای خاورمیانه تاثیر بگذارد و بازار مس را تحت فشار قرار دهد. بنابراین، هفته گذشته نشان داد که تعامل میان عرضه، تقاضای منطقه‌ای و شرایط کلان اقتصادی، تعیین‌کننده جهت حرکت کوتاه‌مدت قیمت مس است و رصد دقیق این عوامل برای فعالان بازار ضروری است.

صنایع سیم و کابل چین در نقطه حساس

هفته گذشته، نرخ بهره‌برداری شرکت‌های سیم و کابل چین به ۶۷.۸۱درصد رسید که کاهش جزئی نسبت به ماه قبل را نشان می‌دهد اما بالاتر از پیش‌بینی‌ها بود. موجودی مواد اولیه کاهش یافت، اما موجودی محصول نهایی به دلیل محدودیت مالی و کاهش برداشت مشتریان افزایش یافت. تحلیلگران انتظار دارند در هفته آینده نرخ بهره‌برداری به ۶۹.۲۷درصد افزایش یابد و تقاضا به تدریج بهبود یابد.

چشم‌انداز بازار مس

بازار مس هم‌زمان با رشد قیمت‌ها، تحت فشار چند عامل کلان و منطقه‌ای قرار دارد. سیاست‌های پولی آمریکا، نوسانات دلار، افزایش موجودی‌ها و عدم قطعیت تقاضای چین همه باعث محدود شدن رالی‌های کوتاه‌مدت شده‌اند. با این حال، اهمیت مس در صنایع انرژی، خودروهای برقی و الکترونیک، روند بلندمدت تقاضا را افزایشی نگه داشته است. شرایط آسیا و خاورمیانه همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تعادل عرضه و تقاضا دارند و نوسانات کوتاه‌مدت باید با نگاه بلندمدت تحلیل شود.

مهمان ناخوانده در کلاس درس

هوش مصنوعی در حال متحول‌کردن روش‌های یادگیری دانش‌آموزان و تدریس معلمان است. از برنامه‌های درسی شخصی‌سازی‌شده گرفته تا سامانه‌های هوشمند آموزش.

در حالی‌که مدارس در سراسر ایالات متحده و سایر نقاط جهان در حال ادغام هوش مصنوعی در کلاس‌های درس هستند، اما چالش‌های ایجاد تجربه‌های یادگیری بهبودیافته به اندازه پتانسیل‌های آن زیاد است.

آموزش شخصی

فناوری‌های هوش مصنوعی برای پشتیبانی از یادگیری شخصی‌سازی‌شده، ساده‌سازی امور اداری و بهبود دسترسی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت به کار گرفته می‌شوند. به نوشته مجله اپل، ابزارهایی مانند سیستم‌های آموزش‌دهنده مبتنی بر هوش مصنوعی، پلتفرم‌های یادگیری تطبیقی و سیستم‌های تصحیح خودکار، به طور فزاینده‌ای در مدارس رایج شده‌اند؛ ابزارهایی که یک دهه پیش حتی تصور آنها نیز دشوار بود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هوش مصنوعی در آموزش، توانایی آن در شخصی‌سازی فرآیند یادگیری است.

روزنامه مرز اقتصاد ۳
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹
www.marzeghtesad.ir

بورس در کف ۹ماهه

فرحناز نعمتی -شاخص بورس همگام با پیشروی ریسک‌های سیاسی، معاملات هفته دوم شهریور را با از دست دادن کانال ۲.۴میلیون واحدی استارت زد.

شاخص بورس همگام با پیشروی ریسک‌های سیاسی، معاملات هفته دوم شهریور را با از دست دادن کانال ۲.۴میلیون واحدی استارت زد. نماگر مذکور با رسیدن به کف ۹ ماهه اخیر و ریزش ۱.۴۵ درصدی روز گذشته، عملکرد مایوس‌کننده‌ای را به نمایش گذاشت. بازار سرمایه در حال حاضر نسبت به قله اردیبهشت‌ماه ۹ کانال از دست داده است. در معاملات دیروز هر سه نماگر بازار سهام جامه سرخ بر تن کردند تا ارزش بازار سهام، به ۸۲میلیارد دلار برسد. با این حال، حقیقی‌ها در تردید برای ورود یا خروج به سر می‌برند.

پروانه کُبره: برخلاف پیش‌بینی اکثر کارشناسان که گمان می‌کردند بورس تهران کانال ۲،۴میلیون واحد را دست‌کم در این مقطع حفظ خواهد کرد، اما این اتفاق رخ نداد. معاملات هفته دوم شهریورماه با از دست رفتن کانال ۲،۴میلیونی کلید خورد و شاخص کل با عقب‌نشینی ۱،۴۵درصدی(معادل ۳۵هزار واحد) در نهایت به کانال دومیلیون و ۳۹۵هزار واحد رضایت داد. بازار سرمایه روزهای ریزشی را می‌گذراند و از قله اردیبهشت تاکنون، ۹ کانال حساس و سرنوشت‌ساز را از دست داده است. این وضعیت در حالی است که شاخص این بازار در ۲۸ اردیبهشت‌ماه تا سطح ۳میلیون و ۲۵۲ هزار واحد نیز پیشروی کرده بود. اما بعد از تشدید ریسک‌های سیاسی مجددا راه رفته را بازگشت. شاخص کل سال ۱۴۰۴ را در کانال دومیلیون و ۷۱۰ هزار واحد آغاز کرد اما اینک با ریزش روز گذشته نماگر این بازار به ۵ آذر ۱۴۰۳ بازگشته و نوسانات جدی را از سر می‌گذراند؛ به طوری که از ابتدای سال تاکنون شاخص کل حدود ۱۲درصد کاهش ارتفاع را ثبت کرده است.

کارشناسان بازار سرمایه معتقدند؛ حرکت پرفرازوفرود دماسنج بورس از زمان مخاطرات نظامی پیرامون پرونده هسته‌ای کشور و تردید سهامداران نسبت به تعطیلی دوباره بازار شدت گرفت و بیشتر سرمایه‌گذاران انگیزه خود را برای ورود به بازار سهام از دست دادند. از ابتدای سال هم بازارهای دارایی به‌خصوص بازار سرمایه با سیلی از اتفاقات گوناگون مواجه بوده‌اند. به طوری‌که رفت‌وبرگشت ریسک‌ها، سرخوردگی بورس‌بازان را رقم زده است. نزدیک شدن بورس به سطوح روانی مهم حکایت از آن دارد که در صورت حمایت نشدن از تقاضا در بازار سهام طی روزهای آینده، ممکن است شاهد شدت گرفتن عرضه و درنهایت کاهش بیشتر شاخص به محدوده‌های پایین‌تر باشیم. با وجود پتانسیل‌های مناسب بنیادی، به نظر می‌رسد هم گروه‌های بزرگ و هم گروه‌های کوچک با بیشترین فروش حقیقی مواجه هستند. دلایل این موضوع را به طور مشخص می‌توان در وابستگی قابل‌توجه بازار سهام به شرایط متغیرهای اثرگذار بر این بازار واکاوی کرد.

پشت‌پرده فراز و فرود بورس

بازدهی بورس از ابتدای سال به حدود منفی ۱۲ درصد رسیده است. عقبگرد ۱۲درصدی شاخص کل در حالی رقم خورده که در ۲۳ فروردین و پس از خوش‌بینی‌هایی که نسبت به آغاز مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا به وجود آمده بود؛ شاخص کل تا ۲۸ اردیبهشت با رشد ۲۰ درصدی همراه شده بود. اما پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه کشورمان، بورس وارد فاز جدیدی از اصلاح و ریزش شد و به عقب بازگشت. به بیانی ساده می‌توان مسیر بازارها از ابتدای سال را به دو بخش تقسیم کرد. از ابتدای سال تا پایان اردیبهشت، همسو با خوش‌بینی‌های مذاکراتی، بورس با رشد همراه شد اما بازار ارز، طلا و سکه کاهش قیمت‌ها را تجربه کردند. اما پس از آن، روند بازارهای دارایی معکوس و قیمت‌ها در بازار ارز، طلا و سکه با رشد همراه شدند و بورس عقب‌نشینی از قله را کلید زد. از سویی ارزش کل بازار سرمایه در پایان معاملات روز گذشته به ۸ هزار و ۲۴۴ همت رسید و با احتساب دلار ۱۰۳هزار تومانی در بازار آزاد، نماگر ارزش دلاری بازار رقم ۸۲میلیارد دلار را نشان می‌دهد. در روزهای اخیر ارزش دلاری بازار در کف ۶ ساله خود قرار گرفته است. آخرین باری که ارزش دلاری بازار ارقام کمتر از مقدار کنونی را تجربه کرده بود؛ به تیرماه سال ۹۸ بازمی‌گردد. با وجود عرضه اولیه بیش از ۱۰۰ شرکت بورسی و فرابورسی در این مدت، بازگشت ارزش دلاری بازار به مقادیر ۶ سال قبل نشان می‌دهد بازار سهام اوضاع مطلوبی ندارد.

افزایش فاصله دلار توافقی با آزاد

بررسی رفتار معامله‌گران نشان می‌دهد بازیگران خرد بازار با دورنمای مبهمی که در پیش‌رو دارند، در ماه‌های اخیر بیشتر تمایل داشتند فروشنده باشند. بررسی‌های آماری نیز نشان می‌دهد بعد از آتش‌بس و بازگشایی مجدد بازار(یعنی ۶۷ روز گذشته) بیش از ۵۳ همت پول حقیقی از بازار خارج شده است. این وضعیت به روشنی از هراس سهامداران در سمت خرید حکایت می‌کند، این در حالی است که ورود اسکناس آمریکایی به فاز جدید نوسانات افزایشی نیز به نوبه خود موجب شده تا احتیاط بیشتری را از سوی معامله‌گران بازار سهام مشاهده کنیم. قرار گرفتن نرخ دلار آزاد به بالای سطح ۱۰۳ هزار تومان موجی از ابهام را در میان سرمایه‌گذاران به راه انداخته است. کما اینکه با جولان دلار آزاد در سطوح بیش از ۱۰۳هزار تومان، دوباره مباحث مرتبط با رانت ارزی به موضوع اصلی محافل اقتصادی بدل شده است.

از آنجا که قیمت اسکناس آمریکایی در بازار توافقی، در پشت مرز ۷۰هزار تومان تثبیت شده، اختلاف قیمتی دو بازار، نزدیک به ۵۰درصد است. از سویی برخی از تحلیلگران می‌گویند؛ این موضوع هرچند به نفع بازار سرمایه و تولید نیست، اما پتانسیل آن را ایجاد کرده، تا با کاهش این اختلاف در میان‌مدت بورس تهران نیز به رونق بازگردد. به‌خصوص آنکه با کاهش شکاف قیمتی مذکور، صنایع کوچک بازار به حاشیه سودی بهتر از آنچه هست، خواهند رسید. در حال حاضر یکی از محرک‌های اصلی بورس تهران، افزایش نرخ دلار است. بازار به قدری ارزنده است که تنها عبور قیمت اسکناس آمریکایی از مرز ۷۰هزار تومان می‌تواند مسیر فعلی شاخص‌های سهامی را تغییر دهد. این سناریو در حالی مطرح می‌شود که عده‌ای دیگر از کارشناسان تعدد ریسک‌های سیاسی و اقتصادی را مانع بزرگی در جهت همنوایی بورس با دلار می‌پندارند.

از لنز تکنیکال

شاخص بورس، طی نخستین روز هفته و در پی پیشروی ریسک‌های سیاسی، وارد کانال ۲،۳میلیون واحد شد. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که آخرین بار نماگر بورسی، در ۵ آذر ۱۴۰۳، در این کانال قرار داشت و پس از آن، خیز بلندی برداشت. شاخص کل در حالی به کف ۹ماهه خود رسیده که همچنان از لحاظ فنی در حمایت مهمی قرار دارد. هرچند به عقیده کارشناسان بورسی به واسطه رشد قیمت دلار، انتظار آن وجود دارد که قیمت سهام از منظر اسمی رشد کند، اما سناریوی دیگری نیز وجود دارد. در صورت غلبه هیجانات منفی در بازار انتظار می‌رود شاخص کل، به کف کانال صعودی بلندمدت، رسیده و از آنجا واکنش نشان دهد. حمایتی که در محدوده ۲میلیون و ۱۵۰هزار واحد تا ۲میلیون و ۲۰۰هزار واحد قرار دارد. اگرچه بعید است شاخص کل کف مذکور را از دست بدهد. حتی به نظر می‌رسد رشد قیمت دلار، افزایش انتظارات تورمی و ارزندگی بالای بازار، بازی را به نفع بورس تغییر دهد و شرایط تغییر فاز بازار سهام را فراهم کند.

استارت منفی شاخص‌ها

در جریان معاملات روز شنبه هر سه نماگر بازار سهام متاثر از ابهامات کنونی در مسیر نزولی حرکت کردند. شاخص کل تالار شیشه‌ای در انتهای معاملات روز شنبه با ثبت کاهش ۱،۴۵درصد معادل ۳۵هزار واحد ضمن وداع با کانال ۲،۴میلیونی در نهایت کار خود را در سطح دومیلیون و ۳۹۵هزار واحد به پایان رساند تا به کف ۹ ماهه خود برسد. کمااینکه با از دست رفتن این مرز مهم، شاخص کل از قله امسال نهمین کانال خود را نیز از دست داد. نماگر هموزن نیز با افت ۰،۹۳درصدی همراه شد و به سطح ۷۵۳هزار واحد کاهش یافت.

ارزش معاملات خرد به رقم ۴ هزار و ۷۱۰میلیارد تومان رسید که نسبت به روز چهارشنبه افزایش ۲۴ درصدی را نشان می‌دهد. اما در این روز حقیقی‌ها متفاوت‌تر از روزهای قبل رفتار کردند و شاهد ورود پول ۳۲۷میلیارد تومانی بازیگران خرد بازار بودیم. در روز گذشته، صندوق‌های قابل معامله بورسی برخلاف روند کلی بازار با اقبال حقیقی‌ها روبه‌رو شدند. به این ترتیب صندوق‌های سهامی در صدر جدول ورود و خروج پول حقیقی جای گرفتند. این صندوق‌ها با ورود پول ۵۶۸میلیارد تومانی نخستین جایگاه جدول تراز پول حقیقی را از آن خود کردند. پس از صندوق‌های سهامی، صندوق‌های طلا و سکه در روز جاری بیشترین میزان ورود پول حقیقی را به ثبت رساندند.

اهرمی‌ها نیز از همان ابتدای معاملات خوش درخشیدند. صندوق‌های اهرمی در معاملات روز گذشته با ورود پول ۴۴۳میلیارد تومانی سومین جایگاه جدول تراز پول حقیقی را از آن خود کردند. از میان گروه‌های فعال بازار سهام، صنعت استخراج کانه‌های فلزی برای دومین روز متوالی بیشترین میزان ورود پول از سوی حقیقی‌ها را تجربه کرد. این صنعت با ورود پول ۱۱میلیارد تومانی حقیقی‌ها همراه شد. پس از آن گروه‌های بیمه و همچنین سلامت و مددکاری با ورود پول بیش از ۷میلیارد تومان رتبه‌های دوم و سوم جدول را از آن خود کردند.

به‌رغم جو مثبت رفتار سهامداران حقیقی با صندوق‌های بورسی، عمده گروه‌های اثرگذار بازار سهام در معاملات روز شنبه تحت‌تاثیر کاهش نماگرهای بورسی با خروج پول از سوی حقیقی‌ها مواجه شدند. در راس آنها سیمانی‌ها قرار داشتند که با خروج پول ۶۴میلیارد تومان بیشترین میزان فروش حقیقی را تجربه کردند. پس از آن نمادهای پالایشی با خروج ۳۶میلیارد تومان در جایگاه دوم جدول قرار گرفتند. محصولات شیمیایی، بانکی‌ها و همچنین گروه فلزات اساسی هریک با متوسط خروج پول ۱۷میلیارد تومان در رتبه‌های سوم تا پنجم جدول خروج پول جای گرفتند.

در انتظار حمایت

بازار سرمایه در روزهای اخیر شرایط مطلوبی را تجربه نمی‌کند. اما این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد؟ در همین رابطه علیرضا خان‌محمدی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» اظهار کرد: معمولا وقتی در مورد بازار سرمایه و ریسک‌های موجود صحبت می‌شود، واکنش‌هایی از سوی فعالان بازار شکل می‌گیرد که بخشی ناشی از زیان‌های آنهاست و بخشی نیز به دلیل نگاه متعصبانه‌ای است که بعضی فعالان به بازار دارند و معتقدند بازار سرمایه تحت هر شرایطی ارزنده است. با نگاهی به گزارش‌های ماهانه فصلی بازار سرمایه می‌توان دریافت که گزارش‌های خوب و بد فراوان هستند و طبیعتا سرمایه‌گذار باید با تحلیل و بررسی دقیق، شرکت‌ها را ارزیابی کند.

به گفته این کارشناس، خرید سهام یک شرکت بر اساس مبانی بنیادی، نیازمند توانایی تحلیل و پیش‌بینی آینده آن شرکت است. زیرا افزایش فروش در بسیاری از موارد، رشد سودآوری به همراه ندارد. بالا رفتن بهای تمام‌شده، ناترازی انرژی، افزایش هزینه‌های تامین مالی و در کنار آن سیاست‌های ناصحیح، بسیاری از شرکت‌های بزرگ به‌ویژه در صنایع فولادی و ساختمانی را با کاهش سودآوری یا حتی زیان‌دهی مواجه کرده است. در نتیجه، بازار این مسائل را در قیمت‌گذاری لحاظ می‌کند.

خان‌محمدی با بیان اینکه شرکت‌های صادرات‌محور همچنان با مشکل فروش ارز حاصل از صادرات به قیمت واقعی روبه‌رو هستند، افزود: این فاصله به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. همچنین بازدهی اوراق در سطح بالایی قرار دارد؛ هرچند ممکن است برای سرمایه‌گذاران خرد جذاب نباشد، اما باید توجه داشت بازیگران اصلی بازار سرمایه عمدتا شرکت‌ها و نهادهای حقوقی هستند و دولت نیز مستقیم یا غیرمستقیم نقش پررنگی در بازار دارد. این مجموعه عوامل باعث شده چشم‌انداز مثبتی در بازار شکل نگیرد و همچنان شاهد نبود حمایت واقعی از تولید، تغییر سیاست‌ها یا تغییر رویه‌ها باشیم.

او در ادامه گفت: بازار سرمایه اکنون بیش از هر زمان دیگری منتظر اقدام عملی از سوی سازمان بورس، دولت، شرکت‌ها و نهادهای حقوقی است. اما نمی‌توان برای همیشه در انتظار این تغییرات ماند. اگر سهامی که در اختیار داریم بر اساس شرایط و چالش‌های کنونی توانایی سودآوری ندارد، حتی اگر در زیان باشیم، باید دارایی خود را بازنگری کنیم؛ یا سهام بهتری خریداری کنیم یا از ابزارهای مشتقه برای پوشش ریسک استفاده کنیم. اختیار فروش، ابزارهای مشتقه در سمت خرید و سایر استراتژی‌های موجود می‌تواند در چنین شرایطی به سرمایه‌گذاران کمک کند. در واقع، نباید صرفا با اتکا به مطالبات بر حق خود یا انتظار کمک بیرونی، منفعل بمانیم.

به گفته این کارشناس، در حوزه ریسک‌های بیرونی نیز وضعیت مشابه است. خروج سرمایه به سمت دارایی‌هایی مانند طلا و دلار ادامه دارد. البته این حرکت نباید صرفا از روی هیجان باشد. طبیعی است که مردم به دنبال حفظ ارزش دارایی و قدرت خرید خود باشند، اما باید در نظر داشت رشد بازارهای موازی برخلاف بازار سرمایه، بدون محدودیت‌هایی همچون دامنه نوسان و حجم مبنا رخ می‌دهد و همین امر سبب شده بسیاری از فعالان بدون توجه به ریسک‌ها، به هر قیمتی خریدار باشند. با این حال، نباید فراموش کنیم که بسیاری از سهام موجود در بازار سرمایه امروز در سطوح ارزنده قرار دارند. درحالی‌که چشم‌انداز برخی شرکت‌ها مبهم است، برخی دیگر از تورم منتفع می‌شوند و حتی در شرایط بحرانی نیز می‌توانند سودآوری خود را حفظ کنند.

برای مثال، شرکت‌های فعال در حوزه فروشگاه‌های زنجیره‌ای یا صنایع غذایی توانایی ادامه تولید و کسب بازده برای سهامداران خود را دارند. بنابراین، نمی‌توان همه سهام را یکسان فروخت یا خرید. این کارشناس در پایان تاکید کرد: مهم این است که سرمایه‌گذار بر اساس استراتژی مشخص تصمیم بگیرد، بدون تعصب و بدون رفتارهای هیجانی. در واقع سهامدار باید پرتفوی خود را متناسب با شرایط واقعی بازار بچیند و انتظارات غیرواقعی از عوامل بیرونی نداشته باشد. اگر قرار بود اتفاقی مثبت صرفا با وعده‌ها یا اخبار بیفتد، تا امروز رخ داده بود. تا زمانی که به صورت عملی و عینی شاهد تغییرات مثبت در سیاست‌های بین‌المللی یا در فضای بازار سرمایه نباشیم، نباید با خوش‌بینی یا بدبینی مفرط دست به معامله بزنیم.

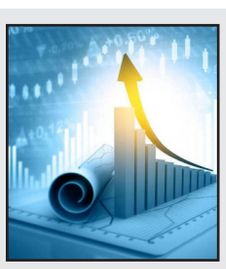

منافع حضور شرکت‌های فعال اقتصاد دیجیتال

مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به این‌که؛ بازار سرمایه نیازمند ورود صنایع جدیدی است، به‌ویژه صنایعی که مردم به‌طور روزمره از آنها استفاده می‌کنند؛ گفت: پیش از ورود این مدل شرکت‌ها به بازار سرمایه، برندهای بزرگی با سابقه ۵۰ تا ۶۰ساله وارد بورس شدند و در ارزش‌گذاری آنها نیز چالش‌های مشابه وجود داشت. با این حال، فعالان حوزه اکوسیستم اقتصاد دیجیتال حتی حاضرند ارزش پایین‌تری از آنچه مدنظرشان است بپذیرند تا بتوانند از فضای بازار سرمایه استفاده کنند.

میثم کریمی، مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به پذیرش «مایکت» در بازار سهام، گفت: قطعا این نگرانی وجود دارد که این بیگ‌دیتاهایی که جمع‌آوری می‌شوند، کجا و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این‌که یک شرکت استارت‌آپی داوطلبانه بپذیرد نظارت نهادی که هیچ منفعتی در عملکردش ندارد اعمال و وارد بازار سرمایه شود، قابل ستایش است. اما ای‌کاش این شرایط برای تمام شرکت‌ها فراهم باشد.

کریمی ادامه داد: تامین مالی از بازار سرمایه ابزاری است که مخصوصا در دو دهه اخیر رشد زیادی داشته و حتی در یک دهه اخیر روش‌ها و ابزارهای متنوعی معرفی شده است. عموما فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال جوانانی هستند که ابزارهای جدید دنیا را دیده‌اند و وقتی وارد بازار سرمایه می‌شوند، با این ابزارها مواجه شده و علاقه‌مند به استفاده از آنها هستند.

رقص قیمت‌ها با ساز انتظارات

سال ۱۴۰۴ برای بازار طلا در ایران، سالی پر از رفت‌وبرگشت‌های قیمتی و تغییر سریع سمت و سوی انتظارات تورمی بود. در آغاز سال، در امتداد موج تورم‌هراسی سال قبل، صندوق‌های طلا با رشد همراه شدند؛ اما انتشار خبر آغاز مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در فروردین، ورق را برگرداند و افت شدیدی را رقم زد. این تعدیل انتظارات دیری نپایید و با بی‌نتیجه ماندن مذاکرات و وقوع جنگ تحمیلی ۱۲روزه، سرمایه‌گذاران دوباره به سمت طلا هجوم بردند. رفتار متناقض بازار در این دوره، نشان داد که طلا همچنان دماسنج حساس انتظارات تورمی در اقتصاد ایران است.

سال ۱۴۰۴ برای بازارهای مالی ایران، صحنه‌ای زنده از نوسان و تغییرات سریع انتظارات تورمی بود. این سال در حالی آغاز شد که اقتصاد ایران هنوز تحت تأثیر جهش‌های قیمتی سال ۱۴۰۳ قرار داشت؛ در سال قبل، قیمت دلار، سکه و طلا رشد چشمگیری را تجربه کردند و شاخص صندوق‌های طلا با جهشی ۱۳۲درصدی همراه شد. این عملکرد، سرمایه‌گذاران را متقاعد کرده بود که طلا همچنان پناهگاه مطمئنی برای حفظ ارزش دارایی در برابر تورم است. در هفته‌های نخست ۱۴۰۴، همان فضای انتظاری تورمی که از سال قبل به ارث رسیده بود، جریان داشت. صندوق‌های طلا رشد خود را ادامه دادند و معاملات با حجم و ارزش معاملات بالا دنبال شد. سرمایه‌گذاران خرد، به دلیل نبود چشم‌انداز روشن در متغیرهای کلان، بخش قابل‌توجهی از سرمایه خود را در این صندوق‌ها متمرکز کردند. اما این روند تنها تا نیمه دوم فروردین دوام آورد. از آن زمان، تغییر فضای سیاسی کشور (به ویژه انتشار خبر آغاز مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا)، شرایط را متحول کرد. این اخبار، امید به کاهش تنش‌های بین‌المللی و گشایش‌های احتمالی اقتصادی را زنده کرد.

شوک مذاکرات و سقوط ناگهانی صندوق‌ها

دور نخست مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در بیست و سوم فروردین برگزار شد و اثر آن فوری بود. در همان روز، صندوق‌های طلا که پیش‌تر با تقاضای سنگین مواجه بودند، ناگهان با فشار فروش روبه‌رو شدند. این رفتار بیشتر ناشی از تعدیل انتظارات تورمی بود. سرمایه‌گذاران، کاهش احتمالی نرخ ارز را پیش‌بینی می‌کردند و در نتیجه، فروش دارایی‌های طلامحور را منطقی دیدند.

در ۳۱ فروردین، این صندوق‌ها در شرایط صف فروش بازگشایی شدند و کف قیمتی جدیدی را به ثبت رساندند. این اتفاق، نمونه روشنی از واکنش سریع بازار به تغییرات انتظارات بود؛ حتی اگر آن تغییرات صرفاً بر پایه اخبار و نه بر مبنای داده‌های اقتصادی محکم شکل گرفته باشد.

بازگشت تورم‌هراسی و موج خرید دوباره

با گذشت چند هفته، مذاکرات به نتیجه ملموسی نرسید. سپس آغاز جنگ تحمیلی ۱۲روزه در منطقه، فضای روانی بازار را دوباره تغییر داد. تنش‌های ژئوپلیتیک و نگرانی از محدودیت‌های بیشتر در دسترسی به ارز خارجی، باعث شد انتظارات تورمی دوباره اوج بگیرد. در این شرایط، همان سرمایه‌گذارانی که در فروردین فروشنده بودند، به خریداران پرشور طلا تبدیل شدند.

صندوق‌های طلا نیز در این موج خرید دوباره جان گرفتند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که از کف ۳۱فروردین، صندوق کهربا با رشد ۵۳درصدی پیشتاز صندوق‌های طلا بوده است و پس از آن، صندوق‌های ناب، زرفام، عیار و زر در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. ضعیف‌ترین عملکرد نیز به صندوق زمرد اختصاص داشته که بازدهی ۴۰درصدی را ثبت کرده است. این ارقام، بیانگر شدت تغییر جهت بازار و انعطاف‌پذیری رفتار سرمایه‌گذاران در برابر تغییرات انتظارات است.

سازوکار شکل‌گیری انتظارات تورمی

انتظارات تورمی در اقتصاد ایران، ترکیبی از عوامل بنیادین و روانی است. عوامل بنیادین شامل کسری بودجه بالا، رشد مستمر نقدینگی، محدودیت‌های صادرات نفت، دسترسی به ارز و ضعف رشد اقتصادی است. این عوامل، زمینه‌ساز تورم مزمن می‌شوند و باعث می‌شوند فعالان اقتصادی حتی در غیاب شوک‌های سیاسی، همچنان تورم بالا را در پیش‌بینی‌های خود لحاظ کنند. عوامل روانی شامل اخبار سیاسی، تحولات دیپلماتیک، تنش‌های منطقه‌ای یا تصمیمات ناگهانی سیاستگذاران است. این عوامل می‌توانند موج‌های مقطعی از خوش‌بینی یا بدبینی ایجاد کنند که منجر به رفتارهای جمعی در بازار می‌شود.

وقتی اخبار مثبت سیاسی منتشر می‌شود، انتظارات تورمی تعدیل می‌شود و جریان سرمایه از دارایی‌های ضدتورمی مانند طلا به سمت بازارهای کم‌ریسک‌تر حرکت می‌کند.

برعکس، هرگونه نشانه از شکست مذاکرات یا وقوع بحران، موجی از خرید در بازار طلا ایجاد می‌کند. در ایران، طلا تنها یک کالای زینتی یا صنعتی نیست، بلکه دماسنجی حساس برای سنجش انتظارات تورمی محسوب می‌شود. تغییرات شاخص صندوق‌های طلا اغلب همزمان یا حتی پیش‌نگر تغییرات در قیمت ارز است. این ویژگی باعث شده که بسیاری از سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، رفتار این صندوق‌ها را به عنوان شاخص روان‌سنجی تورم دنبال کنند.

در سال ۱۴۰۴، افت و خیز شاخص صندوق‌های طلا نه‌تنها بازتاب‌دهنده تغییرات قیمت اونس جهانی یا نرخ دلار بوده، بلکه بیش از هر چیز، منعکس‌کننده تغییرات سریع فضای ذهنی سرمایه‌گذاران در مورد آینده تورم است.

پیامدها برای سیاستگذاری و سرمایه‌گذاری

رفت و برگشت سریع انتظارات تورمی، چالش بزرگی برای سیاست‌گذاران است. چنین فضایی پیش‌بینی‌پذیری بازارها را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت دشوارتر شود. برای سرمایه‌گذاران نیز این وضعیت به معنی ضرورت پایش مداوم اخبار و رویدادها و داشتن استراتژی‌های انعطاف‌پذیر است. تجربه امسال نشان داد که حتی اگر متغیرهای بنیادی تغییری نکرده باشند، یک خبر مثبت یا منفی می‌تواند بازار را در عرض چند روز جابه‌جا کند. این ویژگی، در اقتصادی که به شدت به تحولات سیاسی گره خورده، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

سال ۱۴۰۴ با دو موج متضاد در انتظارات تورمی همراه بوده است: موج اول، کاهش انتظارات پس از آغاز مذاکرات و افت صندوق‌های طلا؛ موج دوم، بازگشت تورم انتظاری پس از شکست مذاکرات و وقوع بحران منطقه‌ای. این رفت‌وبرگشت‌ها، ماهیت شکننده و وابسته به رویدادهای کوتاه‌مدت انتظارات تورمی در ایران را آشکار می‌کند. در چنین شرایطی، صندوق‌های طلا همچنان نقش کلیدی به عنوان پناهگاه سرمایه و شاخصی روانی از آینده تورم ایفا خواهند کرد.

تالار شیشه‌ای یا اتاق انتظار؟

تالار شیشه‌ای این روزها به اتاق انتظار تبدیل شده است. بسیاری از سهام با نسبت قیمت به درآمد پایین معامله می‌شوند، اما تثبیت نرخ دلار توافقی زیر ۷۰ هزار تومان و نرخ سود ۳۵ درصدی، فضای رشدی بازار را محدود کرده است. این وضعیت، سرمایه‌گذاران را محتاط و محتاج به ابزارهای کم‌ریسک مانند صندوق‌های درآمد ثابت و طلا کرده است. هرچند بازار در مقاطعی صعودی می‌شود، اما نبود اعتماد و فشار فروش اجازه تداوم نمی‌دهد. در چنین فضایی به اعتقاد کارشناسان تنها یک تحول سیاسی یا اقتصادی می‌تواند مسیر بورس را تغییر دهد.

بورس نیازمند محرک سیاسی

احمد اشتیاقی، تحلیلگر بازار سرمایه، درباره وضعیت فعلی بورس گفت: «بازار در این مقطع نشان داده است که برای شکل‌گیری یک روند صعودی پایدار، نیازمند تخصیص نقدینگی بیشتر در روزهای مثبت است. اما با فضای کنونی، فروشندگان همچنان اطمینان کافی ندارند و شرایط بازار حالت تعلیقی پیدا کرده است. به همین دلیل، خریداران با قدرت وارد نمی‌شوند و فروشندگان نیز به‌صورت پله‌ای در بازار ظاهر می‌شوند. تنها در صورتی که صف‌های خرید با حجم بالا شکل بگیرد، می‌توان انتظار داشت روند صعودی ادامه پیدا کند؛ در غیر این صورت، معمولا پس از یک روز مثبت، فروشندگان مجددا وارد می‌شوند و بازار را منفی می‌کنند.»

او در ادامه افزود: «یکی از مهم‌ترین عواملی که این وضعیت را تشدید کرده، فضای مبهم سیاسی کشور است. از یک‌سو آینده توافق برجام یا توافق احتمالی با آمریکا نامشخص است و از سوی دیگر، احتمال ارجاع پرونده ایران به نهادهای اروپایی وجود دارد که می‌تواند منجر به تشدید تحریم‌ها شود. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران تمایل بیشتری به صندوق‌های درآمد ثابت و صندوق طلا پیدا کرده‌اند. به‌طور معمول، پرتفوی سرمایه‌گذاران از سهام کاسته و به سمت این ابزارهای کم‌ریسک حرکت می‌کند. برای نمونه، اگر سرمایه‌گذاری پیش‌تر ۱۰۰ درصد سهام داشت، اکنون ممکن است نیمی از آن را فروخته و ۲۵ درصد در صندوق درآمد ثابت و ۲۵ درصد در صندوق طلا سرمایه‌گذاری کند تا بتواند ریسک‌های پیش‌رو را پوشش دهد.»

اشتیاقی همچنین به وضعیت نرخ ارز و تاثیر آن بر بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: «از ابتدای سال تاکنون دلار توافقی در کانال زیر ۷۰ هزار تومان تثبیت شده و این موضوع ذهن سرمایه‌گذاران را به‌شدت درگیر کرده است. وقتی از یک‌سو نرخ سود بانکی روی ۳۵ درصد قرار دارد و تورم در حدود ۳۰ درصد است، اما اجازه رشد نرخ دلار داده نمی‌شود، طبیعی است که سودآوری شرکت‌ها نیز رشدی نکند. این شرایط در کنار ابهامات سیاسی، بازار را در حالت تعلیق قرار داده و سرمایه‌گذاران را محتاط‌تر کرده است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه در پایان خاطرنشان کرد: «اکنون بسیاری از سهم‌ها در نقاط ارزنده‌ای معامله می‌شوند و قیمت‌ها حتی پایین‌تر از ارزش ذاتی قرار گرفته است. نسبت قیمت به درآمد (P/E) بیشتر شرکت‌ها در محدوده ۳ تا ۴ واحد قرار دارد که نشان‌دهنده ارزندگی بازار است. با این حال، تنها در صورتی می‌توان انتظار داشت بازار وارد روند صعودی شود که با تصمیمات سیاسی مهمی اتخاذ شود یا بسترهای جدیدی برای افزایش سودآوری شرکت‌ها فراهم شود. در غیر این صورت، بازار در همین نقاط تعادلی نوسان خواهد داشت و نمی‌توان چندان امیدوار به رشد پرقدرت آن بود. علاوه بر این، قیمت‌گذاری دستوری همچنان به‌عنوان بلای جان صنایع باقی مانده و فشار مضاعفی بر آنها وارد کرده است.»

افت نسبت شاخص کل به شاخص هم‌وزن

بررسی آمار و ارقام نشان می‌دهد که نسبت شاخص کل به هم‌وزن در پایان معاملات روز گذشته به سطح ۳.۲۶واحدی رسیده است. این نسبت در پایان سال گذشته در سطح ۳.۴۱واحدی قرار داشت و افت این نسبت نسبت به ابتدای سال، نشانگر عملکرد بهتر سهام کوچک در قیاس با سهام بزرگ تالار شیشه‌ای است. بررسی بازدهی شاخص‌ها نیز این نکته را تایید می‌کند؛ درحالی‌که شاخص کل بورس از ابتدای سال افت ۷.۳درصدی را متحمل شده، شاخص هم‌وزن تنها ۳درصد از ارتفاع خود را از دست داده است. پس عملکرد بهتر نمادهای کوچک در قیاس با نمادهای بزرگ، موجب افت کمتر شاخص هم‌وزن در قیاس با شاخص کل و نهایتا کاهش نسبت شاخص کل به هم‌وزن شده است.

افت نسبت شاخص کل به شاخص هم‌وزن

تفاوت شاخص‌کل و شاخص هم‌وزن

شاخص کل بورس تهران به عنوان نماگر اصلی بازار سهام شناخته می‌شود. این شاخص نماینده و مقیاس سنجش عملکرد بازار سهام با دیگر بازارها است. در سال‌های اخیر همواره تحلیلگران و سهامداران اشکالاتی را به شاخص کل مطرح کرده‌اند و همگی متفق‌القول بر این موضوع تاکید دارند که شاخص کل، دماسنج مناسبی برای بیان وضعیت بازار سهام نیست و نمی‌توان عملکرد شاخص کل را به سبدهای معاملاتی سهامداران تعمیم داد. البته آنچه که از سوی این افراد مطرح می‌شود، درست است.

روزنامه مرز اقتصاد ۴
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹
www.marzeghtesad.ir

افزایش سهم قشم از خدمات دریایی خلیج‌فارس

صنعت بانکرینگ به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی در تجارت جهانی انرژی، سالانه گردش مالی چشم‌گیری دارد. با توجه به موقعیت استراتژیک خلیج‌فارس و عبور سالانه بیش از ۵۰ هزار کشتی از این منطقه، ایران برنامه‌ریزی جدی برای افزایش سهم خود از این بازار را آغاز کرده است.

جزیره قشم با مزیت‌های منحصربه‌فرد جغرافیایی و زیرساختی، به عنوان هاب رسمی بانکرینگ کشور معرفی شده و هدف آن دستیابی به ۵۰ درصد سهم بازار در خلیج فارس است.

مدیر نفت و انرژی سازمان منطقه آزاد قشم با اشاره به گردش مالی ۲۰۰میلیارد دلاری صنعت بانکرینگ در جهان و سهم ۳۰میلیارد دلاری خلیج‌فارس، از برنامه‌های بلندپروازانه ایران برای افزایش حضور در این بازار خبر داد. جعفر خلیقی گفت: اکنون بیش از ۸۵ درصد بازار بانکرینگ خلیج‌فارس در اختیار بندر فجیره امارات است، اما قشم با فاصله تنها ۵ مایلی از کریدور اصلی کشتیرانی، موقعیت بهتری برای جذب این بازار دارد.

وی با تشبیه این صنعت به مجتمع‌های خدمات بین‌راهی برای کشتیرانی بین‌المللی گفت: بانکرینگ، مجموعه‌ای از خدمات از جمله سوخت‌رسانی، تامین آب و خدمات فنی به کشتی‌هایی است که ماه‌ها در مسیرهای بین‌المللی تردد می‌کنند. جزیره قشم با فاصله تنها پنج مایل از کریدور عبور بیش از ۵۰ هزار کشتی در سال، از مزیت جغرافیایی بی‌نظیری برخوردار است. مدیر نفت و انرژی سازمان منطقه آزاد قشم تاکید کرد: درحالی‌که بندر فجیره بیش از ۵۰ مایل از این مسیر فاصله دارد، قشم با تنها ۵ مایل فاصله، ظرفیت بالایی برای جذب این بازار دارد.

اگر زیرساخت‌های مورد نیاز، به‌ویژه در حوزه تولید سوخت کم‌سولفور (Low Sulfur) فراهم شود، قشم می‌تواند سهم ایران را به ۵۰ درصد ظرفیت بانکرینگ خلیج‌فارس ارتقا دهد. خلیقی با اشاره به طرح توسعه پالایشگاهی قشم تصریح کرد: در ۲سال آینده، جزیره قشم به ظرفیت تولید ۵۰۰ هزار تن سوخت کم‌سولفور مخصوص کشتی خواهد رسید. تحقق این هدف می‌تواند قشم را به یکی از بازیگران اصلی صنعت بانکرینگ در منطقه تبدیل کند و درآمدی بین ۳ تا ۴میلیارد دلار در مرحله نخست برای کشور به همراه داشته باشد. وی خاطرنشان کرد: برای تحقق این هدف راهبردی، نیازمند همکاری و هم‌افزایی میان وزارت نفت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حاکمیتی با سازمان منطقه آزاد قشم هستیم.

تمام ظرفیت‌های لازم از جمله عمق مناسب آبخور، موقعیت جغرافیایی ممتاز و زیرساخت‌های فنی در قشم مهیا است. جزیره قشم با بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی‌های کلان، ظرفیت تبدیل شدن به‌هاب بانکرینگ خلیج فارس را دارد. در صورت تحقق اهداف تعیین‌شده، نه تنها سهم ایران از بازار ۳۰میلیارد دلاری بانکرینگ منطقه افزایش می‌یابد، بلکه درآمدهای ارزی قابل‌توجهی نیز برای کشور به ارمغان خواهد آمد. این طرح می‌تواند نقطه عطفی در توسعه اقتصادی و تجاری ایران در منطقه باشد.

۳ هزار روستابازار برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی ایجاد می‌شود

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی از برنامه‌ریزی برای توسعه ۳ هزار روستابازار و عرضه مستقیم کالاهای اساسی در کشور تا پایان دولت خبر داد.

محمدرضا طلایی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران اظهار کرد: ساختار تعاون روستایی بیش از ۶۰ سال سابقه دارد و نقش آن تصدی‌گری نیست بلکه نظارت و سیاست‌گذاری بر تشکل‌هایی است که توسط خود کشاورزان و تولیدکنندگان ایجاد شده‌اند.

وی افزود: بر اساس مصوبه مجلس در برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است تا پایان این برنامه سهم تشکل‌های بخش کشاورزی را به ۲۰ درصد بازار برساند تا واسطه‌های غیرضروری حذف و هزینه‌ها برای مصرف‌کننده کاهش یابد.

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی تصریح کرد: هدف این است که مسیر تولید از مزرعه تا سفره کوتاه شود و تشکل‌هایی که از دل روستا شکل گرفته‌اند این نقش را ایفا کنند. وزیر جهاد کشاورزی نیز سیاست‌هایی را از ابتدای مسئولیت خود برای کاهش این فاصله در پیش گرفته و به تازگی به تشکل‌های زیرمجموعه سازمان تکلیف کرده که برای خرید، ذخیره‌سازی و توزیع برنج وارد عمل شوند.

طلایی با اشاره به اینکه کشاورزان تولیدکننده هستند اما تجربه کافی در فروش محصولات ندارند، گفت: روستا بازارها و فروشگاه‌های تعاون روستایی به‌دلیل اعتمادی که کشاورزان به آنها دارند می‌توانند محصولات را مستقیماً عرضه کنند. محل‌های عرضه سال‌هاست با واسطه‌ها کار کرده‌اند و تغییر آنها دشوار است اما با استفاده از ظرفیت تشکل‌ها و ایجاد روستا بازارها این مشکل حل خواهد شد.

وی با بیان اینکه تاکنون ۶۴ روستا بازار در کشور به بهره‌برداری رسیده است، اظهار کرد: هدف افزایش بی‌رویه تعداد این بازارها نیست بلکه رساندن کالا در نزدیک‌ترین نقطه به مصرف‌کننده اهمیت دارد. در هفته جهاد کشاورزی امسال ۶۴ روستا بازار از غرفه‌های کوچک تا بازارهای ۲۰ تا ۲۲ غرفه‌ای افتتاح شد. مدیریت این بازارها بر عهده اتحادیه‌های کشاورزی است.

آب طبقاتی در خشکسالی

بیتا حسن پور – قطعی‌های چندساعته آب در شهر تهران، زندگی عادی شهروندان را با اختلال جدی مواجه کرده است. با این حال مسوولان همچنان نسبت به پذیرش حقیقت «قطعی آب» مقاومت دارند.

قطعی‌های چندساعته آب در شهر تهران، زندگی عادی شهروندان را با اختلال جدی مواجه کرده است. با این حال مسوولان همچنان نسبت به پذیرش حقیقت «قطعی آب» مقاومت دارند و به شهروندان توصیه می‌کنند برای افزایش فشار در طبقات بالا، منبع و پمپ آب تهیه کنند. این درخواست به این معنی است که اگر یک خانواده منابع مالی کافی برای تهیه این تجهیزات نداشته باشد، عملا با مشکل تامین آب مواجه خواهد شد؛ مساله‌ای که «مایه حیات» را به یک کالای طبقاتی تبدیل کرده است.

فرشته رضایی: قطعی آب در روزهای اخیر به یکی از جدی‌ترین مشکلات شهروندان تهرانی تبدیل شده است. در برخی مناطق، آب چندین ساعت در روز قطع می‌شود و در دیگر نقاط هم فشار به‌شدت کاهش یافته است. خانواده‌ها از دشواری‌های روزمره می‌گویند؛ از شستن لباس و ظروف تا پخت‌وپز و نظافت. مشکل اما فقط در خانه‌ها نیست. رستوران‌ها، نانوایی‌ها و واحدهای خدماتی با اختلال جدی مواجه‌اند.

برخی از کسب و کارها در محله‌های مختلف مجبور به کاهش ساعات کاری شده‌اند. در همین حال، خرید مداوم و بیش از اندازه آب معدنی هزینه‌های خانوار را بالا برده است. مسوولان علت اصلی را کم‌آبی و کاهش بی‌سابقه ذخایر پشت سدهای تهران اعلام کرده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد حجم آب موجود در مخازن سدها نسبت به سال قبل به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است. کارشناسان معتقدند مصرف بالای آب شهری در کنار کاهش بارندگی‌ها فشار مضاعفی بر شبکه وارد کرده است. کارشناسان هشدار می‌دهند ادامه روند کنونی می‌تواند به نارضایتی عمومی منجر شود. با این حال، پرسش اصلی این روزها این است که ذخایر سدهای تهران کی جبران می‌شود و آب دوباره پایدار خواهد شد.

کاهش فشار یا قطع کامل آب؟

گزارش‌های مردمی حاکی از آن است که در برخی نقاط تهران مردم بیش از ۱۴ ساعت قطعی آب را تجربه کرده‌اند و در این رابطه تاکنون پاسخی از سوی آبفای تهران دریافت نکرده‌اند. براساس این گزارش‌ها، آب از روز پنج‌شنبه در مناطقی از تهران مانند سهروردی جنوبی و اندرزگو قطع است. همچنین ستارخان، صادقیه، گیشا، اشرفی اصفهانی، شهرآرا و پونک از جمله مناطقی هستند که به‌طور مکرر با افت فشار یا قطعی کامل آب مواجه شده‌اند. این قطعی‌ها زندگی روزمره را مختل کرده است.

یکی از ساکنان منطقه ۴ تهران نیز به «دنیای اقتصاد» گفت: آب از روزهای گذشته تاکنون روزانه به مدت ۱۲ ساعت قطع بوده است و تنها طبقات همکف یا زیر همکف به آب دسترسی دارند؛ آن هم در شرایطی که پمپ آب داشته باشیم. بعد از تماس با ۱۲۲ هم به ما اعلام می‌کنند قطعی آب نداریم بلکه کاهش فشار آب است و شما هزینه کنید پمپ مخزن‌دار خریداری کنید. اولا این اتفاقی که افتاده عملا قطعی آب است نه کاهش فشار آب و ضمنا ما باید هزینه کنیم تا پمپ مخزن‌دار تهیه کنیم. ضمن اینکه اگر همه بخواهند پمپ نصب کنند عملا در مصرف آب صرفه‌جویی اتفاق نمی‌افتد و فقط نابرابری در توزیع آب اتفاق می‌افتد.

شهروندان جنوب تهران نیز از قطعی همزمان آب و برق در منطقه شهرری خبر داده‌اند. آنان عنوان کردند که اگر چه قطع برق را روزانه به مدت دو ساعت تجربه می‌کنند اما قطع آب در بیش از نیمی از روز دارند و این وضعیت را برای آنان دشوارتر از قبل کرده است. یکی از شهروندان در منطقه جیحون هم بیان کرد: با تلاش فراوان موفق به صحبت با آبفا شده و مشکل را گزارش داده‌ام. اما کارشناسان این اداره ظاهرا پس از بازدید از خانه بیان کردند که باید برای آپارتمان پمپ آب با مخزن بخرید وگرنه آب نخواهید داشت.

تکذیب چندین باره قطع آب

در ماههای اخیر برخی منابع، از کاهش ذخایر آبی سدهای تهران به پایین‌ترین سطح در ۵۷سال اخیر خبر دادند. به گفته آنان گرمای شدید تابستان امسال فشار زیادی بر شبکه آب‌رسانی وارد کرده است. آبفا تهران بارها قطع آب را تکذیب و بر کاهش فشار آب تاکید کرده است و همچنین به شهروندان توصیه کرده است که به سمت خرید پمپ آب مخزن دار بروند. اواخر ماه تیر نیز مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران خبر داده بود که تنها ۱۴ درصد از حجم مخازن سدهای تهران پر است. بهزاد پارسا گفته بود: «از ابتدای سال آبی تاکنون ۱۵۳ میلی‌متر بارندگی ثبت شده که نسبت به میانگین بلندمدت کاهش ۴۴ درصدی را نشان می‌دهد و نسبت به سال گذشته نیز ۳۳ درصد کاهش بارندگی داریم.»

آبفا تهران و وزارت نیرو در حالی خرید پمپ و مخزن را به شهروندان توصیه می‌کنند که بسیاری از آنان استطاعت خرید پمپ را ندارند. به عنوان مثال خرید یک دستگاه پمپ آب برای یک خانه ۴ طبقه بسته به برند و توان پمپ از حدود ۳میلیون تومان تا بالای ۲۰میلیون تومان متغیر است. همچنین قیمت مخزن آب برای خانه‌های چهار طبقه به حجم، جنس، تعداد لایه‌ها، نوع مخزن (عمودی یا افقی) و برند بستگی دارد که مخزن‌های ۵۰۰۰ لیتری بین حدود ۲۵ تا ۳۶میلیون تومان و مخزن‌های ۱۰۰۰ لیتری بین ۸ تا ۱۱میلیون تومان قیمت دارند. بنابراین اگر همین اقلام را اگر برای مجتمع‌های مسکونی با واحدهای بیشتر خریداری شود به همان نسبت ارقام بیشتر می‌شوند.

تهرانی‌ها تا مهر منتظر بمانند

از سوی دیگر به گفته کارشناسان حوزه آب، با خریداری پمپ و مخزن، در صورتی که اغلب شهروندان اقدام به خرید آن کنند، موضوع صرفه‌جویی در مصرف آب بی‌معنی می‌شود و از طرفی فشار بر سفره‌های آب زیرزمینی وارد می‌شود.

استفاده بیش از حد پمپ آب باعث فشار منفی در شبکه می‌شود که می‌تواند منجر به آلودگی آب شرب شود. همچنین، فشارهای بیش از حد به لوله‌ها و اتصالات آسیب رسانده و باعث ترک‌خوردگی و نشتی می‌شود. روشن و خاموش شدن مداوم پمپ نیز به قطعات مکانیکی پمپ آسیب وارد می‌کند. در روزهای گذشته مدیرعامل آبفای کشور در رابطه با مشکلات شهروندان به ایرنا گفت: «طرح انتقال آب از زیاران یکی از اقدام‌های مهم وزارت نیرو برای حل تنش آبی در شهر تهران است که اجرای آن از سال ۱۴۰۱ شروع شده و از انتهای ۱۴۰۳ با اعتبارات خوبی که دولت تزریق کرد، پیشرفت خوبی پیدا کرده است.» به گفته هاشم امینی، در فاز نخست پروژه انتقال آب از زیاران به کرج و تهران، هفته پیش آب این سد به شهر هشتگرد رسید و تا اواخر شهریور به شهر کرج و تا اواسط مهر ماه به طور کامل به تهران می‌رسد و بخشی از تنش آبی را در شهر تهران جبران می‌کند.

در همین زمینه روابط عمومی آبفا تهران به دنیای اقتصاد گفت: وزارت نیرو برنامه‌ای برای خرید پمپ برای شهروندان ندارد و عملا چنین بودجه‌ای در اختیار نداریم. وی از ارائه توضیحات بیشتر برای رفع مشکل قطع آب شهروندان خودداری کرد.

نصب پمپ و مخزن

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب نیز در پاسخ به سوالات «دنیای اقتصاد» گفت: قطعی با کم فشاری آب متفاوت است و اینگونه نیست که آب به طور کامل به مدت ۱۲ ساعت قطع باشد. این موضوع احتمالا به دلیل تمام شدن آب مخزن و عدم رعایت الگوی مصرف بوده است. علاوه بر این سامانه ۱۲۲ همیشه پاسخگو است و بعید است بعد از چند دقیقه جواب ندهد.

وی افزود: به نظرم شهروندان در مورد قطع آب بزرگنمایی می‌کنند چون آبفا اعلام کرده است که بارها مامور در منازل فرستاده و متوجه شده است پمپ به دلیل قطع برق کار نمی‌کرده است و پس از آن جریان آب مجددا به راه افتاده است. بزرگ‌زاده تاکید کرد: خرید پمپ و مخزن آب مانند دیگر اقلام مثل کولر جزو مقررات ملی ساختمان است. به فرض اگر واحد مسکونی ده طبقه داشته باشد نمی‌شود که پمپ بدون مخزن باشد. باید حتما هم مخزن داشته باشد هم ساکنان واحدها در میزان مصرف آب در ساعات پیک مصرف دقت لازم را داشته باشند.

وی در خصوص میزان فشار آب هم گفت: فشار آب به دلیل وضعیت موجود از مبدا کم شده است و فقط طبقات یک تا دو را پوشش می‌دهد. به همین علت شهروندان باید پمپ آب بخرند و اگر هم از پمپ استفاده کنند چون میزان فشار آب از شبکه کم شده است، باز به شبکه فشار وارد نمی‌شود. چرا که بر اساس آمار میزان مصرف آب به نسبت سال گذشته ۱۴،۵ درصد کمتر شده است بنابراین بهتر است شهروندان اقدام به خرید پمپ با مخزن کنند. اگر چه منکر مشکلات مردم برای خرید پمپ نیستم، اما این موضوع جزو مقررات ملی ساختمان است و باید رعایت شود.

صعود بیت‌کوین تا ۱۹۰ هزار دلار؟

تایگر ریسرچ در ادامه گزارش خود بیان کرد که سه عامل اصلی این روند صعودی، افزایش حجم نقدینگی جهانی تا بیش از ۹۰ تریلیون دلار، رشد تقاضای صندوق‌های ETF و شرکت‌های بزرگ برای انباشت بیت‌کوین و همچنین باز شدن مسیر سرمایه‌گذاری حساب‌های بازنشستگی(k) ۴۰۱ در بازار رمزارزها است. این گزارش توضیح داد که حتی اگر تنها یک درصد از منابع این صندوق‌ها به بیت‌کوین اختصاص یابد، حدود ۹۰میلیارد دلار تقاضای جدید برای این دارایی ایجاد خواهد شد.

این گزارش تاکید کرد که ETFها تاکنون ۱.۳میلیون واحد بیت‌کوین خریداری کرده‌اند و شرکت «مایکرواستراتژی» نیز بیش از ۶۲۹ هزار واحد معادل ۷۱میلیارد دلار در اختیار دارد. این وضعیت نشان می‌دهد که جریان بازار از معاملات خرد فاصله گرفته و به سمت سرمایه‌گذاری‌های کلان سازمانی حرکت کرده است.

با وجود این پیش‌بینی صعودی، شاخص‌های درون‌زنجیره‌ای تصویری محتاطانه‌تر از بازار ارائه می‌دهند. داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد تراکنش‌های روزانه و کاربران فعال هنوز به سطح اوج سال گذشته نرسیده و مشارکت سرمایه‌گذاران خرد کاهش یافته است. همچنین شاخص‌هایی مانند MVRV-Z و NUPL تایید می‌کنند که بازار در وضعیت داغ اما نه بیش از حد هیجانی قرار دارد و احتمال اصلاح قیمتی در کوتاه‌مدت وجود دارد.

راهکارهای تامین نیروی کار خارجی

نشست کارگروه تخصصی شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با دستور کار بررسی مسائل و مشکلات تامین نیروی انسانی در صنایع مختلف با تمرکز بر نیروی کار خارجی مجاز برگزار شد. به گزارش اتاق ایران آنلاین، این موضوع از سوی صنایع و تشکل‌هایی به مرکز بهبود محیط کسب‌وکار اتاق ایران ارجاع شده که وابستگی بیشتری به نیروی کار خارجی داشته‌اند و در جریان ساماندهی اتباع افغانستانی، بخشی از نیروی کار باسابقه و متخصص آنها از دسترسشان خارج شده است.

نماینده انجمن زغال‌سنگ با اشاره به سهم بالای کارگران افغانستانی در معادن زغال‌سنگ حوزه البرز، گفت: در حوزه‌های طبس و کرمان عمدتا کارگران ایرانی مشغول هستند اما در حوزه البرز، سهم غالب به کارگران افغانستانی اختصاص داشته که با اتفاقات اخیر بخش قابل‌توجهی از آنها از کشور خارج شده‌اند و عملا صنعت معدن در این بخش با مشکل مواجه شده است.

محمدرضا بهرامن، نایب‌رئیس اتاق ایران یادآور شد که رعایت بحث مجاز و غیرمجاز در مورد کارگران خارجی الزامی است و به‌هیچ‌عنوان و دلیلی نمی‌توان قوانین و ضوابط را نادیده گرفت. این مساله در هر کشوری در قبال اتباع بیگانه وجود دارد و ما هم مستثنی نیستیم. او با تاکید بر اینکه منابع انسانی یکی از شروط توسعه است، افزود: باید شرایط ورود نیروی کار خارجی و حضور او در کشور را قانونمند کنیم تا کسی که وارد کشور می‌شود برای خودش و ما امن باشد. نماینده صنعت سنگ نیز در این نشست با اشاره به سهم بالای نیروی کار خارجی در این صنعت، گفت: خروج اتباع افغانستانی از کشور برای صنعت سنگ به یک چالش بزرگ تبدیل شده است؛ چراکه این نیروها سال‌ها در این حوزه کار کرده و متخصص شده‌اند و اکنون اصلا نیروی کار ایرانی آموزش‌دیده در این حوزه نداریم که جایگزین اتباع شود.

او الزام اتباع به ورود قانونی با پاسپورت و طولانی شدن این فرآیند را چالش بزرگی عنوان کرد و افزود: تربیت نیروی انسانی و جایگزینی نیرو زمان‌بر است و ما حتی برای این کار نیازمند نیروهای متخصص هستیم. اتباع در سه دهه اخیر جایگزین نیروی انسانی ایرانی در صنعت سنگ شدند و اکنون کارفرمایان می‌توانند این نیروها را تضمین کند.

نقش مهاجران در بازار کار ایران

در ادامه این نشست، غلامرضا کشاورز حداد، پژوهشگر، گزارش پژوهشی شواهد محور با موضوع «نقش کارگران مهاجر در بازار کار ایران» ارائه داد و با اشاره به اینکه سهم کارگران افغانستانی در صنعت راه و ساختمان و صنعت پوشاک بیشتر از سایر بخش‌ها است، گفت: خروج اتباع خارجی می‌تواند بر مشاغل خاص اثر بگذارد. او همچنین با اشاره به تحقیقات انجام شده، اظهار کرد: بخش عمده مشاغل اتباع خارجی، در حوزه‌هایی است که نرخ بیکاری کارگر ایرانی پایین است و اشتغال این افراد به نرخ بیکاری کارگران ساده ایرانی ارتباطی ندارد؛ به‌خصوص که بخش بزرگی از جامعه بیکاران ایران را افراد تحصیل‌کرده تشکیل می‌دهند و در سالیان متمادی نتوانسته‌ایم بستری برای ایجاد شغل متناسب با این افراد و جذب آنها فراهم کنیم. او ادامه داد: کارفرمایان ابتدا باید نیاز خود را در این سامانه ثبت کنند و اگر از محل نیروی کار ایرانی تامین نشد، مجوز جذب اتباع خارجی را دریافت کنند.

غفلت از اعلام نیاز اتباع خارجی

در ادامه نشست، علی باقری، مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر اینکه تردید در اهمیت نیروی کار نیست و نیاز به واردات نیروی کار هم وجود دارد، گفت: درخواست‌های جذب نیروی خارجی واصل می‌شود و اکنون نیز افراد متخصص از کشورهای مختلف به‌ویژه CIS در ایران فعالیت می‌کنند که تخصص و دستمزد بالایی هم دارند. او با بیان اینکه کارفرمایان دنبال رسمی‌سازی نیروی کار اتباع نبوده‌اند، گفت: کل فرآیند جذب و اشتغال اتباع خارجی برای با همکاری دولت و بخش خصوصی انجام شود. امسال که طرح اخراج اتباع بیگانه غیرمجاز اجرا شد، ما با انواع اعلام نیاز و نامه‌نگاری مواجه شدیم که در سال‌های قبل اثری از آنها نبود.

مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: می‌شد بسیار قبل این، اعلام نیازها و ساماندهی اتباع خارجی انجام شود. باقری اعلام کرد: طبق آمار وزارت کشور، تاکنون یک‌میلیون و ۲۰۵ هزار نفر از اتباع افغانستانی از ایران خارج شده‌اند و درنتیجه این اتفاق حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر از نیروی کار از بخش غیررسمی بازار کار جدا شده‌اند و اشتغال مجاز کشور ریزشی نداشته است. مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر لزوم بازنگری و طراحی اشکال جدید ویزای کار در کشور، گفت: ویزای کار جدیدی که طراحی شده، اجازه کار ۹ ماهه به نیروی کار خارجی می‌دهد که البته ممکن است تجدیدنظر شود. این ۹ ماه قبال تمدید نیست و با اتمام دوره اقامت باید خروج قطعی انجام شود. همچنین نیروی کاری که با این ویزا به کشور می‌آید مشمول اجباری بیمه تامین اجتماعی است؛ اما برای حمایت از کارفرما، مالیات ندارد. طبق اظهاراتی که در این نشست مطرح شد، حجم صدور ویزای کاری از مبدأ افغانستان کاهش پیدا کرده که حداقل باید ۳۰درصد افزایش پیدا کند تا کارفرمایان متقاضی نیروی کار خارجی بتوانند نیاز خود را تامین کنند.

وضعیت ساماندهی اتباع خارجی

نماینده وزارت کشور نیز در این نشست با بیان اینکه موضوع باید جامع دیده شود، گفت: موضوع ساماندهی اتباع خارجی از آذر ۱۴۰۳ آغاز شد و بعد از تدوین شیوه‌نامه در اسفند ۱۴۰۳، از ابتدای فروردین نیز در حال اجرا بود؛ اما بعد از جنگ ۱۲ روزه و فضایی که ایجاد شد، این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گرفت و برخورد با غیرمجازها شدت گرفت؛ درحالی‌که فرآیند ساماندهی همانی بود که از قبل داشت اجرا می‌شد. او ادامه داد: تا پایان تیرماه، یک‌میلیون و ۲۴۴ هزار و ۲۵۰نفر از اتباع خارجی غیرمجاز از کشور خارج شده‌اند که از این تعداد ۸۰۱ هزار نفر به‌صورت خودمعرف بوده و ۴۲۲ هزار نفر با دستگیری از کشور خارج شده‌اند. او با اشاره به اینکه اکنون ۲۸۰ هزار نفر از اتباع افغانستانی به‌صورت رسمی و مجاز در کشور شاغل هستند، گفت: درمجموع این دسته از اتباع، حضور رسمی و مجاز در کشور داشته‌اند و در طول سال‌ها نیز حضور رسمی و قانونی آنها حفظ شده است درحالی‌که بسیاری از اتباع افغانستانی بعد از ورود رسمی به کشور، مثلا در چند دوره پایش حضور پیدا نکرده‌اند یا اقدامی برای تمدید مدارک خود نداشته‌اند.

استخراج رمزارز و نقش آن در خاموشی‌ها

ورود رمزارزها به عرصه اقتصاد جهانی، یکی از مهم‌ترین تحولات مالی دو دهه اخیر به شمار می‌رود. این دارایی‌های نوظهور با قابلیت‌هایی چون حذف مرزهای جغرافیایی، سرعت بالا در مبادلات و کاهش وابستگی به نظام‌های مالی سنتی، به‌سرعت توجه سرمایه‌گذاران خرد و کلان را به خود جلب کرده‌اند.

با این حال، همان‌قدر که رمزارزها فرصت‌های تازه‌ای در حوزه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و حتی سیاستگذاری فراهم کرده‌اند، چالش‌های متعددی نیز به‌ویژه در حوزه انرژی، محیط زیست و عدالت اقتصادی پدید آورده‌اند.

یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، فرآیند استخراج یا همان ماینینگ است که مصرف بالای انرژی و آثار جانبی گسترده آن بر اقتصاد و جامعه، به موضوعی بحث‌برانگیز در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. راضیه کریم‌الهی، دانشجوی دکترای اقتصاد مالی دانشگاه صنعتی شریف، در گزارشی که در ادامه می‌خوانید به بررسی ابعاد این موضوع پرداخته است.

از فرصت اقتصادی تا تهدید خاموشی

با گذشت حدود دو دهه از معرفی رمزارزها، این فناوری نوین مالی چنان به سرعت جای خود را در میان سرمایه‌گذاران باز نموده که امروزه حتی در پرتفوی یک خانواده معمولی نیز می‌توان مقادیری بیت‌کوین، اتریوم، ریپل و دوج کوین پیدا کرد. جذابیت این دارایی‌های جوان در مقایسه با دارایی‌های باسابقه نظیر طلا، دلار و اوراق بهادار از جهات گوناگون قابل بررسی است.

این دارایی‌ها بدون محدودیت زمانی، فیزیکی یا اغلب مقداری، قابل معامله هستند، ملاحظات دست و پا گیری نظیر تحریم، منع قانونی، نگهداری فیزیکی و خطر سرقت ندارند، قابلیت برنامه‌ریزی دارند و به‌صورت توزیع‌شده در سراسر دنیا قابل استفاده هستند. خلق برخی از انواع رمزارزها از طریق فرایندی تحت عنوان ماینینگ یا استخراج صورت می‌گیرد. فرآیندی که امروز متهم ردیف اول ناترازی برق در کشور است. در این گزارش به بررسی فرآیند استخراج رمزارزها از دید اقتصادی و اجتماعی می‌پردازیم.

در ابتدای بحث، بد نیست با مفهوم استخراج رمزارز بیشتر آشنا شویم. استخراج رمزارز در واقع مکانیسمی برای تایید تراکنش‌ها و ایجاد واحدهای جدید رمزارزها است. به دلیل خاصیت غیرمتمرکز بودن، سیستم مرکزی خاصی برای تایید تراکنش‌های رمزارزها وجود ندارد و شبکه برای محاسبات، تایید تراکنش‌ها و تامین امنیت خود به سیستم‌های متعدد موجود متکی است. ماینرها با حل مسائل پیچیده ریاضی، وظیفه تایید تراکنش‌ها و تضمین امنیت شبکه را برعهده دارند و در ازای آن، رمزارز جدید (یا در موارد محدود، کارمزدی از معاملات رمزارز) پاداش می‌گیرند.

این فرآیند مستلزم مصرف بسیار بالای انرژی و فعالیت ۲۴ ساعته سیستم‌ها و کامپیوترهای ماینر است که به دلیل تجهیزات قدرتمند، برق بسیار زیادی مصرف می‌کنند. از طرف دیگر، در مزارع رمزارز که صدها و شاید هزاران ماینر وجود دارد، نیاز به استفاده از خنک‌کننده‌های قوی وجود دارد که دمای مطلوب را حفظ کنند. این خنک‌کننده‌ها نیز به نوبه خود برق قابل‌توجهی مصرف می‌کنند. یک محاسبه سرانگشتی نشان می‌دهد که در یک مزرعه با ۱۰۰ ماینر روزانه معادل مصرف ۷۲۰ خانواده برق مصرف می‌شود.

اما پیامدهای استخراج رمزارز تنها محدود به مصرف برق نیست. این فرآیند دارای اثرات جانبی متعددی است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد. پاداش به‌دست آمده از استخراج، انگیزه افراد را برای مشارکت در شبکه افزایش می‌دهد و از این طریق منجر به افزایش امنیت و کارآیی شبکه می‌گردد. از سوی دیگر، بازار تجهیزات ماینر و خنک کننده رشد می‌کند و مراکز ماینینگ، تولید سخت‌افزار و خدمات مرتبط با افزایش تقاضا مواجه شده و صنعت مربوطه رونق می‌یابد. همچنین، کشورهایی که برق ارزان‌تری دارند با استقبال ماینرها مواجه می‌شوند و این مساله منجر به جابه‌جایی سرمایه می‌شود. اما این منافع با آثار منفی قابل‌توجهی همراه است. اولین مساله، مصرف بسیار بالای انرژی و فشار روی شبکه برق کشور است.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹
www.marzeghtesad.ir

پایان تب‌وتاب ادغام‌های نفتی

لیلا جلیلوند – بازار جهانی انرژی پس از دو سال پرهیاهو و تجربه موجی از معاملات کلان نفتی و گازی، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که بیش از هر زمان دیگری نشانه‌های احتیاط و عقب‌نشینی را به نمایش می‌گذارد.

بازار جهانی انرژی پس از دو سال پرهیاهو و تجربه موجی از معاملات کلان نفتی و گازی، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که بیش از هر زمان دیگری نشانه‌های احتیاط و عقب‌نشینی را به نمایش می‌گذارد؛ فضایی که دیگر خبری از تب‌وتاب ادغام‌ها و خریدهای چندده‌میلیارد دلاری نیست و جای خود را به تردید، محاسبه‌های سخت‌گیرانه و انتظار برای روشن شدن افق ژئوپلیتیک داده است.

پایان تب‌وتاب ادغام‌های نفتی

تازه‌ترین گزارش شرکت نروژی «ریستاد انرژی»، از شرکت‌های شناخته‌شده جهان در حوزه مشاوره و تحقیقات انرژی، نشان می‌دهد ارزش معاملات ادغام و تملیک (M&A) در بخش بالادستی نفت و گاز طی نیمه نخست سال جاری میلادی به ۸۲میلیارد دلار سقوط کرده؛ رقمی که در برابر جهش‌های چندصدمیلیارد دلاری سال ۲۰۲۳ همچون نقطه پایانی بر یک دوره پرهیجان به نظر می‌رسد و حاکی از ورود به مرحله‌ای تازه است. کاهش فعلی اگرچه در نگاه نخست به دلایل اقتصادی و مالی از جمله نوسان قیمت‌ها، رشد هزینه‌ها و نگرانی‌های رکودی نسبت داده می‌شود، اما در واقع لایه‌های عمیق‌تری دارد؛ لایه‌هایی که ریشه در تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک پس از جنگ اوکراین، چرخش اولویت‌های جهانی به سمت گاز و انرژی‌های پاک و همچنین تحولات فناورانه‌ای همچون جهش تقاضای برق ناشی از رشد هوش مصنوعی و مراکز داده نهفته است. در ایالات متحده، که کانون اصلی معاملات نفتی به‌ویژه در حوزه شیل بوده، فضای پرتحرک خرید و فروش دارایی‌ها به سرعت سرد شده است. شرکت‌هایی چون اکسون‌موبیل و شورون که در سال گذشته دست به خریدهای چندده‌میلیارد دلاری زدند، امروز با احتیاط بیشتری به آینده نگاه می‌کنند. کاهش نسبی قیمت نفت، رشد هزینه‌های تولید و نگرانی از رکود اقتصادی باعث شده است که خریداران و فروشندگان بر سر ارزش دارایی‌ها به توافق نرسند. شکاف قیمتی ایجاد شده، بارها منجر به شکست قراردادها شده است؛ از جمله شکست خرید ۳۰۶میلیون دلاری دارایی‌های شرکت «راکی‌مانتین» توسط «امپلیفای انرژی». اما این روند رو به افول محدود به آمریکا نیست.

نفت دیگر تنها کالایی اقتصادی نیست، بلکه یک ابزار دیپلماتیک در چانه‌زنی میان قدرت‌ها محسوب می‌شود.

سنگینی فضای بازار انرژی اروپا

در اروپا، تحولات پس از جنگ اوکراین همچنان فضای بازار انرژی را سنگین کرده است. اتحادیه اروپا که به سرعت به سمت تنوع‌بخشی به منابع و کاهش وابستگی به روسیه حرکت کرده، اکنون در حوزه معاملات نفت و گاز با تردیدهای مضاعف روبه‌روست. از یک سو، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک و فشار سیاستگذاری سبز، جذابیت پروژه‌های نفتی را کاهش داده؛ از سوی دیگر، افزایش تقاضای گاز در زمستان‌های سخت اروپا سبب شده که توجه سرمایه‌گذاران بیشتر به سمت LNG و قراردادهای گازی بلندمدت معطوف شود تا به سمت ادغام‌های بزرگ در نفت. در آسیا نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. چین که همچنان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است، بیش از آن‌که درگیر خرید و فروش دارایی‌های بین‌المللی باشد، بر قراردادهای بلندمدت گازی و توسعه زیرساخت‌های LNG تمرکز کرده است.

همکاری‌های گسترده پکن با روسیه در قالب پروژه‌های سیبری، از خط لوله گرفته تا محموله‌ها LNG، گویای تغییر جهت استراتژیک چین به سمت امنیت گاز است. در هند، تقاضای نفت همچنان رو به افزایش است، اما دولت دهلی‌نو به دلیل محدودیت‌های مالی و فشار برای توسعه انرژی‌های داخلی، کمتر به سمت معاملات خارجی متمایل شده است. خاورمیانه به عنوان قلب سنتی بازار نفت جهان نیز شرایطی دوگانه دارد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با استفاده از درآمدهای سرشار نفتی، تمرکز خود را بر تنوع‌بخشی اقتصادی و سرمایه‌گذاری در پتروشیمی، هیدروژن و انرژی‌های پاک گذاشته‌اند. در نتیجه، ادغام‌های نفتی در این منطقه بیشتر در مقیاس داخلی یا منطقه‌ای باقی مانده و خبری از موج بزرگ معاملات نیست.

تبدیل ایران به بازیگری تاثیرگذار

برای ایران، که تحت تحریم‌ها عملا از چرخه رسمی ادغام و تملیک جهانی خارج شده است، این روند دو پیام دارد: از یک سو، رکود جهانی به معنای محدودتر شدن روزنه‌های تعامل مستقیم است؛ از سوی دیگر، تمرکز تازه جهان بر گاز و LNG فرصتی بالقوه ایجاد می‌کند که در صورت اصلاح سیاست‌های داخلی، می‌تواند ایران را به بازیکنی تاثیرگذار بدل کند. واقعیت این است که گاز، ستاره نوظهور بازار انرژی است. گزارش ریستاد نشان می‌دهد معاملات مرتبط با گاز شیل در آمریکا به بیش از ۹میلیارد دلار در نیمه نخست سال جاری رسیده؛ رقمی که نشان‌دهنده تغییر سریع الگوی تقاضاست. رشد بی‌سابقه مراکز داده و نیاز انفجاری هوش مصنوعی به برق، به معنای افزایش فشار بر نیروگاه‌ها و در نتیجه افزایش تقاضا برای گاز طبیعی است. اروپا نیز برای جایگزینی نفت و زغال‌سنگ، هرچه بیشتر به LNG وابسته می‌شود. این روند جهانی، ایران را در نقطه‌ای حساس قرار داده است: کشوری با دومین ذخایر بزرگ گاز جهان، اما گرفتار در تله قیمت‌گذاری غیرواقعی، مصرف بی‌رویه داخلی و کمبود سرمایه‌گذاری. پیامدهای این تحولات برای ایران روشن است.

اگر رکود در معاملات جهانی نفت نشانه کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران باشد، ایران در وضعیت تحریمی خود بیش از پیش منزوی خواهد شد. اما اگر تهران بتواند همزمان با بلوک گازی روسیه‌چین وارد تعامل راهبردی شود و سیاست‌های انرژی داخلی خود را اصلاح کند، فرصت آن را دارد که در «نظم گازی جدید» جایگاهی ویژه بیابد. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که حتی با وجود ذخایر عظیم، ایران تنها نظاره‌گر صحنه‌ای باشد که دیگران نقش اصلی را در آن بازی می‌کنند. بنابراین، «خاموشی موتور ادغام‌های نفت و گاز» صرفا یک خبر اقتصادی نیست؛ بلکه بازتابی از تلاقی پیچیده اقتصاد، سیاست و فناوری در مقیاسی جهانی است؛ جایی که تصمیم‌های شرکت‌های بزرگ انرژی دیگر تنها بر مبنای قیمت نفت یا سودآوری کوتاه‌مدت گرفته نمی‌شود، بلکه به معادلات امنیتی، فشارهای ژئوپلیتیک و حتی رقابت فناورانه در حوزه‌هایی همچون انرژی‌های تجدیدپذیر و برق‌رسانی دیجیتال گره خورده است. جهان انرژی، به‌ویژه پس از شوک‌های پی‌درپی ناشی از جنگ اوکراین، تحریم‌های روسیه و تلاطم بازارهای مالی، در حال گذار از یک دوره پرمعامله و نفت‌محور به مرحله‌ای محتاط‌تر، سرمایه‌گریزتر و بیش از گذشته متمایل به گاز طبیعی و فناوری‌های نو است.

این تغییر جهت، معنایی فراتر از جابه‌جایی سرمایه‌ها دارد و در واقع آغاز بازترسیم نقشه قدرت انرژی در قرن بیست‌ویکم است. برای ایران، این لحظه چیزی کمتر از یک بزنگاه تاریخی نیست؛ زیرا اگر ساختارهای فرسوده صنعت نفت و گاز با اصلاحات بنیادین در حوزه مالی، مدیریتی و زیست‌محیطی همراه نشود و دیپلماسی انرژی نتواند در بازی پیچیده شرق و غرب موقعیت تازه‌ای خلق کند، کشور بار دیگر فرصت طلایی حضور در جریان اصلی بازار را از دست خواهد داد. در نقطه مقابل، اگر تهران با هوشمندی از تغییر موازنه‌ها (افت معاملات نفت و حرکت سرمایه‌ها به سمت گاز و انرژی‌های نو، کاهش سلطه مطلق آمریکا بر معاملات شیل، رشد جایگاه آسیا و بازارهای نوظهور و حتی تاثیر تحولات فناورانه مثل انرژی برای هوش مصنوعی) استفاده کند (چه از طریق تعمیق روابط با بازار آسیایی و چه با بازتعریف جایگاه خود در معادلات اوپک پلاس و تجارت گاز) می‌تواند از «حاشیه‌نشینی تاریخی» به «بازیگری فعال» بازگردد؛ جایگاهی که نه‌تنها درآمدهای پایدارتر ایجاد می‌کند، بلکه به ابزاری موثر در تعاملات سیاسی و امنیتی منطقه‌ای نیز بدل خواهد شد.

افزایش ۶۰ درصدی ذخایر سوخت مایع نیروگاهی

وزیر نفت از تدابیر بسیار خوب وزارت نفت برای تامین سوخت زمستانی خبر داد و گفت: سطح ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدودا ۶۰ درصد نسبت به پارسال بیشتر است.
به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در گفت‌وگویی با بیان اینکه بخش عمده گاز طبیعی در زمستان در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف می‌شود، تاکید کرد: سوخت مورد نیاز نیروگاها با سوخت مایع جبران شود.
وی با اشاره به تدابیر بسیار خوبی که در وزارت نفت اندیشیده شده است، تصریح کرد: ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدودا ۶۰ درصد نسبت به پارسال بیشتر است.
زمستان گذشته کمبود ذخیره سوخت مایع در نیروگاه‌ها نگرانی‌های زیادی در خصوص پایداری شبکه‌های انرژی کشور به وجود آورد. گفته می‌شد که این شرایط به دلیل مصرف بیش از حد سوخت مایع در تابستان شکل گرفته بود. نیروگاه‌هایی که امکان مصرف سوخت مایع دارند در تابستان سال گذشته سوخت عمدتا گازوئیل خود را مصرف کرده بودند و در زمستان با مشکل مواجه شدند. این موضوع به عواملی چون کاهش عرضه گاز در فصول گرم و افت تحویل سوخت مایع به آنها مرتبط داده می‌شد.

نقش بازی‌سازان در سازمان

«کریس پاول» دو دهه است که در لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا (NBA) بازی می‌کند و کارنامه‌ای باشکوه از خود به جای گذاشته است. اما یکی از آمارهایش وجه تمایز او با بقیه است: ۴ بار به تیمی جدید پیوسته است و به سرعت باعث ارتقای کل تیم و کسب موفقیت‌های جدید در همان دو سال نخست شده است. هیچ ورزشکار دیگری این‌طور اثر آنی بر تیم خود نمی‌گذارد. این مسأله چنان جذاب است که اکنون اصطلاح خاصی با عنوان «اثر کریس پاول» رواج یافته است.

«کریس پاول» شاید موردی منحصربه‌فرد در تمام تاریخ لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا باشد. اما بیشتر ما هم با افرادی مانند او مواجه شده‌ایم: هم‌تیمی‌هایی که باعث می‌شوند تمام افراد پیرامون بهتر شوند و با ادغام توانمندی‌های منحصربه‌فرد هر یک از اعضای تیم، از تیم نوعی آبرموجود شناختی می‌سازند که قادر به انجام کارهایی است که هیچ‌کس به تنهایی از عهده آن برنمی‌آید.

اجازه دهید چنین افرادی را «تسهیل‌گر» یا «ابرتسهیل‌گر» بنامیم. در سال‌های اخیر، موج جدیدی از پژوهش‌ها، درک ما از موفقیت‌های گروهی را دگرگون ساخته و نشان می‌دهد که چرا تسهیل‌گران فقط یک عضو بااستعداد تیم نیستند. به توصیف «چارلز دوهیگ»، نویسنده کتاب‌های پرفروش خودسازی، ابرتسهیل‌گران به افراد کمک می‌کنند یکدیگر را به طور بهینه بشناسند.

آنها کمک می‌کنند که تمام اعضای تیم، به طور بهینه کنار یکدیگر قرار بگیرند و به اصطلاح چفت و بست شوند. آنها همچنین تخصص‌های متنوع را با یکدیگر ادغام می‌کنند، نقش‌آفرینی متوازن همه اعضا را رواج می‌دهند و بین آنها اعتمادسازی می‌کنند. از این طریق، یک هوش جمعی یا توانایی گروهی برای تحلیل، نوآوری و حل مسأله می‌آفرینند. آنها اغلب رهبر تیم هستند اما همچنین می‌توانند مانند پاول در نقش یکی از اعضا، پتانسیل‌های هم‌تیمی‌های خود را شکوفا کنند.

تیم به عنوان یک موجود زنده

بیشتر فرهنگ‌ها تمایل دارند نوآوری را یک فعالیت انفرادی بدانند: صعودی انفرادی به قله مهارت‌های فکری. نوآوران بزرگ اغلب از تاریکی، درک نشدن و نادیده گرفته شدن توسط دیگران رنج برده‌اند؛ تا زمانی که تحولی بزرگ پدید آورده‌اند و سپس جهان به دنبال آنها رفته است.

چنین کلیشه‌ای، زمانی که برای رهبران سازمانی به کار می‌رود، نتیجه‌اش فعالیت‌های سازمانی مسموم می‌شود. در سال ۲۰۱۹، کارول دویک و دیگران به تحلیل اعلامیه ماموریت ۴۳۳ شرکت از فهرست ۵۰۰ شرکت فورچون پرداختند و آن را با رتبه‌بندی شفافیت سایت بررسی عملکرد «گلسدور» مقایسه کردند. آنها پی بردند زمانی که شرکت‌ها بر «فرهنگ نابغه» به معنای نبوغ فردی تاکید می‌کنند، منتقدان امتیاز پایین‌تری به آنها می‌دهند. پژوهشگران در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که همین شرکت‌ها همچنین سطح ضعیف‌تری از همکاری، اعتماد و شرافت دارند. یکی از عوامل آسیب به چنین سازمان‌هایی سبک رهبری سازمانی آنها و مدیرعامل آرمان‌گرایی است که به دنبال کنترل تمام سطوح و جزئیات سازمان است.

آنچه نبوغ خوانده می‌شود، اغلب یک صفت ورزشی است و به معنای تک‌روی و عملکرد خارق‌العاده فردی شناخته می‌شود. اما در سال ۲۰۱۰، روان‌شناسی به نام آنیتا وولی (Anita Woolley) و همکارانش یک تست هوش جمعی برای گروه‌ها طراحی کردند. این تست هوش مانند تست‌های فردی، توانایی گروه برای حل انواع مختلف مسائل (مانند تصمیم‌گیری اقتصادی، حل معادلات پیچیده و دستیابی به توافق‌های اخلاقی) را می‌سنجد. وولی پی برد گروه‌هایی که در برخی مهارت‌ها عملکرد خوبی دارند، اغلب در سایر مهارت‌ها نیز بهتر هستند و این موضوع حکایت از هوش جمعی آنها دارد.

شاید فرض کنید که تیم‌های باهوش از افرادی باهوش تشکیل شده‌اند، اما داده‌ها خلاف این را می‌گویند. در پژوهش وولی، ابرگروه‌ها متشکل از افرادی با استعداد خاص نیستند، بلکه گروه‌هایی هستند که «استعداد ماورایی» آنها توانایی سازماندهی بر اساس مهارت‌های اعضا و اعتماد به یکدیگر است. ابرتسهیل‌گران، این نوع هم‌افزایی و انطباق تیمی را بهینه می‌کنند.

این دیدگاه با مفهوم «خرد جمعی» که می‌گوید پاسخ متوسط افراد به یک مسأله اغلب درست است، تفاوت دارد. در هوش جمعی، بحث میانگین‌گیری و دستیابی به متوسط نظرات جامعه یا گروه مطرح نیست، بلکه اعضای گروه را مانند ارگان‌ها و بافت‌های بدن با یکدیگر ادغام می‌کند تا تیم و سازمان مانند یک موجود زنده بزرگ‌تر (ابرارگانیسم) شود. در چنین حالتی هر یک اعضای تیم، مانند اعضای بدن، تخصص‌ها و مهارت‌های خود را در یک هماهنگی و کمک به اهداف کلان به کار می‌گیرد تا برای انجام کارهایی که هیچ یک از اعضا به تنهایی قادر به انجام آنها نبودند، هم‌افزایی منحصربه‌فردی ایجاد شود.

اما نکته کلیدی این است: برای دستیابی به هوش جمعی و به کار بستن قدرت آن، اعضای تیم باید توانایی درک یکدیگر را داشته باشند. در پژوهش‌های مختلف این موضوع به اثبات رسیده است.

قدرت‌های ابرتسهیل‌گر

اگر هوش جمعی بتواند نیروی فکری یک تیم را تجمیع کند و به‌کار گیرد، افرادی با نقش ابرتسهیل‌گر نقش لوب پیشانی در مغز را ایفا می‌کنند؛ یعنی نقش‌ها را هماهنگ می‌کنند، امکان تعاملات بدون اصطکاک را پدید می‌آورند و اعتماد بین اعضا را تقویت می‌کنند. چگونه این کارها را انجام می‌دهند؟ پژوهشگران سه روش اصلی کار آنها را شناسایی کرده‌اند:

هماهنگی (Attunement): کریس پاول، به عنوان بازیکن «پوینت گارد» بسکتبال (نقشی که برای هم‌تیمی‌ها موقعیت‌های امتیازگیری ایجاد می‌کند) به برخورداری از «قدرت دید در زمین» معروف است. او از این دید گسترده و دقیق خود برای ایجاد هماهنگی و هم‌نوا کردن حمله تیم استفاده می‌کند. او به طور مداوم وضعیت زمین را رصد می‌کند، فرصت‌ها را شناسایی می‌کند و بلافاصله تصمیم می‌گیرد که چه کسی بهترین موقعیت را برای امتیازگیری دارد. آن‌طور که یکی از تحلیلگران ورزشی گفته بود، «او تقریبا می‌تواند بازی را مانند غیب‌بینی مشاهده کند و وضعیت مدافعان حریف را در کسری از ثانیه برای بهترین استفاده تیم خود تشریح کند.»

ابرتسهیل‌گرها نیز ظرفیت ادراکی مشابهی دارند و از آن برای ارتقای عملکرد تیمی استفاده می‌کنند. آنها به طور خاص متکی بر همدلی هستند و توانایی ارتباط با دیگران از طریق احساساتشان را دارند. این توضیح، منطقی به نظر می‌رسد، چرا که احساسات خاصیت مغناطیسی و جذب اجتماعی دارند. ما در آزمایشگاه، روی شبکه‌هایی که دانشجویان پس از ورود به خوابگاه می‌سازند، پژوهش کردیم. افرادی که همدلی داشتند، به سرعت با دیگر ساکنان خوابگاه آشنا شدند و اعتماد آنها را جلب کردند. در پژوهش‌های بعدی، زمانی که عکس دانشجویان همدل را به هم‌خوابگاهی‌های آنها نشان دادیم، افزایش فعالیت مغزی در بخش‌هایی را مشاهده کردیم که مربوط به پاداش و ارتباط اجتماعی بود.

ارتباط (Communication): پاول در تمام دوران بازی خود در لیگ حرفه‌ای بسکتبال، مانند استاد و راهنما برای هم‌تیمی‌های جوان‌تر خود بوده است. در سال ۲۰۲۱، یک روزنامه‌نگار تخصصی بسکتبال او را چنین توصیف کرد: «یک سوپراستار کهنه‌کار که هر کس در فهرست تیم می‌تواند به او تکیه کند و مانند یک اسفنج توسعه از حضورش بهره‌مند شود.» بیشتر هم‌تیمی‌های او با چنین نظری موافق بودند. جولیان شمپین، بازیکن سن‌آنتینیو اسپورز او را همزمان مانند مربی و رفیقی توصیف کرده است که افراد می‌توانند در هر زمینه‌ای روی کمکش حساب کنند.

چنین اظهارنظرهایی راهی عالی برای شناسایی ابرتسهیل‌گرها را نشان می‌دهند: به آنچه دیگران درباره‌شان می‌گویند، گوش دهید. پژوهشگران اغلب می‌پرسند که رهبر سازمانی شما چقدر پتانسیل‌هایتان را می‌شناسد، یا می‌دانید که ارتباطتان با او چگونه است؟ سازمان‌هایی که ابرتسهیل‌گر دارند، کارکنانشان پاسخ‌هایی مثبت به این سوالات می‌دهند. آنها بهترین نسخه خود را در چشم رهبر سازمان می‌بینند.

توزیع نقش‌ها: در بسکتبال، وظیفه پوینت گارد، توزیع وظایف و مشارکت همه تیم در حمله است. آنهایی که در این پست عالی هستند، نبض بازی را می‌خوانند و به بازیکنی با بهترین موقعیت پاس می‌دهند. آنها همچنین بازیکنان جدید را در بازی درگیر می‌کنند. اگر یکی از هم‌تیمی‌ها اعتمادبه‌نفس پایین داشته باشد، فرصت‌های کم‌ریسکی به او می‌دهند تا خود را پیدا کند. در برهه‌های نقش‌آفرینی، آنها زمان و توجه را بین اعضای مختلف تیم تقسیم می‌کنند تا همه نقشی بر عهده داشته باشند و بار وظایف بر دوش یک یا دو نفر خاص قرار نگیرد.

انجام چنین کاری از گفتنش راحت‌تر است. در جلسه سازمانی بعدی، جلوی هر یک از حاضران جلسه یک ساعت شطرنج تصور کنید. هر زمان که یکی از آنها صحبت می‌کند، ساعتش به کار می‌افتد و نشان از مدت زمان مشارکت او دارد. وقتی جلسه تمام می‌شود، آیا همه به یک اندازه زمانشان گذشته است؟ احتمالا نه. بیشتر تیم‌های کاری نامتوازن هستند. برخی از اعضا زمانشان به پایان می‌رسد و برخی حتی به ساعت خود نیز دست نزده‌اند.

چنین الگویی روحیه و عملکرد تیمی را پایین می‌آورد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که بهترین شیوه سنجش هوش جمعی، بررسی اعضای تیم نیست، بلکه شناسایی الگوهای تعاملاتی آنها و نقش‌آفرینی متوازن همه افراد است. زمانی که فرصت نقش‌آفرینی به همه می‌رسد، آنها قادر به شکوفا کردن پتانسیل‌هایشان می‌شوند و همچنین با ایده‌پردازی، چابکی و قدرت حل مساله بیشتری به کل تیم می‌بخشند.

توانمندسازی تیم‌ها برای بلندمدت در شرکت‌های تک‌نفره، فقط مدیرعامل (یا بنیان‌گذار) شرکت نقش مهمی به دوش می‌کشد. او حتی اگر به چند نفر دیگر هم فرصت نقش‌آفرینی بدهد، برای تحقق چشم‌انداز خودش است نه دریافت ادراکی جدید از بازار و شرایط. در طرف دیگر، ابرتسهیل‌گرها، اعضای تیم را توانمند می‌سازند که قدرت تصور و ایجاد یک چشم‌انداز مشترک را داشته باشند.

البته هر دو رویکرد کارکردهای خاص خود را دارد. یک بار پژوهشگران تیم‌های مختلف را احضار کردند و وظایف استراتژیک پیچیده‌ای به آنها دادند. در نیمی از تیم‌ها، استراتژی مدیریتی «مستقیم» به کار رفت. اختیار تصمیم‌گیری در دست مدیر بود. او به کارکنان می‌گفت چه کارهایی انجام دهند و از انجام آنها اطمینان می‌یافت. برای نیم دیگر تیم‌ها، سبک مدیریتی «توانمندساز» استفاده شد. افراد تشویق می‌شدند که بهترین دیدگاه‌های خود را خلق کنند و به همکاری عمیق بپردازند.

گروه نخست در ابتدا عملکرد بهتری داشتند. آنها تصویر واضحی از انتظارات دریافت کرده بودند و به سرعت پیش می‌رفتند. اما با پیچیده‌تر شدن محیط و طولانی شدن بازه پژوهش، گروه دوم با قاطعیت عملکرد بهتری نشان دادند. آنها همچنین حس رضایت و شادی بیشتری داشتند و نیاز برای کنترل و نظارت بسیار کمتر بود.

گام نخست حضور بخش خصوصی در میادین گازی

تفاهم‌نامه توسعه میدان‌های گازی هالگان و شاهینی بین شرکت ملی نفت ایران، شرکت ایمیدرو و شرکت‌های فولادی امضا شد. این تفاهم‌نامه بر اساس مصوبه هیات دولت مبنی بر همکاری با صنایع انرژی‌بر و پتروشیمی‌ها انجام گرفته که مطابق آن توسعه برخی میادین گازی به منظور مصرف اختصاصی و گاه عمومی به هلدینگ‌ها و شرکت‌های انرژی‌بر به صورت IPC واگذار شود.

طبق گزارش شانا، تفاهم‌نامه توسعه دو میدان گازی دیروز (شنبه، هشتم شهریور) با حضور حمید بورد، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و محمد آقاجانلو، سرپرست هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) امضا شد. این میدان‌ها با حجم گاز درجای در مجموع حدود ۱۸ تریلیون فوت‌مکعب در جنوب استان فارس قرار دارند. با امضای این تفاهم‌نامه و توسعه میدان‌های گازی‌هالگان و شاهینی پیش‌بینی می‌شود روزانه حدود ۳۵میلیون مترمکعب گاز و ۲۵ هزار بشکه میعانات تولید شود. جذب سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای توسعه این دو میدان، تامین خوراک صنایع فولادی و معدنی و کمک به کاهش ناترازی گاز کشور از دیگر اهداف انعقاد این تفاهم‌نامه است.

اولین تفاهم‌نامه

حمید بورد در حاشیه امضای تفاهم‌نامه مطالعه طرح توسعه و بهره‌برداری میدان‌های گازی هالگان و شاهینی بین شرکت ملی نفت ایران و ایمیدرو با تاکید بر اینکه امروز شاهد امضای تفاهم‌نامه‌ای هستیم که در نوع خود کم‌نظیر است، اظهار کرد: این اقدام برای نخستین بار با هماهنگی دولت چهاردهم و پیگیری‌های تیم جدید وزارت صمت است و بی‌تردید اقدامی شایسته و راهبردی برای صنعت کشور خواهد بود. وی با بیان اینکه در طول یک سال گذشته، پیشنهادهای متعددی از سوی بخش‌های مختلف برای توسعه میدان‌های گازی هالگان و شاهینی دریافت کردیم که بلافاصله از آن استقبال و پیگیری شد، افزود: شرکت‌های فولادی به‌عنوان مصرف‌کنندگان عمده گاز، نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور دارند. تصمیم‌های اخیر در خصوص این میدان‌های جدید گازی که عمر اکتشاف آنها بسیار کوتاه و جوان هستند، نویدبخش افزایش تولید است. گزارش‌های هفته گذشته نیز نشان می‌دهد دولت با جدیت بیشتری این موضوع را دنبال می‌کند.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به اینکه بر اساس برنامه‌ریزی‌ها، می‌توانیم در دوره‌های اوج مصرف، از تولیدات این میدان‌ها بهره‌برداری کنیم و به‌گونه‌ای پیش برویم که شرکت‌های فولادی در شبکه گاز با مشکل مواجه نشوند، مگر در موارد خاص عملیاتی تصریح کرد: روند تولید از این میدان‌ها به‌صورت پلکانی آغاز می‌شود و طی یک سال آینده، این صنایع به‌تدریج می‌توانند از تولید این میدان‌ها تامین گاز خود را انجام دهند. هدف‌گذاری ما رسیدن به تولید ۳۵میلیون مترمکعب در روز است و در صورت امکان می‌توان از ظرفیت خالی پالایشگاه فجر جم برای پالایش گاز این میدان‌ها بهره گرفت. بورد یکی از دلایل استقبال از این تفاهم‌نامه را، نقش وزارت صمت به‌عنوان متولی اصلی این طرح و ایجاد هماهنگی میان شرکت‌های فولادی عنوان کرد و گفت: البته سازوکار اجرایی نیازمند مذاکرات بیشتر است و هنوز به مرحله قرارداد نرسیده‌ایم، اما این تفاهم‌نامه را به فال نیک می‌گیریم و مذاکرات آتی را با جدیت دنبال خواهیم کرد.

وی با تاکید بر اینکه این مدل همکاری را می‌توان برای تامین گاز مورد نیاز پتروشیمی‌ها نیز توسعه داد، اظهار کرد: در پایان برنامه هفتم توسعه، هدف‌گذاری شرکت ملی نفت ایران رسیدن به ظرفیت تولید روزانه یک‌میلیارد و ۳۵۰میلیون مترمکعب گاز است. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به اینکه این شرکت در یک سال اخیر ۷ مرتبه رکورد تولید گاز در کشور را شکسته، اما همچنان کشور با ناترازی انرژی روبه‌رو است، گفت: به‌زودی تفاهم‌نامه طرح توسعه میدان گازی مدار نیز با منعقد می‌شود تا بخشی از ناترازی گاز در صنعت فولاد کشور نیز در آینده نزدیک برطرف شود.

ضربه ۲۰میلیون تنی ناترازی به ظرفیت تولیدی فولاد

محمد آقاجانلو، سرپرست هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) نیز در این آیین با بیان اینکه اکنون بیش از ۵۲میلیون تن است و تا پایان سال به ۵۵میلیون تن می‌رسد، گفت: این صنعت هم‌اکنون سالانه به دلیل ناترازی انرژی کمتر از ۳۲میلیون تن تولید دارد. متاسفانه با وجود سرمایه‌گذاری عظیم در این صنعت، بسیاری از شرکت‌ها با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند. این موضوع خسارت بزرگی برای کشور است؛ سرمایه‌ای ملی که بلااستفاده مانده و بهره‌برداری لازم از آن صورت نمی‌گیرد. وی ادامه داد: نکته مهم‌تر اینکه بیش از ۷۰ درصد محصولات صنعت فولاد، به‌عنوان ماده اولیه سایر صنایع استفاده می‌شود، وقتی گاز وارد فرآیند تولید ما نمی‌شود، صنایع عمده‌ای در کشور دچار مشکل می‌شوند. سرپرست هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران با تاکید بر اینکه شرکت‌های اصلی فولادی و معدنی ما اکنون با بحران برق و گاز مواجه و این بحران باعث کاهش حاشیه سود، توقف تولید و عدم بازگشت سرمایه در آنها شده است، افزود: این تفاهم‌نامه قطعا نقطه آغاز یک فعالیت بزرگ است و امیدواریم با همکاری وزارت نفت، بتوانیم گام‌های موثری برداریم.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹
www.marzeghtesad.ir

خردجمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیای‌اقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، ازجمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. درهمین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تاکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسوول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یک‌سو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متاسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌قوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تاکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را ناهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستگاه دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده امور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جزء مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تاکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاه‌داری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود.

ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدردانی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستم. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تاثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسوول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در ترازی جهانی افزود: این رویداد در سال جاری با ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.

غایب تجارت دیجیتال

عرشیا حسن پور - تحولات اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری اهمیت نقش فناوری‌های نوین، دیجیتال‌سازی و ابزارهای هوشمند در توسعه تجارت را نشان می‌دهد.

تحولات اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری اهمیت نقش فناوری‌های نوین، دیجیتال‌سازی و ابزارهای هوشمند در توسعه تجارت را نشان می‌دهد. کشورهایی که توانسته‌اند خود را با این روند همگام کنند، نه‌تنها سهم بیشتری از بازارهای جهانی به دست آورده‌اند، بلکه به مزیت‌های رقابتی پایدار نیز دست یافته‌اند. در این میان، ایران گرچه ظرفیت‌های بالقوه چشم‌گیری در حوزه جغرافیا، ترانزیت، منابع انسانی و بازار داخلی دارد، اما همچنان در تطبیق با روندهای نوین جهانی با چالش‌های جدی روبه‌رو است.

کارشناسان بر این نکته تاکید می‌کند که سهم ایران در تجارت الکترونیک و استفاده از ابزارهای هوشمند نسبت به بسیاری از کشورها پایین است. آنها معتقدند عوامل متعددی از جمله تحریم‌های بین‌المللی، نبود سرمایه‌گذاری کافی، موانع قانونی و محدودیت‌های اینترنت باعث شده ایران از کشورهای همسایه و رقبای منطقه‌ای خود جا بماند. درحالی‌که کشورهایی چون ترکیه و کره‌جنوبی توانسته‌اند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین زنجیره تامین و بازاریابی دیجیتال جایگاه خود را در اقتصاد جهانی ارتقا دهند، ایران هنوز با محدودیت‌های ساختاری و سیاستی دست به گریبان است. این گزارش، ابعاد مختلفی از تجارت نوین جهانی، ابزارهای مالی بین‌المللی، لجستیک، صادرات خدمات و پلتفرم‌های B۲B را در مقابل تجارت ایران بررسی می‌کند و در عین حال راهکارهایی را برای همگام‌سازی کشور با روندهای جهانی پیشنهاد می‌دهد.

در همین راستا، سیامک علی‌پناه، کارشناس امور گمرکی، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: تجارت ایران در اغلب حوزه‌های نوین نسبت به روندهای جهانی عقب‌تر است. به‌عنوان مثال، در بحث تجارت الکترونیک، سهم خرید و فروش آنلاین در ایران تنها حدود ۴ درصد است، درحالی‌که این رقم در کشورهای پیشرفته بسیار بالاتر است؛ ترکیه ۲۰ درصد، انگلستان ۳۶ درصد، کره‌جنوبی ۳۲ درصد و چین با حدود ۴۶ درصد تجارت خود را به صورت الکترونیک انجام می‌دهند. این مقایسه نشان می‌دهد ایران هنوز نتوانسته با استانداردهای جهانی و حتی کشورهای همسایه خود همگام شود.

او ادامه داد: جامانده‌گی ایران در تجارت الکترونیک می‌تواند ناشی از «کمبود سرمایه‌گذاری»، «محدودیت‌های قانونی» و «تحریم‌های بین‌المللی» که ورود کسب‌وکارهای دیجیتال بزرگ را محدود کرده است، باشد. با وجود این، رشد تجارت الکترونیک داخلی پس از همه‌گیری کرونا قابل‌توجه بوده است؛ برای مثال، حدود ۹۰ درصد از بسته‌های پستی توسط کسب‌وکارهای فروش آنلاین منتقل می‌شود.

لجستیک ناکارآمد

علی‌پناه با اشاره به ظرفیت لجستیکی ایران یادآور شد: باید اشاره کرد که ظرفیت توسعه دیجیتال ایران بالا است و موقعیت جغرافیایی کشور و ظرفیت ترانزیتی آن (حدود ۵۰میلیون تن) می‌تواند به رشد تجارت کمک کند، هرچند در حال حاضر تنها حدود ۱۵ تا ۱۶میلیون تن در سال از این ظرفیت استفاده می‌شود.

این کارشناس امور گمرکی توضیح داد: طبق برآوردهای جهانی، بازار تجارت الکترونیک ایران می‌تواند تا نزدیک به ۳میلیارد دلار برسد، یعنی در حدود یک درصد از تولید ناخالص داخلی کشور. باوجود رشد داخلی تجارت الکترونیک، ایران هنوز بازیگر کوچکی در سطح جهانی محسوب می‌شود، چراکه تجارت با چالش‌هایی، شامل «فیلترینگ پلتفرم‌های جهانی»، «محدودیت‌های دسترسی به تبلیغات بین‌المللی» و «مشکلات پرداخت در معاملات برون‌مرزی» همراه است. مساله‌ای که افزایش هزینه‌ها و کاهش رغبت به خرید کالاهای ایرانی را به همراه دارد. هرچند برخی از کالاهای ایرانی به لحاظ کیفی ممکن است جایگاه قابل‌توجهی در دنیا داشته باشند، اما افزایش قیمت این کالاها می‌تواند رغبت به خرید کالای ایرانی را کاهش دهد. این افزایش قیمت که ناشی از بالا رفتن هزینه‌های مالی است، یکی از موانع جدی در مسیر تجارت محسوب می‌شود.

او تاکید کرد: علی‌رغم اینکه کشور از لحاظ لجستیک با مشکلاتی روبه‌رو است و مسائل فیلترینگ و محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی به تجارت ضربه زده است، حتی در صورت رفع فیلترینگ و امکان دسترسی به تمام پلتفرم‌ها، همچنان مشکل نقل و انتقالات مالی یکی از سدهای بزرگ و مانع جدی برای افرادی است که قصد فعالیت در عرصه جهانی و توسعه تجارت را دارند.

علی‌پناه در این رابطه گفت: با توجه به تحریم‌ها، بیشتر شرکت‌ها تلاش می‌کنند از تمامی ظرفیت‌های اکوسیستم دیجیتال جهانی برای توسعه بازارهای تجاری خود استفاده کنند؛ بسیاری از شرکت‌ها از تبلیغات در سکوها برای بازاریابی محتوا و ابزارهای پیشرفته تحلیل داده بهره می‌برند. ایران برای رسیدن به این نقطه، باید موانع داخلی اینترنت را رفع کند و زمینه حضور پلتفرم‌های بین‌المللی و توسعه نمونه‌های قدرتمند داخلی را فراهم سازد. اما اخباری به گوش می‌رسد که به‌واسطه تحریم‌ها، محدودیت‌هایی برای استفاده از گوگل ادز (که یکی از راه‌هایی است که شرکت‌ها می‌توانند از آن برای افزایش فروش و سرعت بخشیدن به فرآیند فروش خود استفاده کنند) ایجاد شده و این مساله، بهره‌گیری از ابزارهای بازاریابی آنلاین را برای صاحبان کسب‌وکاری که قصد توسعه بازار خود را دارند، پیچیده‌تر کرده است.

او توضیح داد: در این میان باید تاکید کرد که نمی‌توان صرفا به یک بازار ۹۰میلیونی داخلی محدود ماند. پلتفرم‌هایی که قصد حضور در عرصه جهانی دارند، باید بتوانند به بازارهای بین‌المللی دسترسی پیدا کنند تا بتوانند با رقبا در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی رقابت کنند. این توانمندی می‌تواند ارزش افزوده قابل‌توجهی ایجاد کند؛ هم تولید ناخالص داخلی افزایش یابد و هم سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و پلتفرم‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور تقویت شود. البته ایران با توجه به ظرفیت‌های داخلی موجود، حتی در سطح منطقه خاورمیانه که نزدیک‌ترین هدف کشور در این حوزه است، می‌تواند موقعیت خود را تثبیت کند و جایگاه مناسبی در تجارت جهانی پیدا کند.

اکتشاف منابع معدنی، به عنوان مرحله‌ای حیاتی و پایه در توسعه معدنی، در سراسر جهان عمدتا توسط بخش خصوصی انجام می‌شود.

فاصله ایران با استانداردهای بین‌المللی

علی‌پناه در ادامه گفت: ایران در زمینه زنجیره تامین هوشمند و لجستیک، نسبت به کشورهای صنعتی و برخی از کشورهای در حال توسعه عقب‌تر است. استفاده از فناوری‌هایی، مانند «اینترنت اشیا»، «ردیابی لحظه‌ای»، «انبارهای خودکار» و «تحلیل داده‌ها» در کشورها منجر به کارآمدتر شدن زنجیره تامین می‌شود. اما در ایران مشکلات سنتی، مانند تاخیر در حمل‌ونقل و عدم‌شفافیت همچنان رایج است. شاخص عملکرد لجستیک (LPI) در سال ۲۰۲۳، رتبه ایران را ۱۲۳ از ۱۳۸ کشور نشان می‌دهد، درحالی‌که ترکیه با موقعیت جغرافیایی مشابه با ایران، در رتبه ۳۰ قرار دارد.

علی‌پناه بیان کرد: یکی از مسائل مهم در تجارت جهانی و رهگیری کالاها استفاده از سامانه‌های استاندارد بین‌المللی، مانند GTIN و GS۱ است که با ۲۸ زبان زنده دنیا می‌توان کالای موردنظر را رهگیری کرد. این سامانه که بالغ بر ۱۵۵ کشور در دنیا عضو آن هستند، توانسته برای هر کالا یک شماره واحد اختصاص دهد و برای تمامی کالاها بارکد بین‌المللی قابل مشاهده باشند. البته ایران نیز پیش از این به عضویت GS۱ درآمده و آن را پذیرفته است. این درحالی است که تجارت در ایران همچنان به‌صورت سنتی و بدون این دو سامانه صورت می‌گیرد. در این میان باید اشاره کرد که در ایران تاکنون بالغ بر ۶میلیون کالا ثبت شده است و با توجه به اینکه در دنیا، روزانه بیش از ۶میلیارد تراکنش با این سامانه صورت می‌گیرد و با توجه به تفاهم‌نامه‌ای که در سال ۲۰۱۹ میان سازمان جهانی گمرک و GS۱ منعقد شده، به نظر می‌رسد ایران لازم است در این حوزه فعالیت بیشتری از خود نشان دهد. او ادامه داد: GS۱ قابلیت دارد که کالایی که ثبت شده است را به راحتی به ۲۸ زبان زنده دنیا معرفی کند. به‌عنوان مثال، اگر فرش ایرانی، زعفران و دیگر کالاهای مصنوعی ایرانی، بارکد GS۱ داشته باشند، مصرف‌کنندگان نهایی در ژاپن یا هر کشور دیگری می‌توانند با استفاده از کد بارکد، اطلاعات کامل آن کالا را مشاهده کنند؛ اطلاعاتی شامل زمان تولید، نوع کالا، شرکت تولیدکننده، کشور سازنده و کارخانه‌ای که محل تولید کالا را معرفی می‌کند.

علی‌پناه توضیح داد: ایران در حوزه استفاده از ابزارهای مالی هوشمند و فین‌تک وضعیت متفاوتی دارد. از یک سو، کشور در پرداخت‌های الکترونیک داخلی پیشرفت قابل‌توجهی داشته است. در واقع شبکه بانکی توانسته طی سال‌ها خدمات خود را دیجیتالی کرده و بر بسترهای الکترونیک و وب‌سرویس ارائه دهد و اکنون حدود ۹۰ درصد تراکنش‌های خرید اینترنتی از طریق درگاه‌های پرداخت الکترونیک انجام می‌شود؛ به عبارتی ضریب نفوذ کارت‌های بانکی و موبایل‌بانک در ایران بسیار بالا است و شرکت‌های فین‌تک متعددی در حوزه پرداخت و کیف پول دیجیتال فعال شده‌اند. با این حال، عدم اتصال به شبکه‌های مالی بین‌المللی به دلیل تحریم‌ها مانع اساسی شده و مفهوم ابزار مالی هوشمند در تجارت خارجی را برای ایران کمرنگ کرده است.

او ادامه داد: در عصر حاضر، مبادلات مالی در تجارت بین‌الملل با ابزارهایی مانند سوئیفت، پلتفرم‌های پرداخت جهانی، فناوری‌های بلاک‌چین در زنجیره تامین مالی و هوش مصنوعی در ارزیابی ریسک اعتباری انجام می‌شود، اما ایران به دلیل مشکلات مربوط به لوایح پالرمو و CFT و همچنین تحریم‌ها، اغلب دسترسی به این ابزارها را ندارد و حتی رفع کامل تحریم‌ها نیز به تنهایی نمی‌تواند تجارت مالی ایران را به سطح مطلوب برساند و مسائل قانونی و اجرایی نیز باید مورد بررسی قرار گیرند تا قابلیت عملیاتی شدن این ابزارها فراهم شود. به همین دلیل، زیرساخت‌های بانکداری کشور باید با استانداردهای روز، ارتقا یابد تا بتوان از ابزارهای مالی پیشرفته در سطح بین‌المللی بهره‌مند شد.

او تاکید کرد: شکاف بزرگی میان ایران و روندهای معمول جهانی در بحث تجارت خدمات وجود دارد. سهم خدمات در تجارت خارجی جهان رو به افزایش است و بیش از یک‌چهارم تجارت جهانی را خدماتی، همچون «گردشگری»، «حمل‌ونقل»، «خدمات فنی و مهندسی» و «فناوری اطلاعات» تشکیل می‌دهد. کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورها مانند هند و ترکیه، بخش قابل‌توجهی از درآمد صادراتی خود را از محل صادرات خدمات، از جمله توریسم و خدمات ICT، به دست می‌آورند. در ایران نیز بخش خدمات بیش از نصف تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهد، اما در عرصه صادرات غیرنفتی، وزن خدمات بسیار پایین‌تر است. به عنوان مثال، پیش از دوره جدید تحریم‌ها و فشارهای شدید تحریمی، گردشگری ورودی به ایران رشد قابل‌توجهی داشت؛ در سال‌های ۲۰۱۷، درآمد گردشگری برای کشور حدود ۴.۸میلیارد دلار برآورد شد. اما پس از تشدید تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا، این حوزه به شدت افول کرد. در این شرایط، صادرات خدمات فنی و مهندسی نیز به چند کشور همسایه محدود شد و اهداف خدمات مدرن دیجیتال، مانند برون‌سپاری IT یا استارت‌آپ‌های بین‌المللی، تقریبا محقق نشد. «عدم حضور پلتفرم‌های جهانی»، «مشکلات انتقال پول» و «نبود برندهای خدماتی بین‌المللی ایرانی» از عوامل اصلی جاماندگی در این حوزه محسوب می‌شوند.

غایب بزرگ در پلتفرم‌های B۲B

این کارشناس امور گمرکی در بخش دیگری از توضیحات خود گفت: ایران در زمینه تجارت در قالب پلتفرم‌های B۲B نسبت به عرصه تجارت بین‌الملل شرایط مناسبی ندارد. ارزش تجارت B۲Bآنلاین در جهان بالغ بر ده‌ها تریلیون دلار است و شرکت‌هایی مانند «علی‌بابا» و «آمازون» شبکه‌های تامین جهانی و کسب‌وکارها را مستقیما به هم متصل می‌کنند. اما بنگاه‌های ایرانی به دلیل تحریم‌ها و مشکلات نقل و انتقالات بانکی و مالی، عملا از این بازار جهانی محروم مانده‌اند. البته باید اشاره کرد که در داخل کشور تلاش‌هایی صورت گرفته تا پلتفرم‌های B۲B توسعه یابند، اما این نمونه‌ها در مقیاس و کارایی، قابل قیاس با نمونه‌های جهانی نیستند. نتیجه آن شده که تجارت B۲B ایران هنوز به روش‌های سنتی انجام می‌شود؛ یعنی بر اساس مذاکرات حضوری، شرکت در نمایشگاه‌ها و واسطه‌های آفلاین. البته این روش‌ها هنوز فعال هستند و حتی کشوری که بین رتبه سوم تا چهارم تولید ناخالص داخلی جهان قرار دارند و نیز هنوز از این روش‌های سنتی استفاده می‌کنند.

او تاکید کرد: برای حل این مساله، پس از عادی‌سازی روابط خارجی یا رفع تحریم‌ها، حضور کسب‌وکارهای ایرانی در بازارهای بین‌المللی پررنگ‌تر خواهد شد و امکان شکل‌گیری پلتفرم‌های B۲B منطقه‌ای با مشارکت ایران فراهم می‌شود. این امر به شرکت‌های داخلی اجازه می‌دهد محصولات خود را به دنیا عرضه کنند. ایجاد یک پلتفرم B۲B در منطقه خاورمیانه با همکاری کشورهای همسایه، می‌تواند امیدبخش باشد و مسیر حضور ایرانی‌ها در پلتفرم‌های B۲B جهانی را هموار کند و به تدریج جایگاه آنها را در تجارت بین‌الملل تقویت کند.

او یادآور شد: در سوی دیگر باید اشاره کرد که در زمینه مدرن‌سازی تجارت و ایجاد شبکه‌های تامین و زنجیره‌های تامین استفاده از ابزارهای بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد. سازمان تجارت جهانی با ایجاد مرکز بین‌المللی تجارت (International Trade Centre) امکان دسترسی، سهولت، سرعت و کاهش هزینه‌های حضور در بازارهای بین‌المللی را برای کشورهای در حال توسعه و بنگاه‌های کوچک و متوسط فراهم کرده و مخاطرات ناشی از ارتباطات سنتی را به حداقل می‌رساند.

علی‌پناه گفت: در حال حاضر، مرکز بین‌المللی تجارت (WTO) با ارائه ابزارهای پیشرفته، این محدودیت‌ها را کاهش داده است. در ابتدا، تمرکز WTO بیشتر روی مذاکرات دولت با دولت (G۲G) بود، اما با شناسایی نقطه ضعف، این فعالیت‌ها به حوزه B۲B و B۲C نیز گسترش یافت تا خدمات به بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) کشورهای در حال توسعه ارائه شود. ابزارهای این مرکز داده‌های بسیار قابل اعتماد و دقیقی را بر اساس آمار و اطلاعات گمرکی کشورهای عضو WTO فراهم می‌کنند. این ابزارها سنجش وضعیت بازار، رقبا، جریان تجارت کالا در کشورهای مختلف و تطابق فرهنگی و اقتصادی کالای موردنظر را فراهم می‌کند. او توضیح داد: ابزارهای بین‌المللی امکان شناسایی بازارهای نوظهور، رشد واردات، خریداران بالقوه، جریان تجاری بین کشورها، ارزش‌گذاری کالا، وضعیت رقابت و تغییرات تقاضا در طول سال را فراهم می‌کنند. این امر به ویژه برای دسترسی به بازارها حیاتی است؛ بدون اطلاع از شرایط دسترسی به بازار هدف، تجارت بین‌الملل عملا شبیه به شرط‌بندی می‌شود و موفقیت پایدار تضمین نمی‌شود.علی‌پناه در پایان گفت: از طریق پلتفرم Market Access Map، می‌توان موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را شناسایی و راهکارهای عبور از آنها را برنامه‌ریزی کرد. الزامات حقوقی و قانونی، میزان تعرفه‌های اعمال‌شده، امکان استفاده از مزایای ترجیحی و کاهش هزینه‌ها از جمله موارد قابل بررسی در این پلتفرم هستند. تجار بدون آگاهی از این موارد، پس از ورود به بازار با شکست مواجه می‌شوند، اما با استفاده از ابزارها، استانداردهای تولید، بسته‌بندی، برچسب‌گذاری و قواعد مبدا قابل پیش‌بینی و رعایت است.

تجارت آزاد ایران و اوراسیا؛ پلی به سوی توسعه

مشاور امور بین‌الملل و توافق‌نامه‌های تجاری سازمان توسعه تجارت ایران اجرایی شدن «موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور اتحادیه اوراسیا» را یکی از دستاوردهای مهم دولت چهاردهم در عرصه تجارت برشمرد.

به گزارش سازمان توسعه تجارت، میرهادی سیدی افزود: بعد از سال‌ها مذاکره توسط سازمان توسعه تجارت ایران، سرانجام موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا، شامل روسیه، بلاروس، قرقیزستان، قزاقستان و ارمنستان در بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال جاری به طور رسمی اجرایی شد. با اجرای این موافقتنامه، اکثر کالاها از ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بدون پرداخت تعرفه گمرکی صادر می‌شوند.وی با اشاره به موافقتنامه تجارت ترجیحی که از پنجم آبان سال ۱۳۹۸ میان ایران و این پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا اجرا شده بود، گفت: اجرای این توافق‌نامه نیز تاثیرات مثبتی در جهت افزایش تجارت فی مابین ایجاد کرده بود؛ به‌طوری‌که طی این پنج سال در مجموع صادرات ایران به پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا بیش از سه برابر افزایش یافته و از ۶۰۰میلیون دلار، به حدود ۲میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. مشاور امور بین‌الملل سازمان توسعه تجارت ایران همچنین ابراز امیدواری کرد: اجرای این موافقت‌نامه زمینه گسترده‌تری برای افزایش تجارت میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا فراهم کند.

فرونشست خزنده در یزد

سالانه بخش‌هایی از ایران تا ۴۳ سانتی‌متر پایین می‌روند و پدیده‌ای خاموش با عنوان فرونشست، زیرساخت‌ها، کشاورزی و حتی امنیت آب کشور را تهدید می‌کند.

اما وضعیت این پدیده در یزد جهانی، متفاوت‌تر از سایر نقاط شده و فرونشست‌های خطرناک در برخی نقاط بافت تاریخی یزد هم دیده شده که بخش کوچکی از این فرونشست‌هاست و با تداوم خشکسالی‌ها و کاهش بارندگی‌ها هر روز بیشتر از قبل مشاهده می‌شود.

کم‌بارش‌ترین استان در ۳۹ سال گذشته

اداره آب منطقه‌ای استان یزد به تازگی اعلام کرده که متوسط بارندگی سالانه این استان براساس آمار ۳۹ ساله (منتهی به سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۲) حدود ۹۶.۴ میلی‌متر است که کمترین مقدار بارش متوسط سالانه را بین استان‌های کشور دارد و این یعنی خشک شدن سفره‌های زیرزمینی و تداوم روزافزون فرونشست و فروچاله‌ها در این نقطه از کویر ایران.

مدیرعامل آب منطقه‌ای یزد در این باره گفت: با توجه به کاهش بارندگی‌های استان و برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی و بیلان منفی آبخوان‌ها پدیده فرونشست در دشت‌های استان اتفاق می‌افتد.

جواد محجوبی با بیان اینکه سالانه به طور متوسط ۲۴۰میلیون مترمکعب کسری آبخوان‌های استان است، افزود: پدیده فرونشست باعث متراکم شدن سفره‌های آب زیرزمینی می‌شود و حتی در صورت بارندگی‌های مطلوب، آبخوان‌ها دچار فرونشست شده و نفوذپذیری و امکان تغذیه را از دست می‌دهند.

وی تصریح کرد: در صورت بارندگی در مناطق دچار فرونشست، سیلاب و روان آب‌هایی ایجاد می‌شود چون عملا مرگ آبخوان اتفاق افتاده است.

مدیرعامل آب منطقه‌ای یزد خاطرنشان کرد: تغییرات کمی و کیفی آبدهی چاه‌ها از عوامل دیگر ناشی از برداشت‌های بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی است که موجب حرکت سفره‌های شور به سمت سفره‌های شیرین و در نتیجه شور شدن بیش از اندازه آب چاه‌ها و از دست رفتن کیفیت آنها می‌شود. وی همچنین با بیان اینکه کاهش آبدهی چاه‌های صنعت و خدمات، شرب و بهداشت و کشاورزی از دیگر عوامل برداشت بی‌رویه از آبخوان‌هاست، یک از راهکارهای جلوگیری از فرونشست را مدیریت مصرف و اجرای سند سازگاری با کم‌آبی و طرح تحویل حجمی اعلام کرد.

فرونشست زمین؛ خزنده و برگشت‌ناپذیر

در همین زمینه، مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای یزد هم گفت: تاکنون فرونشست زمین در ۹ دشت استان یزد شامل دشت‌های یزد - اردکان، هرات، ابرکوه، مروست، چاهک- شهریاری، دهشیر، شمش - بهادران، کویر ابرکوه و بافق ایجاد شده است و اگر روند فعلی برداشت آب از آبخوان‌ها ادامه یابد، دیگر دشت‌های استان نیز با این پدیده مواجه خواهند شد.محمدعلی امیربیکی افزود: نشست یا فرونشست زمین، پدیده‌ای است که در اثر خالی‌شدن آب لایه‌های زیرین زمین و در نتیجه پوکی خاک و فشار ناشی از وزن طبقات بالایی رخ می‌دهد و این پدیده باعث می‌شود که سطح زمین به تدریج و در برخی موارد به شکل ناگهانی، فرو نشیند و ترک‌ها، شکاف‌ها یا فروچاله‌هایی در سطح زمین پدیدار شود.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹

عراقچی: ورزش جایگاه مهمی در سیاست خارجی ما دارد

عرفان حمیدی – دکتر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، صبح دیروز شنبه (۸ شهریور ماه) به دعوت دکتر دنیامالی در جمع مسئولان و مدیران ورزشی حاضر شد تا شنونده دغدغه‌ها و مطالبات آنها در خصوص مباحث حوزه دیپلماسی ورزش کشور باشد.

نشست مشترک وزیر ورزش و جوانان و وزیر امور خارجه با رؤسای فدراسیون‌های ورزشی، به منظور پیگیری و تسهیل در روند امور بین‌الملل این حوزه برگزار شد.

دکتر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، صبح دیروز شنبه (۸ شهریور ماه) به دعوت دکتر دنیامالی در جمع مسئولان و مدیران ورزشی حاضر شد تا شنونده دغدغه‌ها و مطالبات آنها در خصوص مباحث حوزه دیپلماسی ورزش کشور باشد. دکتر احمد دنیامالی ضمن خیرمقدم به وزیر امورخارجه برای حضور در نشست هم اندیشی با رؤسای فدراسیون‌های ورزشی، صحبت‌هایش را با اشاره به دفاع ۱۲روزه اخیر آغاز کرد.

وی در این رابطه گفت: «در روزهایی که دشمن صهیونی به خاک کشورمان تجاوز کرد، بسیاری از تیم‌های ملی در خارج از کشور مشغول انجام مسابقه بودند و به دلیل لغو پروازها شـــرایط بازگشـــت به میهن را نداشـــتند. مسئولان وزارت امور خارجه اما در این روزهای سخت فعالیت ویژه‌ای داشتند و تمام تلاششان را به کار گرفتند تا همسو با جامعه ورزش موانع را برطرف کنند. فدراسیون‌های ورزشی، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک در این دفاع ۱۲روزه چه در میان مردم و چـــه در صحنه‌هـــای بین‌المللی رقابت و مبـــارزه، نقش مؤثری را در اعتراض به جنایات رژیم ایفا کردند. اما ما لازم می‌دانیم برای هماهنگی‌های هر چه بهتر و حضور در مجامع جهانی، ارتباط بیشتری را با وزارت امور خارجه داشته باشیم چراکه معتقدیم جایگاه دیپلماسی ورزشی به قدری بااهمیت است که در چنین مواقعی به ارتقای موقعیت جایگاه دیپلماسی کل کشور هم کمک می‌کند.»

وی با بیان اینکه یکی از معضلات اصلی و مهم فدراسیون‌های ورزشی عدم صدور روادید ورزشکاران است، در خصوص رویدادهای مهمی که پیش‌روی ورزش ایران است، توضیح داد: «بازی‌های آسیایی جوانان بحرین و بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ریاض، مسابقات مهمی است که امسال ما در قالب رویداد چندرشـــته‌ای و به صورت کاروانی در پیش داریم. برای بازی‌های ریاض نگرانی نداریم چراکه رایزنی‌های لازم با سفیر عربستان انجام شده است.

در مورد بحرین هم انتظارمان این اســـت که بیشتر از ظرفیت وزارتخانه بهره‌مند شویم تا ورزشکارانمان با آسودگی خیال تنها به فکر اهتزاز پرچم کشورمان باشند.»

در این نشســـت «سیدعباس عراقچی» وزیر خارجه کشورمان در سخنانی با بیان اینکه «ورزش به‌خصوص ورزش قهرمانی جایگاه ویژه و مهمی در سیاســـت خارجی هر کشـــوری دارد»، اظهار داشت: «به طور خلاصه هدف سیاست خارجه در تمام کشورها سه مسأله است؛ کمک به امنیت ملی کشور، تأمین منافع ملی کشور و همچنین حفظ و ارتقای عزت و حیثیت و منزلت کشـــور. کشـــورها در ارتباط با توسعه ورزش در کشورشان ســـرمایه‌گذاری می‌کنند تا بتوانند جایگاه مهمی در ورزش کسب کنند چراکه این جایگاه در موقعیت آنها در عرصه بین‌الملل تأثیرگذار است. بر این اساس است که در ورزش سرمایه‌گذاری می‌کنند تا بتوانند جایگاه‌های مهم را در این عرصه به دســـت بیاورند. شـــما می‌بینید که در مســـابقات المپیک بر سر یک مدال چه رقابتی وجود دارد چراکه همان یک مدال و نوع آن می‌تواند جایگاه یک کشـــور را در جدول مســـابقات تغییر دهد و باعث افزایش حس منزلت آن کشور در عرصه بین‌المللی شود.»

میزبانی ایران در مســـابقات بین‌المللی، به‌کارگیری بیشـــتر از ظرفیت سفرای ایران در کشورهای اروپایی و آسیایی به هنگام مسابقات ورزشکاران ایرانی در کشورهای مربوطه، برطرف کردن موانع احتمالی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶، برگزاری رقابت‌های جام دیپلمات‌ها، اعزام مربیان تراز اول ایرانی به خارج از کشور برای قبول مســـئولیت در سطوح مختلف این حوزه و پیشـــنهادی برای رفع مشکلات نقدی تیم‌های ورزشی در خارج از کشـــور، ازجمله موضوعاتی بـــود که رئیس و دبیرکل کمیته ملی المپیک و رئیـــس کمیته ملی پارالمپیک و رؤســـای فدراســـیون‌های کشـــتی، تکواندو، فوتبال و ورزش‌های آبی و شطرنج در این نشست خطاب به دکتر عراقچی مطرح کردند.

وزیر ورزش و جوانان در بخشی از صحبت‌های خود در نشست مشترک با وزیر امور خارجه و فدراسیون‌های ورزشـــی، به راه‌اندازی کمیته تخصصی دیپلماسی ورزشی در قرارگاه ورزش نیز اشاره کرد که در پایان جلسه اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه به عنوان مسئول این کمیته منصوب شد. نشست مشترک وزیر امور خارجه با رؤسای ورزشی در حالی خاتمه پیدا کرد که یک شال پهلوانی به دکتر عباس عراقچی اهدا شد.

غیرممکن است که امریکا به کاروان ما ویزا ندهد
عراقچی: تیم ملی صعود کند، ویزا با ما

یکی از بزرگترین دغدغه‌های فعلی فدراسیون فوتبال و هواداران تیم ملی فوتبال ایران پیش از جام جهانی ۲۰۲۶، موضوع ابلاغیه ممنوعیت ســـفر به امریکا از ســـوی رئیس‌جمهور این کشور است که برخی کشورها از جمله ایران را شامل می‌شود. با این حال طبق قوانین فیفا، هیچ دولتی حق عدم صدور روادید به ورزشکاران کشـــور حاضر در جام جهانی را ندارد و امریکا چاره‌ای جـــز صدور روادید برای اعضای تیم ملی ایران نخواهد داشت و این مسأله، بیشتر گریبانگیر هواداران ایرانی و رسانه‌هایی که به دنبال حضور در جام جهانی هستند می‌شود. عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در روزهای شلوغ خود، راجع به شرایط حضور تیم ملی ایران در امریکا به ایرنا گفت: «تا جایی که می‌دانم بازی‌های ما در دور مقدماتی در مکزیک برگزار می‌شـــود و این بحث فعلاً موضوعیت ندارد. زمانی که بحث عدم صدور ویزا را مطرح کردند، گفتند که این موضوع شامل حال ورزشـــکاران و تیم‌های ورزشی نمی‌شود. خیلی بعید می‌دانم که این اتفاق رخ بدهد. این یک آبروریزی بزرگ برای دولت امریکا است که به تیم ملی ایران، آن هم بعد از صعود مقتدرانه به جام جهانی روادید ندهد. تقریباً غیرممکن اســـت که به کاروان ما ویزا ندهند. شـــما دعا کنید تیم ملی از مرحله اول بالا بیاید، ویزای امریکای بازیکنان و کادرفنی با ما.»

عراقچی در خصوص وضعیت دیپلماسی ورزشی در کشور افزود: «یک روز دیگر در این مورد صحبت‌هایی جامع را انجام می‌دهم. من ســـال‌ها روی این موضوع کار کرده‌ام و به نظرم دیپلماســـی ورزشی برای تعامل با ســـایر کشورها می‌تواند کمک بسیاری به ما کند. به شخصه همیشه از این موضوع استقبال کرده‌ام.» پرسش بعدی از وزیر امور خارجه کشـــورمان، عضویت ایشان در هیأت‌رئیسه فدراسیون بدنسازی بود. عراقچی تأکید کرد که در این فدراسیون هیچ سمتی ندارد: «من همان زمان که وزیر شدم، استعفا کردم.»

کاپیتان تیم ملی در اتریش

پس از مدت‌ها شایعه و گمانه‌زنی در خصوص آینده علیرضا جهانبخش، تابستان طولانی بازیکن باتجربه ایرانی رو به پایان است چرا که این کاپیتان تیم ملی ایران در آستانه پیوستن رسمی به باشگاه پرافتخار اتریشی، راپید وین قرار دارد. او که فصل گذشته پیراهن تیم هیرنفین هلند را بر تن داشت، اکنون در اردوی تیم ملی حضور دارد و در مراحل پایانی عقد قرارداد با این باشگاه واقع در وین به سر می‌برد. این انتقال از این نظر بسیار جالب توجه است که راپید وین را می‌توان یکی از برجسته‌ترین باشگاه‌های فوتبال اتریش دانست؛ این تیم هرگز سقوط نکرده و همراه با استریا، تنها باشگاهی در اتریش است که همواره در بالاترین سطح باقی مانده است. علاوه بر این، سابقه حضور در دو فینال جام برندگان جام اروپا (۱۹۸۵ و ۱۹۸۶) هم در کارنامه این باشگاه دیده می‌شود.

جهانبخش به‌عنوان بازیکن آزاد از لیگ هلند جدا شده و تصمیم گرفته است فصل جدید را در اتریش دنبال کند. او با پیوستن به سبز و سفیدها، به جمع بازیکنان بسیار متنوعی ملحق خواهد شد؛ بیشتر آنها اتریشی هستند، اما بازیکنانی از بوسنی‌وهرزگوین، مالی، فرانسه و غنا نیز در این ترکیب حضور دارند. در گذشته، چهره‌های مشهوری برای ایرانیان نیز سابقه حضور در راپیدوین را داشته‌اند یکی از آنها زلاتکو کرانچار بود؛ سرمربی سابق سپاهان و تیم امید ایران. همچنین فرهاد مجیدی، ستاره شناخته‌شده فوتبال ایران در ابتدای دوران لژیونر بودن خود مدتی در این باشگاه اتریشی بازی کرد.

معمای بزرگ آسنسیو

بازار نقل و انتقالات تابســـتانی هنوز در آستانه بسته شدن قرار دارد و شـــرایط مارکو آسنسیو، مهاجم اسپانیایی پاری‌سن‌ژرمن، همچنان پیچیده است. از زمانی که آسنسیو از سوی لوئیس انریکه سرمربی پی.اس.جی، از فهرست تیم کنار گذاشته شـــده است، او تلاش دارد تا باشگاهی جدید پیدا کند. در حالی کـــه تنها چند روز به پایان پنجره نقل و انتقالات باقی مانده، پاریس همچنان روی درخواســـت ۱۵ میلیون یورویی خود برای فروش آسنسیو پافشاری می‌کند؛ رقمی که تاکنون هیچ باشگاهی نتوانسته به آن دست یابد.

آسنسیو که در ابتدای فصل به عنوان بازیکن ثابت در ترکیب پاری‌سن‌ژرمن حضور داشت، به دلیل مصدومیت‌ها و ظهور بازیکنانی همچون بارکولا و دوئه، در نهایت تصمیم به جست‌وجوی فرصت جدیدی گرفت. در حالی که استون ویلا اخیراً به شدت به جذب این بازیکن علاقه نشان داده، اما این باشگاه همچنان از پرداخت مبلغ درخواســـتی پاری‌سن‌ژرمن، به‌ویژه به‌خاطر حقوق سنگین آسنسیو، خودداری کرده است. مهاجم اسپانیایی در حال حاضر حقوقی بالغ بر ۱۰.۶ میلیون یورو در فصل دریافت می‌کند که این موضوع برای تیم‌های علاقه‌مند به جذب وی، چالش برانگیز است.

پاری‌سن‌ژرمن به هیچ وجه حاضر به کاهش قیمت خود نیست و همچنان باور دارد که ۱۵ میلیون یورو برای فروش آسنسیو قیمت مناســـبی اســـت. این مبلغ، به گفته منابع نزدیک به باشگاه، منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد، به‌ویژه که آسنسیو هنوز در اروپا از اعتبار بالایی برخوردار است. در گذشته، فصلی پرثمر در استون ویلا برای آسنسیو رقم خورد و او به نظر می‌رسید که مقصد بعدی خود را پیدا کرده است، اما اختلافات مالی و مبلغ درخواستی پی.اس.جی باعث شد تا این انتقال شکست بخورد.

در حالی که آسنســـیو همچنان در کمپ تمرینی پاریس در پواســـی مشغول تمرین و منتظر پیشنهادات جدید است، وضعیت آینده او هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. تنها چهار روز به بســـته شـــدن پنجره نقل و انتقالات باقی مانده و پاری‌ســـن‌ژرمن امیدوار است که بتواند راه‌حلی برای فروش این بازیکن پیدا کند. استون ویلا به عنوان آخرین باشگاهی که علاقه خود را اعلام کرده، هنوز در برابر قیمت درخواســـتی باشـــگاه پاریسی مقاومت نشان می‌دهد. در صورت عدم توافق، آسنسیو احتمالا باید تا ژانویه منتظر بماند تا فرصت جدیدی برای پیوستن به تیمی دیگر پیدا کند.

در نهایت، بازار آسنسیو به نظر می‌رسد که به یک معما تبدیل شده باشد و باید منتظر ماند و دید که در روزهای پایانی بازار تابستانی، این پازل چگونه تکمیل خواهد شد.

منصور برزگر: کشتی نباید شهریه بگیرد

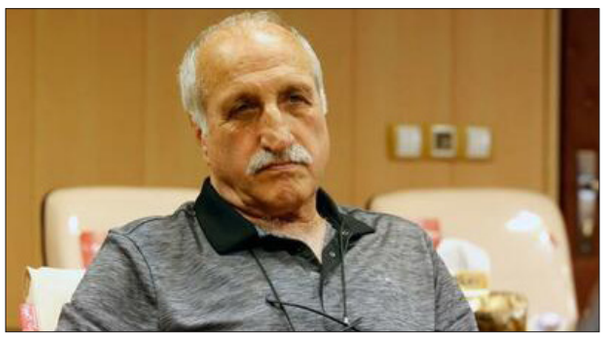

فینال جشنواره خردسالان سال ۱۴۰۴ کشتی آزاد تهـــران به نام منصور برزگر برگزار شـــد. این مســـابقات در حالی به میزبانی ســـالن هفتم تیر برگزار شد که منصور برزگر خودش هم در سالن مسابقات حضور داشت. بعد از پایان این رقابت‌ها منصور برزگر با توجه حضور نونهالان و خردسالان زیـــادی در این رقابت‌ها گفـــت: «الان آمار نفرات فعال در کشـــتی بالا رفته اما به‌صورت کلی تنها اشـــکالی که در این برنامه‌ها می‌بینم این است که به کشتی نباید دید درآمدزایی داشته باشیم و صرفاً نگاه‌مان باید ســـرمایه‌گذاری باشد. کشتی فوتبال نیست و اصولاً قشر ضعیف سراغش می‌آیند. این شـــهریه‌ها سرسام‌آور اســـت و نمی‌دانم چه فکری می‌خواهند بکنند. زمانی که ما ورزش می‌کردیم تمام این مراکز دولتی بود اما الان به بخش خصوصی واگذار شده است.»

برزگر در ادامه با انتقاد از جایگاه کشتی تهران در مسابقات قهرمانی کشور ادامه داد: «در گذشته هیچ وقت امتیاز تهران و مرکزی را در مسابقات قهرمان کشوری حساب نمی‌کردند که استان‌های دیگر مثل مازندران و کرمانشاه روی سکو بروند ولی الان که حساب می‌کنند گرفتن مقام اولی برای تهران سخت شده است. به کشتی باید دید المپیکی داشت که ما هیچ‌وقت در ورزش کشورمان چنین دیدی نداشتم. کشورهایی که در مجموع از ما عقب‌ترند، اما در المپیک از ما پیشی می‌گیرند.»سربی اسبق تیم ملی کشتی آزاد در خصوص برنامه‌ریزی برای رده سنی خردسالان گفت: «عمر کشتی بین ۱۰تا۱۵ سال است و این به من ثابت شده، اگر زود شروع کنی، زود هم دوره کشتی‌ات تمام می‌شود. به بچه خردسال و نوجوان نباید فشار آورد. عسگری و همکارانش در هیأت زحمت می‌کشند ولی باید حواس‌شان باشد که در رده‌های سنی پایه فشار زیادی وارد نشود. ما نه‌تنها در کشتی بلکه در استعدادکشی نابغه‌ایم و به نحو احسنت از داشته‌هایمان استفاده نمی‌کنیم. بچه‌های ما ذاتاً باهوشند اما از آن بهره‌برداری نمی‌شود. باید گروه استعدادیابی داشته باشیم. باید به‌صورت خاص برای رده‌های ســـنی خردســـال و نونهال مربی تربیت کنیم. مربی‌ای که با تمریناتش جلوی رشـــد بچه را نگیرد. در این رده سنی ما قهرمان المپیک و جهان نمی‌خواهیم، مهم پرورش کشتی‌گیر است. یعنی باید مربی طوری برنامه‌ریزی کند که این بچه‌ها در ۱۷-۱۶سالگی به فکر قهرمانی باشـــند نه ۱۲-۱۰سالگی که اوج رشد بچه اســـت.»نایب قهرمان المپیک ۱۹۷۶ مونترال و قهرمان سال ۱۹۷۳ جهان درخصوص ضایعه درگذشت دو بزرگ کشتی در هفته‌ای که به روز ملی کشتی منتهی می‌شد، ادامه داد: «ما در روزهای گذشته دو تن از ستاره‌هایمان را از دست دادیم و واقعاً جای تأسف است. البته این شتری است که بر در خانه همه می‌خوابد و هیچ رقمه هم نمی‌شود جلوی آن را گرفت.

محرومیت بر پایه هیچ؟!

۱- باکیچ چطور در ترکیه تست داد؟

اواســـط اردوی پیش‌فصل پرسپولیس در ترکیه باشـــگاه با ماریو باکیچ توافق کرد و این بازیکن برای تســـت پزشکی معرفی شد. باشـــگاه به کادر پزشکی اعلام کرد از این بازیکن تست پزشکی گرفته شود تا قراردادش منعقد شود. به همین خاطر رئیس گروه پزشـــکی با پزشک تیم هماهنگی‌های لازم را انجام داد و پزشک پرسپولیس دو روز بعد در بیمارســـتانی در ترکیه تســـت‌های لازم از این بازیکن را گرفت. تست کامل ام‌آرآی، تست‌های خونی، معاینه ارتوپدی و معاینه قلب از این بازیکن انجام شد.

گفتنی اســـت تست‌های خونی برای تشـــخیص دو بیماری انجام می‌شود؛ هپاتیت و ایدز، اما این تســـت‌ها در ایران فقط از بازیکنان خارجی گرفته می‌شود و تست پزشکی بقیه بازیکنان شامل معاینه ارتوپدی، نوار قلب، اکو و تست ورزش می‌شود.

با این حال تیم پزشـــکی پرســـپولیس برای اطمینان از شرایط باکیچ از این بازیکن تســـت عملکردی هم گرفت. این تســـت در زمین تمرین و به مدت بیست دقیقه از این بازیکن گرفته شد تا با توجه به نتایج ام‌آرآی او از همه چیز درباره این بازیکن اطمینان حاصل شود.

۲- چرا از اوریه تست نگرفتند؟

چند روز بعد سرژ اوریه در اردوی ترکیه به تمرینات پرسپولیس پیوست و مثل باکیچ، کادر پزشکی برای هماهنگی جهت تست در ترکیه اقدام به انجام تست کرد اما از آنجایی که روزهای آخر اردو بود افشـــین پیروانی مدیر تیم اعلام کرد نیازی به تســـت پزشکی نیست و این کار در تهران انجام خواهد شد چرا که اوریه باید چند روزی تمرین کند و هنوز معلوم نیست کادرفنی این بازیکن را تأیید کند.

ســـپس تیم پرسپولیس با هواپیمای چارتر به فرودگاه مهرآباد تهران رسید اما اوریه کـــه از قبـــل بلیت دبی گرفته بود از همانجا به فرودگاه امـــام(ره) رفت و دو روز بعد به تهران برگشت.

دو روز بعد از بازگشت اوریه به تهران هم تست پزشکی کلیه بازیکنان تیم پرسپولیس در ایفمارک گرفته شـــد که مثل همه تیم‌های لیگ برتری ملزم به انجام این تســـت‌ها بودند و در این تست‌ها بود که مشخص شد این بازیکن هپاتیت دارد.

۳- احتمالاتی برای تست ندادن در ترکیه

اینکه چرا اوریه قبل از امضای قرارداد تســـت پزشـــکی نداده در نوع خود عجیب و برای هواداران پرسپولیس سؤال است.

در این باره دو احتمال مطرح می‌شـــود. یکی اینکه چـــون اوریه تقریباً معروف‌ترین بازیکن خارجی است که تا به حال به ایران آمده، باشگاه پرسپولیس قصد داشت قبل از دخالت دلالان و واســـطه‌ها با او قرارداد ببندد. ظاهراً پرسپولیس با مبلغ بسیار مناسبی این بازیکن را به خدمت گرفته و مدیران باشگاه می‌ترسیدند که با از دست دادن زمان، رقم قرارداد این بازیکن تغییر کند.

دوم اینکه در آن مقطع باشـــگاه بشـــدت تحت فشـــار هواداران بود و رونمایی از این بازیکن شـــناخته شده و صاحب رزومه می‌توانســـت مدیران باشگاه را تا حدودی از زیر فشار خارج کند.

نکته اینجاست که حتی اگر در ترکیه یا تهران و قبل از امضای قرارداد از این بازیکن تست پزشکی گرفته می‌شد هم شرایط تغییر چندانی نمی‌کرد چراکه ماجرای محرومیتی که برای خرید خارجی سرخ‌ها به وجود آمد در آن صورت هم برقرار بود.

در واقع مطمئناً حتی بعد از تحقیقات تیم پزشـــکی پرســـپولیس درباره بیماری این بازیکن و با علم به اینکه هیچ منعی برای فعالیت بازیکن هپاتیتی وجود ندارد پرسپولیس با اوریه قرارداد می‌بست و دوباره همین ماجراها پیش می‌آمد.

۴- جلسه مهم بعد از مثبت شدن تست

دو سه روز بعد از مثبت شدن تست هپاتیت اوریه، ایفمارک این مسأله را به باشگاه پرســـپولیس اطلاع داد اما اعلام شد یک تســـت دیگر باید گرفته شود تا مشخص شود هپاتیت او فعال اســـت یا نه. همین تســـت دوباره زمان دیگری را گرفت و حدود ۵روز زمان برد. سپس به باشگاه اعلام شد، تست مثبت و هپاتیت این بازیکن فعال است.

بعد از این ماجرا تیم پزشکی پرسپولیس چند مسأله و پرسش را جلوی خود می‌دید. اینکه آیا با مثبت شـــدن هپاتیت منعی برای بازی کردن او وجود دارد؟ آیا با وجود این مســـأله اصلاً نباید با او قرارداد بســـت، آیا نمی‌تواند فوتبال بازی کند و آیا اصلاً ممکن است بیماری‌اش سرایت داشته باشد؟

به همین منظور جلسه‌ای در باشگاه پرسپولیس با محوریت بیماری اوریه بین رئیس گروه پزشـــکی، معاونت حقوقی و درویش برگزار شد که در این جلسه با تأکید بر حفظ اوریه و ادامه همکاری با این بازیکن مقرر شـــد شرایط حضور او در تمرینات و مسابقات کاملاً بررسی شود.

۵- نتیجه امیدوارکننده درباره احتمال سرایت

تیم پزشکی پرسپولیس در بدو امر به‌دنبال مواد قانونی رفت که مشخص شود قانون در مورد بازیکنان هپاتیتی چه گفته است.

چادرملو در جست‌وجوی زمین بازی خارج از تهران

چادرملو اردکان در بیســـت و چهارمین دوره لیـــگ برتر روزهـــای خوبی را ســـپری کرد و در نهایت توانست بدون دغدغه و اما و اگر این دوره از رقابت‌ها را با عملکرد خوبی پشت‌سر بگذارد. این تیم به عنوان اولین تجربه حضور در لیگ حرفه‌ای فوتبال کشـــورمان توانست با کسب ۳۴ امتیاز در جایگاه دهم قرار بگیرد. بعد از پایان این رقابت‌ها، اردکانی‌ها همچنان این فرصت را در اختیار سعید اخباری گذاشتند تا بتواند در بیست و پنجمین دوره لیگ برتر فوتبال نیز روی نیمکت چادرملو باشد. اخباری و شاگردانش این روزها در تلاش هستند خود را به بهترین شکل آماده کنند تا باز هم بتوانند نتایج خوبی کسب کنند. اما چادرملو هم مثل خیلی از تیم‌های لیگ برتری از نداشتن زمین مناسب رنج می‌برد، به طوری که فعلاً آنطور که شنیده می‌شود، شـــش بازی این تیم که اتفاقاً زمان مناسبی برای کسب امتیازات اســـت، باید خارج از خانه برگزار شـــود. چادرملو اردکان در اولین هفته بیســـت و پنجمین دوره لیگ برتر فوتبال باید به مصاف فولاد خوزستان برود و در حالی که میزبان این بازی است، اما نمی‌تواند در اردکان از میهمان خود میزبانی کند. در دومین هفته شاگردان اخباری میهمان قزوینی‌ها خواهنـــد بود و باید به مصاف شـــمس‌آذر قزوین بروند. در هفته سوم این تیم بازهم میزبان هست و نیســـت! و در حالی که طبق برنامه باید از ملوان در اردکان میزبانی کند، باز هم خارج از خانه بازی می‌کند. این وضعیت مقابل تیم‌های پرسپولیس، پیکان و استقلال هم رقم خواهد خورد و شاگردان اخباری در شش هفته نخست باید بیرون از خانه خودشان به میدان بروند. این برنامه‌ای است که تا حالا چیده شـــده اما ظاهراً اردکانی خیلی دوست ندارند در پایتخـــت به مصاف حریفان بروند و در تلاش هستند بازی‌های خانگی خود را در شهری خارج از تهران برگزار کنند. سعید اخباری در این‌باره می‌گوید: «در تلاش هستیم حداقل بازی‌های که میزبان هستیم را در خارج از تهران از حریفان خود میزبانی کنیم. حضور ما در تهران برای ما دردسرساز خواهد بود. به هر حال برایمان بسیار مهم است که تیم کمتر خسته شود و کمتر مسافت طی کنیم. از طـــرف دیگر باید ببینیم چقدر می‌توانیم موفق باشیم و این موضوع را باید مدیریت کنیم. اینکه شش هفته میزبان نباشیم برایمان سخت خواهد بود و انرژی زیادی از تیم خواهد گرفت.» این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که به نظر می‌رسد اردکانی‌ها بیش از هر چیزی، نگران بازی در هفته‌های چهارم و ششم هستند. چادرملو اردکان در هفته چهارم میزبان است و باید از پرسپولیسی‌ها میزبانی کند، اما اگر قرار باشـــد در تهـــران بازی کنند، آن‌وقت نه‌تنها میزبانی را از دست می‌دهد بلکه باید در خانه حریف بازی کند. این موضوع برای هفته ششم هم همین‌طور است یعنی چادرملو طبق برنامه باید در اردکان از استقلال میزبانی کند اما اگر بخواهد در پایتخت بازی کند، باز هم حریفش میزبان می‌شود. هر چند این روزها خیلی از تیم‌ها با معضل نداشتن زمین برای بازی، روبه‌رو هستند اما به نظر می‌رسد چادرملو بیش از دیگران نگران این موضوع است و اردکانی‌ها در تلاش هستند به هر طریقی شده بخشی از این معضل را حل کنند.

هاشمیان در جبهه درویش شمشیر می‌زند

هاشـــمیان باردیگر از رونـــد انتخابش برای سرمربیگری در پرسپولیس شروع و درباره موارد مربوط به آماده‌ســـازی و نقل و انتقالات صحبت کـــرد. او جواب‌ها را خیلـــی کلی می‌داد و وارد جزئیات مربوط به برخی ماجراها مثل لیســـت مازاد نشد و البته اسمی هم نبرد.

سرمربی پرسپولیس صادقانه حرف‌هایش را زد و تأکید کرد تـــا زمانی که بازیکن جدیدی جذب نشـــود، فشـــاری برای بیرون گذاشـــتن برخـــی بازیکنان روی او وجـــود ندارد. در واقع او بـــا علم به اینکه هم جذب بازیکن جدید هم کنار گذاشتن نفرات مازاد بعضاً پروسه‌ای طولانی می‌طلبد تأکید کرد اگر بازیکن جدیدی جذب شود روی کنار گذاشتن برخی نفرات فکر کرده و تصمیم‌گیری می‌کند.

نکته طلایی حرف‌های هاشمیان اما آنجایی بـــود که او هرگز درباره مســـیر نقل و انتقالاتی پرســـپولیس و آنچـــه تـــا الان انجام شـــده یا نشـــده اعتراضی نکـــرد و غر نزد. شـــاید تمام تیم‌های رقیب و هواداران‌شان و البته دشمنان پرسپولیس منتظر این بودند که هاشمیان درباره کمبودها و مشکلات حرف بزند اما او باز هم از اتفاقات مثبتی که تا الان در تیمش اتفاق افتاده حرف زد و نیمه پر لیوان را کاملاً جلوی چشم هواداران آورد. هاشمیان حتی از این هم جلوتر رفت و ضمن تأکید روی اینکه همه چیز در تیم او خوب است و خوب پیش می‌رود از هوادارانی کـــه بعضاً تحت تأثیر برخی صحبت‌های فضای مجازی قرار می‌گیرند خواست تا اخبار واقعی و حقیقی را دنبال کنند.

هاشمیان در ســـومین مصاحبه خود باز هم بـــه روند جذب بازیکـــن و ناقص ماندن تیمش اعتراضـــی نکرد و حتی یک مـــورد غر زدن را نمی‌توان از لابه‌لای حرف‌هایش پیدا کرد. او در حساس‌ترین برهه فصل و در شرایطی که تأکید می‌کند از باشـــگاه ســـه بازیکن جدید خواسته است هرگز حرفی نزد که رسانه‌ها و هواداران را روبه‌روی درویش و باشگاه قرار دهد.

● دلار ۹۳,۴۰۰ ● یورو ۱۰۸,۸۲۰ ● پوند ۱۲۵,۴۸۰ ● درهم ۲۵,۵۵۰ ● لیر ۲,۳۰۰ ● سکه ۸۵,۴۵۰,۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶,۶۱۰,۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶,۷۴۰,۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴,۸۰۰,۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷,۵۹۰,۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰,۱۰۰,۰۰۰ ●

روزنامه مرز اقتصاد
یکشنبه ۰۹ شهریور ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۹
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

«ونیز» زیر سایه غزه

فیلم «لا گراتسیا» تصویرگر داستان یک رئیس‌جمهور سالخورده است که خود با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و در روزهای پایانی دوران کاری‌اش باید دو پرونده عفو را به نتیجه برساند. این فیلم جمعیت تماشاگر در ونیز را از روی صندلی‌ها بلند کرد و به تشویق واداشت. سورنتینو درباره تصمیم خود برای به تصویر کشیدن نمونه‌ای مثبت از یک سیاستمدار گفت هر روز در اخبار درباره تصمیمات سیاستمداران می‌خوانیم. تصمیماتی که ناشی از شتابزدگی، نمایش قدرت و ایده‌های عجیب و غریب و پیچیده درباره اقتصاد است. من می‌خواستم نشان دهم که یک سیاستمدار باید چگونه عمل کند.در بخش دیگری از افتتاحیه، فرانسیس فورد کاپولا روی صحنه رفت تا شیر طلایی یک عمر دستاورد هنری را به ورنر هرتزوگ اهدا کند. کاپولا غول سینمای آلمان را پدیده‌ای نامحدود دانست

راز عطش خریداران سایپا

مرتضی اکبری -با وجود تجربه پرچالش و دخالت‌های دولتی در روند خصوصی‌سازی ایران‌خودرو، شمار متقاضیان خرید سایپا نه تنها کاهش نیافته، بلکه رو به افزایش است.

در تازه‌ترین خبر از روند واگذاری دومین خودروساز بزرگ کشور، معاون اقتصادی سایپا اعلام کرد که تاکنون ۶ شخصیت حقوقی و سه کنسرسیوم برای خرید این شرکت اعلام آمادگی کرده‌اند. به گفته وی، یکی از این کنسرسیوم‌ها از همکاری یک خودروساز و یک بانک تشکیل شده، کنسرسیوم دوم شامل دو گروه صنعتی است و کنسرسیوم سوم نیز مجموعه‌ای از قطعه‌سازان تشکیل شده است. بدین ترتیب، پای بانک‌ها نیز رسما به فهرست خریداران سایپا باز شده است. با افشای رسمی فهرست خریداران سایپا، حالا این پرسش در افکار عمومی پررنگ‌تر شده است که چرا با وجود تجربه ایران‌خودرو در هفت ماه گذشته پس از واگذاری به بخش خصوصی و مشکلات جدی ناشی از دخالت‌های دولت، شمار متقاضیان سایپا همچنان رو به افزایش است؟

از بهمن‌ماه سال گذشته که سهام ایران‌خودرو به بخش خصوصی منتقل شد، مداخلات دولت در ابتدایی‌ترین حوزه‌ها از جمله قیمت‌گذاری و سیاست‌های عملیاتی، این شرکت را با چالش‌های گسترده‌ای در تولید و فروش روبه‌رو کرده و عملا بهره‌وری آن را تحت تاثیر قرار داده است. با این حال، برخلاف انتظار، اکنون سایپا با موج جدیدی از خریداران مواجه شده است؛ به‌گونه‌ای که نام بانک‌ها و برخی از بزرگ‌ترین گروه‌های صنعتی کشور نیز در میان متقاضیان دیده می‌شود. اینکه چرا متقاضیان سایپا نسبت به ابتدای سال حتی افزایشی شده، پاسخ مشخصی دارد. نخست اینکه سایپا به‌رغم مشکلات مالی همچنان دارای ظرفیت تولیدی بزرگ، شبکه گسترده فروش و خدمات پس از فروش و دارایی‌های ارزشمندی نظیر زمین، کارخانه و برند شناخته‌شده در بازار است؛ ویژگی‌هایی که برای هر سرمایه‌گذاری جذاب است.

دوم اینکه خریداران بالقوه به امید تغییر در سیاست‌های کلان دولت و آزادسازی تدریجی قیمت‌گذاری، آینده‌ای متفاوت نسبت به وضعیت فعلی متصورند. در واقع بسیاری از کنسرسیوم‌ها بر این باورند که در صورت کاهش مداخله دولت، امکان سودآوری و بازگشت سرمایه در سایپا فراهم خواهد شد. اما پاسخ را برخی تحلیلگران داده‌اند به‌طوری‌که آنها بر این باورند که ورود بانک‌ها و گروه‌های صنعتی به صف خریداران تنها با انگیزه اقتصادی نیست و رگه‌هایی از رانت و امتیازات جانبی نیز در این ماجرا دیده می‌شود. دسترسی به بازار گسترده قطعه‌سازی، قراردادهای دولتی و حتی امتیازهای احتمالی در دیگر حوزه‌ها می‌تواند برای برخی خریداران وسوسه‌برانگیز باشد. بنابراین، افزایش تعداد متقاضیان خرید سایپا را می‌توان ترکیبی از «امید به آینده»، «جذابیت دارایی‌ها» و «انتظار از رانت‌های احتمالی» دانست؛ موضوعی که نشان می‌دهد خصوصی‌سازی خودروسازی همچنان عرصه‌ای پر از پرسش و ابهام است.

سه مشتری سایپا

همان‌طور که اشاره شد، سه کنسرسیومی که علیرضا بیاتی، معاون اقتصادی سایپا، از آنها به‌عنوان متقاضیان خرید این شرکت نام برده شامل کنسرسیومی میان یک بانک و یک خودروساز می‌شود.با توجه به اینکه کرمان موتور از ابتدا برای خرید سایپا اعلام آمادگی کرده و حتی ۲۲ اردیبهشت ماه یک برنامه شش مرحله‌ای برای اداره آن نیز منتشر کرد احتمالا منظور از خودروسازی که بیاتی به آن اشاره می‌کند همین شرکت باشد، علاوه بر این حالا می‌دانیم که کرمان‌موتور احتمالا برای خرید سهام سایپا با یک بانک که احتمالا منظور از آن بانک شهر است وارد ائتلاف شده است. البته این کنسرسیوم برای خرید ۴۲ درصد سهام بلوکی که به آن اشاره شده تشکیل شده بود. طبق اطلاعاتی موجود، تشکیل کنسرسیوم کرمان موتور و بانک شهر برای خرید سهام سایپا، با نسبت شراکت ۶۰ به ۴۰ درصد به نفع کرمان‌موتوری‌ها بوده است. البته نکته‌ای که در این میان می‌توان به آن اشاره کرد این است که بانک شهر اساسا متعلق به شهرداری تهران به عنوان یک نهاد عمومی است. بنابراین خرید سهام سایپا توسط این بانک نمی‌تواند به عنوان مسیر واقعی خصوصی‌سازی تعبیر شود. با این حال با توجه به اینکه این کنسرسیوم هم توان مالی دارد (حضور بانک شهر) و هم سابقه خودروسازی (حضور کرمان‌موتور)، یعنی دو موردی که احتمالا به عنوان معیارهای اهلیت در نظر گرفته می‌شود، شانس بیشتری نسبت به دیگر رقبا دارد.

کنسرسیوم دیگری که که به آن اشاره شده مربوط به ائتلاف دو گروه صنعتی است. با توجه به اعلام آمادگی قبلی گروه انتخاب (که یک گروه صنعتی تولید لوازم خانگی است) احتمالا یکی از این دو گروه صنعتی که مدیر اقتصادی سایپا در گفت‌وگو با خبرگزاری صداوسیما به آن اشاره کرده، گروه انتخاب باشد اما مشخص نیست که ائتلاف مذکور بین انتخاب و کدام گروه صنعتی دیگر ایجاد شده است. گرچه به نظر می‌رسد که این کنسرسیوم توان مالی لازم را در اختیار داشته باشد اما شرط دیگر اهلیت یعنی آشنایی با صنعت خودرو و قطعه را ندارد. کنسرسیوم سوم نیز مربوط به قطعه‌سازان است. این گروه با توجه به واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به شرکت‌های دیگر قطعه‌ساز خود را ذی‌حق خرید سهام سایپا می‌داند اما به نظر نمی‌رسد که توان مالی لازم را در اختیار داشته باشد. از بین ۶ شخص حقوقی و کنسرسیوم دیگر احتمالا یکی مربوط به شرکت‌های بابک زنجانی باشد اما از پنج مشتری دیگر سایپا اطلاعاتی در دست نیست.

موانع واگذاری سایپا

اما با وجود صف کشیدن مشتریان و همچنین اظهارنظرهای پیاپی در مورد قریب‌الوقوع بودن واگذاری سهام دولت در سایپا همچنان مشکلات و پیش‌نیازهایی برای تحقق آن وجود دارد. البته طی سال‌های گذشته به طور مداوم از این پیش‌نیازها سخن به میان آمده است اما دست کم در مورد واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی آنها به فراموشی سپرده شدند، نتیجه اینکه علی‌رغم مدیریت خصوصی این شرکت، هنوز حتی حدود و قصور دخالت دولت در این شرکت مشخص نیست. به طوری که چندماه گذشته صنعت خودروی کشور صحنه اختلافات این شرکت با وزارت صمت بود و کار به ورود دستگاه قضا و سازمان تعزیرات حکومتی نیز کشیده شد و حتی طبق گفته مدیر عملیات فروش این شرکت، فروش ایران‌خودرو تا مشخص شدن نتیجه حکم سازمان تعزیرات متوقف شده است. بنابراین برخی کارشناسان اعتقاد دارند که دست کم تا تعیین تکلیف همین یک موضوع (یعنی حدود دخالت دولت) در ایران‌خودرو، واگذاری سایپا به تعویق بیفتد.

از طرف دیگر بسیاری از پیش‌نیازها نیز از سال‌ها پیش مطرح می‌شدند، برای مثال در سال ۱۴۰۱ سه جلسه هم‌اندیشی در سه دانشگاه در تهران برگزار شد تا بین وزرای اقتصادی با دانشگاهیان در مورد الزاماتی که پیش از واگذاری سهام خودروسازی‌ها باید رعایت شود، شور و مشورت انجام شود. اظهارنظرها و نشست‌ها و جلسات متفاوت دیگری هم در این رابطه برگزار شد و از یک سری پیش‌نیاز برای واگذاری خودروسازی به بخش خصوصی یاد می‌شد. یکی از این موارد تعیین تکلیف قیمت‌گذاری دستوری بود. در تمام مدتی که موضوع واگذاری تولیدکنندگان خودرو مطرح بود، روی این مساله تاکید می‌شد که پیش از واگذاری باید مشکل قیمت‌گذاری دستوری حل شود، چراکه بخش خصوصی مانند مدیران منتصب دولت در برابر دستورات قیمتی به راحتی تمکین نمی‌کنند و از طرف دیگر با زیانی که قیمت گذاری دستوری به خودروسازان تحمیل می‌کند بخش خصوصی زیر بار خرید این شرکت‌ها نمی‌رود. با این حال هنوز این موضوع بلاتکلیف است گرچه دستورالعمل جدید شورای رقابت قیمت‌گذاری را به خود خودروسازان سپرده است اما مشخص نیست که وزارت صمت زیر بار این موضوع می‌رود یا نه.

موضوع دیگری که مداوما مورد تاکید قرار می‌گرفت حل موضوع سهام‌های تودلی بود که عملا هزینه‌های مالی خودروسازان را سرسام‌آور کرده است. سهام تودلی به این معناست که یک شرکت زیرمجموعه سهام شرکت مادر را خریداری می‌کند و به نوعی مالک سهم شرکتی می‌شود که زیرمجموعه آن است. موضوع سهام‌های تودلی در سایپا بسیار پیچیده‌تر از ایران‌خودرو است. این تفاوت کار را برای واگذاری سهام سایپا سخت‌تر می‌کند. البته اواخر تیرماه رسانه رسمی دولت یعنی ایرنا، به نقل از یک منبع آگاه اطلاع داده بود که هیات واگذاری در همان ماه تصمیم نهایی را در مورد سهام‌های تودلی خودروسازان خواهد گرفت اما هنوز خبری از «تصمیم نهایی» نیست. ماجرا وقتی پیچیده‌تر می‌شود که توجه کنیم هنوز بخشی از این سهام‌های تودلی به عنوان وثیقه در بانک‌ها گرو هستند. البته زهره عالی‌پور، رئیس سازمان خصوصی‌سازی کشور گفته است که دولت تصمیماتی در این باره گرفته و اظهار امیدواری هم کرده است که به زودی این تصمیمات ابلاغ شود اما هنوز خبری از آن نیست.

بنابراین وضعیت واگذاری این شرکت همچنان پیچیده است اما می‌توان گفت که سایپا برای تسهیل این روند مسیرهایی را طی کرده است. برای مثال مدیران این شرکت اقدام به واگذاری برخی شرکت‌های تابعه کردند تا اندازه سایپا تا حدی کوچک‌تر شده و برخی هزینه‌های اضافی قطع شود علاوه بر این شنیده‌ها حاکی از این است که استخدام‌های سفارشی در سایپا به حداقل رسیده است. با وجود همه این مشکلات و علی‌رغم سرنوشت ایران‌خودرو که همچنان تحت فشار دولتی است، همچنان مشتریان از خرید سایپا عقب‌نشینی نکرده‌اند به نظر می‌رسد که با وجود زیان‌دهی سایپا همچنان برخی عوامل مانند اعتبار این شرکت و همچنین املاک آن برای مشتریان ایجاد جذابیت کرده است. با این وجود اما به نظر می‌رسد که با وجود همه عواملی که آنها از نظر گذراندیم، لابی سیاسی فاکتور مهم‌تری باشد. بنابراین می‌توان گفت که احتمالا برنده دوئل تصاحب سایپا گروه یا شخصی بود که بتواند از این ابزار استفاده بیشتری کند.

موضوع دیگری که مداوما مورد تاکید قرار می‌گرفت حل موضوع سهام‌های تودلی بود که عملا هزینه‌های مالی خودروسازان را سرسام‌آور کرده است.

کمدی دست انداختن زور و تکبر است

مهدی هاشمی، بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون که نقش‌های ماندگاری را در فیلم‌ها و سریال‌هایی همچون زرد قناری، همسر، دو فیلم با یک بلیت، خانه پدری و سلطان و شبان به جا گذاشته، پنج‌شنبه ششم شهریورماه در کارگاهی حضور پیدا کرد و از تجربه‌های بازیگری‌اش حرف زد.

او در این کارگاه به بیان سختی‌های حرفه بازیگری پرداخت و ضمن بیان خاطراتی از برخی همکارانش همچون بهرام بیضایی و زنده‌یاد فتحعلی اویسی از بعضی نقش‌ها و آرزوهایش سخن گفت.

هاشمی در این کارگاه توضیح داد: بازیگری حرفه سختی است. ممکن است صد نفر همزمان به این حرفه علاقه‌مند باشند اما از بین آنها یک نفر هم بازیگر نشود. من معتقدم در این کار شخصیت و خاص شدن بسیار مهم است؛ چیزی که از ابتدا به ما آموزش دادند. هر بازیگری باید فردیت و شخصیت خاص خود را داشته باشد زیرا به این مشخصه مهم حتی در جامعه هم نیاز دارند.

قبل از بازیگری اینکه از کجاها رد شده‌اید، چه کارهایی انجام دادید و چه چیزهایی دیده‌اید و چرا می‌خواهید بازیگر شوید، مهم است، به عنوان مثال اغلب نمایشنامه‌های ژان ژونه نویسنده فرانسوی به مسیر زندگی‌اش مربوط بوده است. بازیگران نقش اصلی، نماینده طرز تفکر کارگردان‌ها هستند. یک بازیگر باید چهره‌ای از خود در فیلم‌ها ارائه دهد که وقتی مخاطب او را روی پرده سینما می‌بیند، شخصیت مورد نظر در ذهنش را ببیند و آن را باور کند. این بازیگر درباره تفاوت بازی در مدیوم‌ها و ژانرهای مختلف گفت: تئاتر و سینما با هم بسیار تفاوت دارند. در تئاتر بخش زیادی از انرژی بازیگر صرف نمایشگری می‌شود. درحالی‌که در سینما نباید بازی کنید بلکه باید نقش را طراحی کنید، همان طور که آلن دلون هیچ وقت جایزه نگرفت اما در همه نقش‌ها خط یک دستی داشت.

من معتقدم برای هر بازیگری خط شخصیت بسیار مهم است. در تئاتر احساسات خود را بیرون می‌ریزیم و برجسته نمایش می‌دهیم، اما در سینما در کادر دوربین احساسات را مخفی می‌کنیم. در کشورهای بزرگ هر ژانر بازیگر خاص خود را دارد. به عنوان مثال، بازیگر کمیک فقط در فیلم‌های کمدی بازی می‌کند، اما در کشور ما بدین شکل نیست و بازیگر برای امرار معاش خود مجبور است گاهی نقش‌هایی را که دوست ندارد بازی کند.

او درباره اهمیت ژانر کمدی تاکید کرد: کمدی دست انداختن زور و تکبر است. کمدین دوست دارد در کمدی سنت آهنین قوی و عذاب‌آوری را که با هیچ نوآوری موافق نیست بشکند و چارلی چاپلین به خوبی از عهده آن برمی‌آمد. زمانی‌که هیتلر تازه به قدرت رسیده بود، چارلی چاپلین او را که یک شخصیت سیاسی بود نقد کرد که این اوج نبوغ یک کارگردان است.

هاشمی با ذکر تجربیات خودش در بازیگری یادآور شد: از بازی‌های بد بسیار می‌توان آموخت. قطعا کارگردان‌ها می‌توانند در بازی گرفتن از یک بازیگر موثر باشند و من نقش‌های بهترم را با کارگردان‌های خوبی مثل کیانوش عیاری کار کردم. یادم می‌آید یک روز با زنده‌یاد فتحعلی اویسی صحبت می‌کردیم که چرا بازیگرهای ایرانی خشک هستند و با بازیگرهای غربی تفاوت دارند و او می‌گفت ما ایرانی‌ها کمی ترس داریم؛ مثل زمانی که پلیس به سمت‌مان می‌آید و تصور می‌کنیم کار اشتباهی انجام دادیم.

اینفوگرافیک

بنیاد علم ایران نیز به عنوان یک از مجموعه‌های ذیل معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری در دولت چهاردهم در طول یک‌سال گذشته در قالب طرح توسعه سرمایه انسانی و زیرساخت‌های پژوهش، فناوری و نوآوری به منظور حمایت از فعالیت‌های پژوهشی و ترویج علم در موسسات علمی اعم از دانشگاهی و حوزوی اقدامات وسیعی داشته است.

عکس نوشت

پانزدهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران

کارتون

مراسم بدرقه رسمی رئیس جمهور به کشور چین

رکوردشکنی بیت‌کوین

ورود رمزارزها به حساب‌های بازنشستگی، استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران و همچنین سیاست‌ها و حمایت‌های دونالد ترامپ از بازار کریپتو را باید از دلایل این رشد دانست.

بیت‌کوین رمزارز محبوب جهانی، بار دیگر تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دچار نوسانات قیمتی شد و روز پنج‌شنبه به اوج تاریخی خود رسیدند.

بیت‌کوین از ابتدای سال جاری تاکنون رشدی ۳۲ درصدی را تجربه کرده و برای نخستین بار توانست کانال ۱۲۴ هزار دلاری را پشت سر بگذارد. اتریوم نیز از این روند بی‌نصیب نماند و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون افزایش ۵۱ درصدی را ثبت کرده و به بالای ۴۷۰۰ دلار رسید.

این روند نه تنها به دلیل استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی است، بلکه سیاست‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا نیز نقش مهمی در تقویت این موج داشته‌اند. درحالی‌که برخی کارشناسان نگران نوسانات بازار هستند، بسیاری دیگر بیت‌کوین را به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش ریسک‌پذیری و جذابیت سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌بینند.

چرایی رکورد بیت‌کوین

بیت‌کوین و اتریوم بار دیگر در مسیر صعودی قرار گرفتند و بازار رمزارزها را تحت تاثیر خود قرار دادند. انتظارات برای سیاست پولی آسان‌تر و تحولات مثبت در مقررات مالی باعث شده سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به این دارایی‌ها پیدا کنند.

تحلیلگران می‌گویند رشد بیت‌کوین و اتریوم نه تنها ناشی از خریدهای مداوم موسسات مالی است، بلکه اقدامات دولت برای تسهیل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیجیتال نیز نقش مهمی داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند صعودی می‌تواند ادامه یابد و رشد قابل‌توجه‌تری در راه باشد.

با تغییرات مقرراتی اخیر، بازار رمزارزها حالا محیطی مثبت‌تر برای سرمایه‌گذاران پیدا کرده است. ورود رمزارزها به حساب‌های بازنشستگی، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی ایجاد کرده و نشان می‌دهد این بازار بیش از گذشته در مرکز توجه قرار دارد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات همچنان بالا است و سرمایه‌گذاران باید با دقت و احتیاط عمل کنند.

به دنبال این تحولات، ارزش کل بازار رمزارزها به بیش از ۴,۱۸ تریلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که چند ماه قبل این رقم حدود ۲,۵ تریلیون دلار بود. فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا دسترسی به دارایی‌های دیجیتال را در حساب‌های بازنشستگی(k) ۴۰۱ آسان‌تر کرده و می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی بزرگ فراهم کند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات این بازار همچنان بالاست و سرمایه‌گذاران باید جانب احتیاط را رعایت کنند.

کارشناسان معتقدند ترکیبی از خریدهای گسترده شرکت‌ها و حمایت‌های دولتی عامل اصلی این افزایش قیمت بوده است. «اندرو پیس»، مدیر سرمایه‌گذاری آسیا-پاسفیک در شرکت Russell Investments، بیت‌کوین را به «نسخه‌ای پیشرفته از شاخص نزدک» تشبیه کرده و تاکید می‌کند که این دارایی دیجیتال اکنون به یک معیار مهم برای سنجش ریسک‌پذیری در بازارهای مالی تبدیل شده است.

یکی از محرک‌های اصلی این رشد، فعالیت شرکت‌های موسوم به «خزانه‌داری بیت‌کوین» است. این شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت «Strategy» به رهبری مایکل سیلور، برای خرید بیت‌کوین و دیگر رمزارزها از ترکیبی از بدهی و سهام استفاده می‌کنند. در حال حاضر، حدود ۱۶۵ شرکت عمومی در جهان بخشی از دارایی‌های خود را به بیت‌کوین اختصاص داده‌اند. خریدهای گسترده این شرکت‌ها یک حلقه بازخورد مثبت ایجاد کرده و باعث شده بازار بیت‌کوین از یک تجربه نوآورانه سرمایه‌گذاری، به یک منبع ساختاری فشار خرید تبدیل شود.

در کنار نقش شرکت‌ها، حمایت‌های دولتی نیز زمینه رشد قیمت بیت‌کوین را فراهم کرده است. فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، اجازه داد برنامه‌های بازنشستگی آمریکا بتوانند در دارایی‌های جایگزین از جمله رمزارزها سرمایه‌گذاری کنند. این تصمیم مسیر ورود گسترده سرمایه موسسات بزرگ به بازار کریپتو را هموار کرد و تقاضا برای بیت‌کوین و دیگر رمزارزها را افزایش داد.

رشد اخیر بیت‌کوین همچنین همزمان با عرضه اولیه موفق سهام صرافی رمزارزی «Bullish» در بورس نیویورک رخ داد. این صرافی که توسط میلیاردر تکنولوژی، پیتر تیل، حمایت می‌شود، توانست ۱,۱ میلیارد دلار سرمایه جذب کند و قیمت سهام آن با افزایش قابل‌توجهی روبه‌رو شد.

این موفقیت نشان‌دهنده اعتماد شدید سرمایه‌گذاران به بازار رمزارزها و پتانسیل بالای شرکت‌های فعال در این حوزه است. البته ناگفته نماند که انتشار داده‌های تورمی آمریکا باعث شد تحلیلگران دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند و در پی آن، نوسانات قیمتی بیت‌کوین و اتریوم افزایش یابد. این روند موجب عقبگرد هر دو دارایی از رکوردهای قبلی خود شد.